

ارک نامہ

نویسندہ
محمود توحیدی

انتشارات
مرکز گرامان شناسی

ARG-NĀM-E

BY

MAHMOUD TOHIDI

PUBLISHER

KERMANOLOGY CENTER



9 789646 487369

قیمت: تومان

۱۰
۲۰

ارک نمبر

محمود احمدی



۷۱۶۵۹

بسم الله الرحمن الرحيم



[illegible]

ارگ نامه

مؤلف:

محمود توحیدی

انتشارات:

مرکز کرمان شناسی

۹۵۵
 ۷۲۳۲ /
 الف ۷۹۲ ت
 توحیدی، محمود
 ارگ نامه: نگرشی بر ارگ بم در بستر تاریخ / محمود توحیدی؛ با مقدمه
 دکتر محمد ابرهیم باستانی پاریزی. - کرمان: مرکز کرمان شناسی، ۱۳۸۳.
 ۱۴۶ ص. عکس، نقشه.
 کتابنامه: ص ۱۲۵-۱۲۳
 بهاء: ریال
 شابک: X-۸۴-۶۴۸۷-۶۴۴
 ۱. ارگ بم - تاریخ. ۲. بم - تاریخ. ۳. بم - جغرافیای تاریخی.
 الف. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم ب. عنوان
 ۴ الف ت / ۲۰۷۵ DSR

عنوان کتاب: ارگ نامه: نگرشی بر ارگ بم در بستر تاریخ
 مؤلف: محمود توحیدی
 ناشر: مرکز کرمان شناسی
 ویراستاری: محمد صادق فردوسی
 مدیر اجرایی: مجید جاوید
 حروف چینی و صفحه آرائی: مؤده تقی زاده، شیرین عبدالله نژاد (مرکز کرمان شناسی)
 طرح روی جلد: مجتبی یزدان پناه (مؤسسه بوتیا)
 نوبت چاپ اول: سال ۱۳۸۰
 نوبت چاپ دوم: سال ۱۳۸۲
 نوبت چاپ سوم: سال ۱۳۸۳
 چاپ و صحافی: شرکت چاپ معراج
 تیراژ: ۳۰۰۰ جلد
 شابک: X-۸۴-۶۴۸۷-۶۴۴ ISBN : 964-6487-84-X
 انتشارات مرکز کرمان شناسی: کرمان، خیابان شهید رجائی، تلفن: ۲۲۶۷۴۳۷-۲۲۳۵۰۸۱
 قیمت ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست مندرجات

مقدمه ناشر	۱۱
تضمین امنیت اجتماعی بیابان	۱۳
ارگ نامه	۱۷
پیشگفتار	۱۸
به یاد بهشت گمشده بم	۲۰

فصل اوّل:

شهرستان بم و فهرست بناهای تاریخی آن

شهرستان بم	۲۵
حدود	۲۵
وسعت و تقسیمات سیاسی	۲۵
محصولات عمده کشاورزی آن	۲۶
شهر بم	۲۷
فهرست بناهای تاریخی شهرستان بم	۲۸
آری! ای ارگ!	۳۰

فصل دوّم:

سیر و سیاحتی در ارگ بم

ارگ بم	۳۶
بازار	۳۶
میدان (تکیه)	۳۷
کوچه ها و پس کوچه ها	۳۸
مسجد جامع	۳۸
چاه صاحب الزمان	۳۹
مدرسه میرزا نعیم	۴۰

۴۱	زورخانه.....
۴۲	عمارت ملکالتجار.....
۴۳	کاروانسرای شهر.....
۴۳	ساباط یهودیان.....
۴۴	خانقاه یا مدرسه داخل ارگ.....
۴۵	کُناری محله.....
۴۵	کیفیت خانه‌های ارگ.....
۴۵	دروازه حکومتی.....
۴۶	اصطبل حکومتی.....
۴۸	سیستم آبرسانی ارگ.....
۴۹	قورخانه (سرباز خانه).....
۵۰	(آسیا بادی).....
۵۰	عمارت میر نظام (فرمانده ارتش).....
۵۱	دارایی ارتش.....
۵۲	دروازه اصلی.....
۵۳	زندان.....
۵۳	عمارت حاکم.....
۵۴	برج دیده‌بانی اصلی.....
۵۴	چهار فصل.....
۵۵	حمام اختصاصی حاکم.....
۵۵	قلعه دختر (کروهک).....
۵۶	وجه تسمیه قلعه‌ها.....
۵۶	حصار شهر بم (شهر بست).....
۵۷	دور نمائی از ایوان غربی چهار فصل.....
۵۷	عوامل تخریب ارگ بم.....
۵۹	تعمیرات و مرمت های ارگ بم.....
۶۰	ارگ یا دژ تاریخی بم و انگیزه تعمیر آن در ۵۰ سال گذشته.....
۶۰	حسن درخشان.....
۶۳	حفاظت و نگهداری ارگ بم.....

فصل سوّم:

ارگ بم از دیدگاه صاحب‌نظران

۶۷	توصیف ارگ بم.....
۶۷	شهر بم عروس شهرهای تاریخی ایران.....

چهارمین دیدار از ارگ بم.....	۶۸
بازدید از ارگ بم خاطره انگیزترین روزهای زندگیم بود.....	۶۹

فصل چهارم:

منابع تاریخی

بم نامه	۷۳
رساله مقامات عرفای بم.....	۷۴
بهمن نامه.....	۷۵
بهمن بن اسفندیار.....	۷۶
رزم فرامرز و بهمین.....	۷۶
یعقوبی در کتاب البلدان (۲۸۷ هجری).....	۷۷
ابن فقیه در کتاب مختصرالبلدان (۲۹۰ هجری).....	۷۸
اصطخری در کتاب مسالك و ممالك (۳۴۶ هجری).....	۷۸
ابو القاسم جیهانی در کتاب اشکال العالم (۳۶۷ هجری).....	۷۸
مولف کتاب حدود العالم من المشرق و المغرب (۳۷۲ هجری قمری).....	۷۸
ابن حوقل (عراقی) در کتاب «صورة الارض» (در سنه ۳۶۷ هجری).....	۷۹
مقدسی (جغرافیادان و جهانگرد عرب).....	۷۹
شریفه ادریسی در کتاب خود «نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق».....	۸۰
یاقوت در سنه ۶۲۳ هجری قمری در کتاب خود نزهة القلوب.....	۸۰
از ماهان تا چابهار به کوشش محمد رسول دریا گشت.....	۸۰
افضل الدین ابو حامد کرمانی از کتاب (عقدالعلی الموقف الاعلی).....	۸۰
توصیف بم.....	۸۱
حمدالله مستوفی نزهة القلوب.....	۸۲
احمد علی خان وزیری - جغرافیای کرمان.....	۸۲
کذا فی تقویم البلدان.....	۸۳
«مرآت البلدان» صنع الدولة.....	۸۳
درباره ارگ.....	۸۴
درباره انار بم.....	۸۴
سفرنامه کرمان و بلوچستان.....	۸۴
فیروز میرزا فرمانفرما.....	۸۴
ارگ بم.....	۸۵
داستان کرم هفتواد (نصرت تجربه کار).....	۸۶
نشریه فرهنگ بم.....	۸۸
جلال آل احمد در کتاب کار نامه سه ساله.....	۸۹

۸۹	ارگ بم - حمید نوربخش
۸۹	مقاله دکتر باستانی پاریزی
۹۰	جغرافیای شهر بم
۹۰	ارگ بم - عبدالرضا سالار بهزادی
۹۱	الماس کویر - زهرا اسعد پور بهزادی
۹۱	نیمرخ از ارگ بم - داوود یوسف زاده
۹۱	معادن

فصل پنجم:

ارگ بم از دیدگاه سیاحان

۹۵	پاتینجر سیاح انگلیسی (۱۸۱۰ میلادی)
۹۶	سرپرسی سایکس - انگلیسی ۱۸۷۵ میلادی
۹۸	سفرنامه آنتونی اسمیت انگلیسی
۹۹	دکتر آلفونس گابریل اتریشی
۹۹	استراتیل زوئر استاد جغرافیای دانشگاه وین
۱۰۰	پرفسور هاینس گوبه
۱۰۰	پرفسور اهلرز
۱۰۱	اوریک گازپر (یوگسلاوی)
۱۰۱	پیام اوریک
۱۰۱	دیویدست وینست سیاح انگلیسی
۱۰۲	درباره بم
۱۰۲	ارگ بم

فصل ششم:

ارگ نامه

۱۰۵	سه رباعی از استاد محمود شاهرخ بی
۱۰۶	ابیاتی از نگارنده
۱۰۷	خطاب به ارگ تاریخی بم
۱۰۸	جنگل نخل
۱۰۹	سرزمین چهره های سوخته
۱۱۰	آئینه زار طوطیان
۱۱۱	تاریخ چرا همیشه، تاریک؟!
۱۲۳	فهرست منابع
	متن انگلیسی

مقدمه ناشر:

ارگ، این قامت بلند روزگاران که هر خشت آن دیوانی از یادگارهای تلخ و شیرین زمانه، و جای جای آن یادآور خاطرات گوناگون تاریخی است، صدها سال در برابر باد و باران بر پای مانده و با صلابتی که استواری صحرا دلان کویر را تداعی می‌کند، نظاره گر وقایع یا به قول افضل کرمانی «روزگار رسن باز» بوده است. آنطور که می‌توان گفت سینه این پیر سپید موی تاریخ، گنجینه‌ی گرانقدر اسرار و رازهاست.

اگر چه قدمت این بنای کهن را قریب دو هزار و دویست سال ذکر کرده‌اند اما باز هم بدرستی نمی‌توان زمان احداث و برپایی بزرگترین مجموعه خشتی جهان را ذکر کرد. آیا این بنا، ره آورد سفر نامیمون اسکندر به کرمان است که از راه سیستان و از طریق گدروزیا (جیرفت) صورت گرفت و چون در بین راه، بر اثر گرمای سوزان کویر، جمعی از سربازان خود را از دست داد، امر کرد تا بنایی که خنکای نسیم کوچه‌ها و خانه‌ها و... شاه نشین آن، مهاجمین را پذیرا باشد بسازند؟! یا به انگیزه وجود پناهگاه برای مردمی که با همتی افزون، در برابر هرم آفتاب، سینه‌ها را سپر کردند، دانه افشاندند و بهره برگرفتند. اما هنوز خستگی تلاش چندین و چند ماهه را در سایه ماحصل خود، از تن بیرون نکرده بودند که یورش همسایه‌ها و بیگانگان در قالب مهاجمین همیشگی،

دسترنج آنها را بر باد داد؟ و عجباً که مردم پر تلاش بم، بجای آنکه الگوی دیگران باشند، موجب حقد و حسد آنان قرار گرفتند و سرنوشتی آنطور که عرض شد برایشان رقم خورد. اما باز هم باید گفت: «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد». زیرا اگر چه عرض شد اتفاق نمی افتاد، ارگ پر صلابت، با دست های پر توان نیائی سرافراز شکل نمی گرفت و امروز، زمینه فخر و بالندگی افزون مردم این دیار را فراهم نمی ساخت. بهر تقدیر، هر خشت ارگ، ورقی از تاریخ و حکایتگر حدیثی از روزگارانی است که گفته اند:

هر که ناموخت از گذشت روزگار می نیاموزد ز هیچ آموزگار
روزگاری که :

حاکمان بر بلندای ارگ و در چهار فصل و شاه نشین میارمیدند، و خیال باطل دشمنان خود را به استهزاء می گرفتند که هرگز تاب و توان دسترسی به آنها را نداشتند، زیرا از هر موضعی می گذشتند در موضع دیگر، یا با گلوله محافظین، به کام مرگ می رفتند، و یا اسیر می شدند و بسزای عمل خود می رسیدند.

- تلاشگران بمی، فارغ از هجمه بیگانگان، سر راحت بر بالین می گذاشتند، و نگران بر باد رفتن دسترنج خود نبودند.

- راهیان و قافله داران راه ادویه، مکانی مناسب برای استراحت و تجدید قوا داشتند. هنگامه ای که دلاورزند، خسته و مانده از طی راه کرمان - بم. در این مکان اسیر اعوان و انصار خان قاجار می شود و سخت ترین شکنجه ها را تحمل می کند و حکایت مظلومیت خود را بر جای جای این قلعه کهن می نگارد.

بهر تقدیر، ارگ، رازدار حدیث و حکایت هائی است که بیان همه آنها «مثنوی هفتاد

من کاغذ» شود.

خدا را شاکر و سپاسگزاریم در راه شناخت و معرفی این بنای ارزشمند، گامی برداشتیم، هر چند که آنچه در این مجموعه آمده، تمامی گفتنی‌های مربوط به ارگ نیست، معذک تلاش برادر بزرگوارمان آقای توحیدی که با علاقه و پشتکار، به انجام این مهم نائل آمدند را تقدیر و تقدیس کرده و از خدای بزرگ برای ایشان مزید توفیق آرزو داریم. باشد تا سایر محققین نیز در این راه گام‌هایی بردارند.

و اما..... بعد

آنچه از نظرتان گذشت نوشتار روزگار شیرینی بود که ارگ، در جوار مردمی فرهنگ پرور، و هم آغوش نخل‌های بلند قامتی که این شهر کهن و فرهنگی را بصورت نگینی سبز در آورده بودند. در همین روزها بود که طرح نورپردازی ارگ را پی می‌گرفتیم، با دوستانمان در میراث فرهنگی نشست‌های مختلفی داشتیم و خلاصه ارگ در بروی مرگ بسته و عظمت و اقتدار ملتی سترک را صلا میداد، بزرگترین مجموعه خشتی جهان که عاشقان را از جای جای عالم به سوی خویش میکشاند و آنان را به ستایش و تحسین و امیداشت و مفتخر می‌ساخت. هرگز فراموش نمی‌کنم وقتی از یک کانادائی که از همراهان آقای مک‌لنن سفیر وقت این کشور بود پرسیدم، دیدار ارگ را چگونه یافتی، جواب داد: امروز برای من روزی بزرگ و فراموش ناشدنی بود، چون احساس کردم که قدم بر قلب تاریخ گذاشتم.

اما هزاران افسوس که در سپیده دم پنجم دیماه، و در لحظه مشئومی که هرگز فراموش نخواهد شد، قلب تپنده تاریخ به‌مراه ده‌ها هزار انسان آرزومندی که گرمای اشتیاقشان

را به خاک سرد گور سپردند، از حرکت باز ایستاد، و داغ غمی جانکاه را بر سینه همه فرهنگدوستان این دیار، بلکه صاحبان فرهنگ و هنر جهان نقش زد. چه بسیار بودند کسانی که با دیدن سر در ورودی ویران شده ارگ، و شاه نشینی که اینک سر بر خاک سائیده و جز ویرانه‌ای از آن بر جای نمانده بود، دیدگان‌شان به اشک غم و ماتم می‌نشست و هق هق گریه آنان، فضای ماتم‌زده ارگ را فرا می‌گرفت. حتی آنان که از سرزمین‌های دور و برای کمک به زلزله زدگان این شهر آمده بودند، در نخستین دیدار نمیتوانستند اندوه خویش را از ویرانی بزرگترین مجموعه خشتی جهان پنهان کنند. اما در جوار تمامی این اندوه‌ها و افسوس‌ها، بارقه امیدمان همچنان بر جاست که ارگ، باز هم عظمت و اقتدار روزگار گذشته را باز یابد. اشتیاق عمومی مردم به، که ارگ را چون جان شیرین دوست داشته و میدارند، همراه با شور و شوق فرهنگدوستان داخلی و نیز علاقمندان جهانی مواریث فرهنگی، مجموعه‌ای گرانقدر، و پشتوانه ارزشمندی است که در پناه آن بتوان این بنای عظیم را بازسازی و احیاء کرد، از یاد نمی‌برم که وقتی بر بلندای ویرانه‌های ارگ، در خصوص گذشته این بنا به آقای خاویر سولانا دبیر بازار مشترک اروپا توضیح دادم و در پایان اظهار امیدواری کردم که در دیدار بعدی ایشان، ارگ با همان شکوه گذشته قامت بیاراید، سولانا با خنده‌ای بر لب، دست مرا بگرمی فشرد و اینچنین آرزومندی خود را اعلام داشت و این تمنای همه فرهنگدوستان در سراسر جهان است که امید، هر چه زودتر شاهد تحقق آن باشیم. به امید آن روز

سید محمد علی گلاب زاده

مشاور استاندار و رئیس مرکز کرمان‌شناسی

تضمین امنیت اجتماعی بیابان

کتاب بسیار با ارزشی تهیه کرده است، آقای توحیدی در باب ارگ بم که یکی از مهمترین آثار تاریخی ایران است و شاید در دنیا کم نظیر باشد. این اثر مهم تاریخی که بیش از دو هزار سال نام آن در تاریخ مشرق ایران برده شده، یکی از شاهکارهای معماری خشتی بشری است. در بادی امر، ممکن است این تصور پیش آید که ساختمان چنین قلعه‌ای با این عظمت، آیا برای نگاهداری و حفاظت شهرکی - یاباتساهرل بگوئیم - شهری مثل بم، ضرورت داشته است؟ خصوصاً که مردم بم خودشان بالضروره بیشتر اوقات را ناچار بوده‌اند - خارج از ارگ و در باغها و باغستانها، و دهات اطراف زندگی کنند و شب و روز بگذرانند. شک نیست که برای حفظ بم، احتیاج به قلعه بوده است - هم چنانکه سیرجان، رفسنجان، کوهبنان، میبد، طبس و همه شهرهای بیابانی، یک وسیله مهم دفاع آنها، ساخت قلعه‌هایی بوده است که بتواند سه چهار ماهی آنها را از شر دشمن پناه دهد تا مهاجم خسته شود و رها کند، و دوباره دروازه‌ها باز شود و مردم به کار و بار خود بپردازند. ولی البته ساخت هر قلعه‌ای به تناسب وسعت شهر و آبادی و جمعیت آن و امکانات مردم برای ساخت چنان قلعه‌ای بوده است - که چنانکه می‌دانیم، بسیاری از آن قلعه‌هایی که نام بردم وسعت محدود و امکانات کمتری دارند - و با همان امکانات هم به هر حال، مردم خود را حفظ می‌کرده‌اند.

اما قلعه بم، از لونی دیگر و چیز دیگری است - این یک شهر خشت و گلی

است که به نام قلعه و ارگ بم شهرت یافته، قلعه‌ای که گاهی ساکنان یک شهر را در خود می‌پذیرفته است، جزء هویت و شناسنامه ساکنان بم محسوب می‌شده، من شنیده بودم که تا روزگارانی که قلعه آبادان بود و کاربرد داشت - مردم بم، دختر به کسی نمی‌دادند که حداقل یک اطاق در قلعه از خود نداشته باشد - و این در واقع یک نوع تضمین و بیمه آینده دختر آنها در سکونت در آن حوالی بوده است.

قلعه بم در واقع تنها جوابگوی امنیت مردم بم و ساکنان شهرهای اطراف آن نیست. قلعه بم وظیفه محافظت بخش مهمی از یک راه تجارتي بزرگ دنیایی را داشته است - که در تاریخ به «راه ادویه» و یا «راه فلفل» معروف شده - و در اهمیت با «راه ابریشم» که از چین به انطاکیه می‌پیوسته - رقابت داشته است.

کسی که قلعه بم را در اختیار داشته - اقلأ چهار صد کیلومتر را تا فاصله شرق - یعنی نزدیک به مرز هند دیده‌بانی می‌کرد، و اقلأ چهار صد کیلومتر در قسمت غرب - تا مرز فارس، و چهار صد کیلومتر در شمال، تا حوالی قائنات، و همین حدود راه را تا دریای عمان و میناب و هرموز در سلطه اقتدار خود داشت. یک پادگان مهم بود که مسئولیت حفظ این راههای طولانی، و پر نعمت و پر کالا و پر کاروان را بر عهده گرفته بود - و ثروت عظیم هفتواد معروفترین کارگزار و حاکم این قلعه - در واقع از عشور همین راه حاصل آمده بود - که همه نصیب اردشیر بابکان و در واقع سرمایه اقتصادی سلطه نظامی او در تأسیس حکومت ساسانی شد.

حفظ کاروانهایی که پر از شتران حامل کالای هند بود - و این کالا می‌بایست از طریق یزد و ری و همدان و حلب و اسکندرون به روم برسد - در این بیابانهای درنبردشت به عهده ارگ بم بود - و نه تنها حفظ کاروان در راهها، بلکه هنگام توقف کاروان وظیفه بم بیشتر می‌شد - نگهداری از اهل کاروان که گاهی خود به اندازه یک دهکده جمعیت داشته‌اند - تهیه علوفه و علف چارپایان، تأمین وسایل و یراق آنها از زین و برگ و جهاز و رکاب و افسار و شال و پاردم و امثال آن، وجود تیم‌های کار کشته و آماده به کار نعل بند و بیطار و زخم‌بند و جراح، حاضر داشتن اطاقها برای ذخیره و نگهداری و حفظ کالا تا موقع بارگیری مجدد آن، یا انتظار برای پیدایش

بازار متناسب برای فروش آن. تنظیم دفاتر و اسناد برای وصول عوارض و عشور عادلانه - آن طور که موجب یأس کاروانها نباشد - و کاروانها تغییر مسیر ندهند - و از راههای دیگر نروند، و اعتقاد به اینکه کوتاهترین راه برای حمل ادویه از هند به روم از طریق همین بم و نرماشیر ممکن است و لاغیر، و راههای دیگر اضطراری است و پر خطر و طولانی، و جز در موارد اضطراری عبور از آن از جهت اقتصادی مقرون به صرفه نیست. همه این عوامل ایجاب می کرد که تأسیسات و تشکیلاتی در مسیر این راه فراهم آید و وضع طبیعی بم و فاصله آن از آبادیهای مهم دیگر و وجود یک کوه منفرد سنگی که امکان ساخت قلعه بر روی آن ممکن باشد. و اوضاع طبیعی ولایت و وفور آبها که از کوهستانهای دور دست می آمد - و در عین حال کم بارانی خود قلعه و محیط آن که امکان بقای یک عمارت عظیم و یک شهرک خشت و گلی را برای قرن‌ها و هزاره‌ها ممکن می ساخت.^(۱)

باعث شد که بنایی کم نظیر در این محل ساخته شود قرن‌ها و سالها، هزاران هزار کارگر به طوع و رغبت - و البته گاهی به زور و اجبار - در آن به کار بپردازند تا محیطی امن برای آسایش مردم ساکن آنجا فراهم آید، و کسانی هم که از راههای دور به این حدود می رسیدند - احساس امنیت کنند. دیوارهای گلی ارگ بم، حفاظ و بیمه اجتماعی برای کاروانهای عبوری از این بیابانها، در طی قرن‌ها و هزاره‌ها بوده است. نزدیک به پنجاه سال پیش - شاید نخستین شرح چند صفحه‌ای را من در باب ارگ بم، در «راهنمای آثار تاریخی کرمان» نوشته باشم.^(۲)

کتابی که به همت آقای بهمن حبیبی رئیس فرهنگ وقت و آقای محمد طاهری معاون ایشان به چاپ رسید، بیست سال بعد از آن یکی از مهندسين فاضل - آقای حمید نوربخش - با همکاری عبدالرحمن گلابی و امیر کاظم تبریزی و عیسی

۱ - این کم بارانی برای حفظ قلعه از امتیازات بم محسوب می شود - ولی شهر بم خودش کم آب نیست - آبریز کوههای بارز عموماً به طرف بم است - با همه اینها یک آمار برای ما جالب است که بم تا دیماه ۱۳۷۱ فی المثل مجموعاً ۵۸/۷ میلیمتر باران داشته - و کم باران ترین شهرهای کرمان بوده. (هواشناسی کرمان - دیوسالار).

۲ - این مقاله در نوح هزار طوفان تجدید طبع شده است و خلاصه آن در دایرةالمعارف ایرانیان به زبان انگلیسی.

حجت و علیرضا شادان لو، رساله‌ای بسیار جامع در باب ساختمان و معماری ارگ بم - با نقشه‌های دقیق - تهیه کردند که در نسخی محدود منتشر شد و اینک پس از بیست سال خشنودم که یکی از هم ولایتی‌های صاحب ذوق و صاحب همت، آقای محمود توحیدی توفیق یافته و رساله‌ای مجتمع درباره ارگ بم پرداخته‌اند و با عکس‌های جالب مزین ساخته‌اند.

ارگ بم، هنوز بیش از این‌ها کار می‌خواهد - معرفی شهری که هزاران کارگر، طی دو سه هزار سال بر روی آن کار کرده‌اند - شناخت و معرفی آن با تهیه یک یا دو رساله آنهم، هر بیست سال یک بار کافی نیست.

لازم و در خور است که مؤسسات رسمی و دولتی، وقت و بودجه بیشتری صرف آن بکنند. البته تعمیرات چنین بنائی، به صورت کامل، و نوسازی آن، شک نیست که نه لازم است و ضروری، و نه ممکن است و سودمند. مهم این است که مهندسان ما و کارشناسان ما بنشینند و محاسبه کنند و نقشه‌برداری کنند و بگویند: کدام قسمت از آن در خور بازسازی هست که هم در حفظ بنا مؤثر باشد - و هم شکوه و اهمیت آن را بنمایاند، و هم با حداقل مخارج صورت پذیرد.

بحمدالله، هم اولیای استان ما و هم ساکنان شهر بم، به اهمیت این اثر تاریخی پی برده‌اند - و لااقل دیگر فراموش کرده‌اند که خاک آن را بار کنند و به عنوان کود روی مزارع خود بپاشند - این خود نصف اول موفقیت است - نصف دوم موفقیت آن است که چگونگی نگاهداری و حفظ آن، و در عین حال عرضه و معرفی آن به کسانی که از دور و نزدیک به آنجا می‌آیند تا ارگ را ببینند - تا چه حد مورد عنایت اولیای امر قرار گرفته باشد. این نکته بسیار مهم و ارزشمند را نباید از نظر دور داشت که هزار سال پیش کاروان شتردار با صدها عمه واکره و خروارها فلفل و زردچوبه و هل و دارچین، به سلامت به بم وارد شده به سلامت می‌گذشت و به انطاکیه می‌رسید - حسن ختام اینکه حفظ ارگ بم لازم است - حفظ امنیت اجتماعی اطراف بم از آن لازمتر، در آن صورت است که هر گونه مخارج در این خشت و گِل‌ها - جوابگو خواهد بود.

زمستان ۱۳۷۹ - باستانی پاریزی

ارگ نامه

ارگ بم یکی از بزرگترین شاهکارهای معماری، جهان و از مهمترین میراثهای فرهنگی کشور است که در نوع خود بی‌نهایت جذاب و بی‌نظیر می‌باشد. این قلعه دیرپای، هر روز میزبان مشتاقان زیادی از اقصای نقاط عالم بالاخص هم میهنان عزیزمان است که با اشتیاق به دیدار آن می‌آیند و با تفکر و تأمل به بازدید آن می‌پردازند.

«ارگ نامه» کتابی که هم اکنون در دست شماست، گردآورنده آن یکی از اعضای انجمن میراث فرهنگی شهرستان بم است که حدود بیست سال معرف این مجموعه‌ی عظیم و بی‌همتا بوده و حاصل تجربیات و مطالعات خود را به همان سادگی که برای بازدیدکنندگان توضیح می‌دهد مکتوب و در دسترس گردشگران عزیز قرار داده، و سعی و کوشش بر این داشته تا در کتب تاریخی و سفرنامه‌های سیاحان خارجی و نویسندگان ایرانی هر جا که سخن یا تحقیق یا خاطره‌ای از این بنای با عظمت بر جای مانده به خوانندگان با ذکر منابع و مآخذ و با تصویر نقشه‌های شهرستان و ارگ ارائه دهد تا بازدیدکنندگان بتوانند در طول بازدید توضیحات جامع و روانی از بخشهای مختلف ارگ بم داشته باشند.

حسین طیاری مدیر پروژه ارگ بم

پیشگفتار چاپ سوم

شکر و سپاس ایزد منان را که لطف و عنایتش شامل حال حقیر گردید تا پس از سالها تحقیق و مطالعه و تفحص و عمری عشق ورزیدن به دیار دیرپای خطه‌ی پربرکت شهرم، توانستم اثری ناقابل تحت عنوان «ارگ‌نامه» فراهم نموده و تقدیم حضور عاشقان این مرز و بوم نمایم، شهری که با وجود بزرگترین مجموعه‌ی خشت و گلی دنیا نامش عالم‌گیر و جاذبه‌های توریستی آن مدّ نظر سیاحان و گردشگران و محققان بوده و به همین جهت وقتی که زلزله، بم را لرزاند، این خبر نابهنگام، عالم را به تکان و لرزه درآورد و مشتاقانش را از راههای زمینی، دریایی و هوایی به امداد منسجم ساخت.

آری! عمق فاجعه هولناک زلزله پنجم دیماه ۱۳۸۲ به حدّی بود که توصیف آن ناممکن و قلم از تحریر آن عاجز و اهل قلم متحیر و برای کسانی که در این حادثه نبوده و آنرا لمس نکرده‌اند، احساس و ادراکش بسیار سخت است، چرا که بسیاری از همشهریان و بستگان ما را که به شهر خویش عشق می‌ورزیدند و بازحمات بسیار در نخلستانها، در کمال رفاه و آسایش اعاده معاش می‌کردند، در این حادثه از بستر گرم خواب خوش سحری به آغوش سرد خاک گور رهسپار شدند و خانه و کاشانه‌هایشان چون گورستانی دهشتزا و نخلهای سر به آسمان کشیده، از این حادثه، محزون و

چهره غم به خود گرفته و خانواده‌های اصیل بمی که زنده مانده‌اند و به خوبی از این آزمایش الهی پیروز مندان، جان سالمی بدر برده‌اند، به یاد «بهشت گمشده بم» به شعار «بم زنده است» دل خوش کرده و نغمه زندگی نوین خود را که الهام بخش روح و روان آنهاست اینگونه با گوش جان ترنم می نمایند که:

بهشت گمشده من، فدای نام تو گردم فدای قامت نخلان سبز فام تو گردم
در هر حال برای حقیر نیز این حادثه بسیار غم انگیز بود زیرا تعدادی از بستگان خود را از دست داده‌ام، روحم خسته و تنم کوفته و اندیشه‌ام کدر! دلم می خواهد در گوشه‌ای تنها بنشینم و به یاد عزیزانم با صدای بلند ناله و اغربتا! سر دهم و بگویم:

«یاد باد آن روزگاران یاد باد»

با خود می گویم که در شهر جمعی جمع و در ارگ بزمی محبت آمیز و در مسجد ارگ جماعتی بی ریا و در خیل هنرمندان عزیز، مجلس انسی عارفانه داشتیم و هم اکنون جای تعدادی از آن عزیزان را خالی می بینم و انگشت تحیر به دندان گزانم! و به یاد می آورم آخرین گردش دوران بیست سانه ارگ را همراه با هنرمند محبوب و عزیز بمی، ایرج بسطامی که نمی دانستم در موقع برگشت دل را در بلندای ارگ گذاشتم و دو سه روز بعد حنجره داوودی آن عزیز را در گورستان بهشت زهرای بم و تن رنجور و مفلوک خود را در خاک های انباشته خانه های مخروبه بم و ارگ در هم ریخته سرگردان می بینم.

مع الوصف سومین چاپ کتاب «ارگ نامه» در چنین موقعیتی مواجه گردید که این چاپ را به یاد عزیزان از دست رفته حادثه زلزله بم تجدید چاپ نموده و به روان پرفتوح آن قربانیان زنده یاد طلب فاتحه می نمایم.

به یاد بهشت گمشده بزم

وقت سحر بود و نماز صبحگاهی
شب زنده داران خدا بیدار بودند
در ذکر حق و غرق استغفار بودند
آنشب اذان صبح را گویی که اسرافیل می گفت
تکبیر آنرا دیدم که عزرائیل می گفت
آنشب خدا را من به چشم خویش دیدم
آنشب قیامت را به قامت نیز دیدم
فریاد هل من ناصر را ای برادر
از لابلای خشتهای خانه های بزم شنیدم
آنشب شب شام غریبان دگر بود
فریاد زینب ها و اطفال دگر بود
آنشب هزاران طفل اندر زیر آوار
همچون علی اصغر به صد گهواره دیدم
آنشب خودم دیدم که آدم گریه می کرد
حوا چو زینب بر یتیمان ندبه می کرد
آنشب علی بر مردم بزم یا علی گفت
زهرای اطهر بهر زنها یا نبی گفت
آنشب علی اکبر جوانان بزمی را
با دستهای پر نوازش ناز می کرد
آنشب همه در کوی و برزن می دویدند
فریاد و شیون از دل و جان می کشیدند
مادر پی دختر دوان بود و پدر دنبال فرزند
هر کس به دنبال عزیزی بود و دلبنده
در هر گذر صدها جنازه در پتو بود
بغض هزاران نیم جان اندر گلو بود
از بستر گرم آنچنان آسوده رستند
در گور سردی چشم از این دنیا ببستند

خانه‌هایی که بی سر و سقفند
کوچه‌هایی که بی در و بندند
همه در یک سکوت ماتمزای
بر زمان و زمانه می‌خندند

کو کجایند مردم این شهر؟
که سر از خواب ناز بردارند
و ببینند نسل فعلی را
که چه فعلی به زیر سر دارند

لحظه‌ای کن نظاره در بازار
که همیشه مغازه‌ها بازند
گر چه بی صاحب و در و بامند
مشتري‌ها چرا سزاوارند؟

گوئیا میرز غنچی و طبال
در شادی به روی ما بستند
ساز زیبای آن دو را شاید
مطربان زمانه بشکستند

گل خشتان اوستاد علی
چاره‌ساز هزار و یک دردند
تن بس مهوشان سیمین تن
مایه ارتزاق این مردند

چه بسا بگذرد هزاران سال
وین زمین و زمان به سر گردد
جمله اعضای اوستاد علی
نقش یک قالب دگر گردد

مدرس و زورخانه و مسجد
از بناهای سالم ارگند
مرشد و مفتی و معلم آن
باده‌نوشان باده مرگند

خشتهای زمان اشکانی
خشتهای ستبر و سنگینند
گر به ظاهر ز خاک و آب و گلند
در حقیقت چو لوح زرینند

بنگر از ماورای ارگ شهر مرا
که نخیلات آن چه زیبایند!
خانه باغی چو خلد برین
دشت و صحراش همچو دیبایند

من و «توحیدی» و هزاران دل
که چو پروانه گرد این شمعند
شمع را اگر رسد حوادث دهر
در هواداریش همه جمعند

فصل اول:

شهرستان بيم و فهرست بناهای تاريخی آن

شهرستان بم

حدود:

- ۱- از شمال و مغرب به شهرستان کرمان.
- ۲- از جنوب به جیرفت و کهنوج.
- ۳- از مشرق به استان سیستان و بلوچستان.

وسعت و تقسیمات سیاسی:

مساحت این شهرستان ۱۷۷۵۵ کیلومتر مربع است که ۰/۱ وسعت استان پهناور کرمان را به خود اختصاص داده و شهرهای آن عبارتند از: ^(۱) بم، بروات، رستم‌آباد، ریگان، فهرج و شهرک ارگ جدید.

بخشهای آن عبارتند از چهار بخش:

بخش مرکزی، نرماشیر، ریگان، فهرج
این شهرستان دارای ۱۳ دهستان به قرار زیر می‌باشد:
دهبکری، خواجه عسکر، رودآب شرقی، رودآب غربی، پشت‌رود، گُرک و

۱- تا سال ۱۳۶۹ مساحت شهرستان بم در حدود ۱۹۴۸۰ کیلومتر مربع بوده، که با جدا شدن بخش رابن و الحاق آن به شهرستان کرمان، مساحت شهرستان بم حدوداً به وسعت ۱۷۷۵۵ کیلومتر مربع برآورد شده است.

نارتیج، فهرج، برج اکرم، عزیزآباد، ریگان، چاهدگال، گنبدکی و گاوکان. شهرستان بم دارای ۷۳۰ روستا و ۳۵۲ رشته قنات دایر و ۹۴۸ چاه عمیق و نیمه عمیق می باشد.^(۱)

محصولات عمده کشاورزی آن عبارتند از:

خرما، مرکبات،^(۲) حنا، و سمه (نیل)، گندم، جو، انواع حبوبات و جالیز سیب زمینی، چغندر قند، پسته و غیره... که بعضی از آنها در نواحی گرمسیری و برخی دیگر در مناطق سردسیر و کوهستانی به دست می آیند، ضمناً رطب مضافتی مرغوب و پرتقال شیرین و نارنگی خوش طعم و حنای خوش رنگ بم شهرت فراوان دارند، زیرا مقداری از آنها به خارج و پاره ای دیگر به سراسر کشور صادر می گردد. به طور کلی و با جرأت می توان گفت یکی از پایه های اقتصاد شهرستان بم بر تولید خرما و مرکبات استوار است. چراکه با اعلام نظر سازمان کشاورزی استان کرمان و به نقل از آمارنامه سال ۱۳۷۴ استان کرمان، (صفحات ۵۷ و ۵۸) از کل زمینهای زیر کشت این شهرستان ۴۵/۲ درصد آن زیر کشت درختان خرما و مرکبات می باشد. یعنی از مجموع ۵۴۳۱۹ هکتار زمین زیر کشت شهرستان، ۱۴۸۰۰ هکتار آن زیر کشت نخیلات^(۳) و ۹۷۶۳ هکتار آن زیر کشت مرکبات که عمدتاً پرتقال است، می باشد. و بر این اساس شهرستان بم سالانه با تولید ۹۶۰۰۰ تن خرما یعنی ۴۵/۸ درصد خرمای تولیدی استان، مقام اول را در استان دارا می باشد.

۱- طبق نوشته، آمار نامه استان کرمان - سازمان برنامه بودجه، در سال ۱۳۶۵ جمعاً ۳۵۲ رشته قنات در سطح شهرستان بم موجود بوده است که این تعداد در سال ۱۳۷۴ به ۳۱۷ رشته تنزل پیدا کرده است که می توان علت آن را عدم لایروبی به دلیل مقرون به صرفه نبودن و در نتیجه مخروبه شدن آنها دانست.

۲- مرکبات از خانواده پرتقال باید باشد ناصر خسرو در سال ۴۱۶ هجری از مصر دیدن کرده و در وصف میوه هایش گوید:

«ترنج و نارنج و لیمو و مرکب دیدم». حمدالله مستوفی در سده هفتم هجری از محصول آمل، نارنج و ترنج و لیمو و مرکب را ذکر کرده است. «نزهة القلوب صفحه ۱۹۸».

۳- آمار و ارقام فعلی بیش از سه میلیون نخل در ۱۸ هزار هکتار زمین زیر کشت است.

شهر بم

مرکز شهرستان بم، شهر بم می باشد.
وسعت شهر بم حدود ۷۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن بالغ بر هفتاد هزار نفر می باشد.

این شهر دارای چهل محله ی قدیمی با باغات وسیع و سرسبز، ۷۵ خیابان و ۱۰ بلوار و ۵۶۶ کوچه. با مختصات ۲۹ درجه و ۵۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۲۷ دقیقه طول شرقی (از نصف النهار گرینویچ) و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰۶۷ متر است.

ارگ بم بزرگترین بنای خشتی عالم در حاشیه ی شمال شرقی شهر بم واقع شده است.

ارگ جدید در فاصله ۱۰ کیلومتری شرقی شهر بم، ابتدای جاده بم - زاهدان در جوار شهر بروات قرار گرفته، این شهرک امکانات رفاهی و تفریحی گردشگران عزیز را فراهم می سازد.

فاصله بم با بعضی از شهرها و استانهای همجوار:

تا تهران ۱۲۶۴ کیلومتر

تا کرمان ۱۹۵ کیلومتر

تا جیرفت ۱۲۰ کیلومتر

تا ایرانشهر ۳۳۰ کیلومتر

تا چابهار ۶۵۰ کیلومتر

تا زاهدان ۳۲۵ کیلومتر

تا بندرعباس ۴۴۰ کیلومتر

فرودگاه این شهر در فاصله ۹ کیلومتری شرقی شهر بم و در شمال شرقی شهر بروات قرار دارد، که ترمینال بسیار زیبا و دیدنی آن با مساحت ۳۲۰۰ مترمربع در سال ۱۳۷۴ مورد بهره برداری قرار گرفت.

فهرست بناهای تاریخی شهرستان بم

- ۱- ارگ بم در شمال شرقی شهر جدید بم است.
- ۲- قلعه دختر در یک کیلومتری شمال ارگ.
- ۳- خرابه‌های شهر چغوک آباد^(۱) و سرنسا در نرماشیر و آثار قلعه گزن خاص در ریگان.
- ۴- میل نادر، کیلومتر ۸۵ جاده زاهدان.
- ۵- محراب بازمانده از مسجد رسول (ص) و بقعه خواجه علمدار در مشرق ارگ.
- ۶- کوشک رحیم آباد در سه کیلومتری مشرق ارگ.
- ۷- قیصریه و بازار زردشتیان در خیابان علامه طباطبائی.
- ۸- سرپوشیده یاوری (زورخانه پوریای ولی) در ابتدای خیابان مدرس.
- ۹- سرپوشیده عماد در خیابان ارگ.
- ۱۰- قلعه پیر ماه شاه، قلعه جمالی، قلعه شهید (قلعه خان)، قلعه نعیم آباد در نرماشیر.
- ۱۱- تل آتشی و قلعه دارستان در ۳۰ کیلومتری شرق بم.
- ۱۲- تپه‌های تاریخی بیدرون در ۱۰ کیلومتری غرب بم.
- ۱۳- بقعه حضرت سید طاهرالدین محمد (نویسنده بم نامه) در ابتدای خیابان

۱- گنجشک را در اصطلاح محلی چغوک گویند.

سید شمس الدین.

۱۴- بقعه‌ی امامزاده اسیری در خیابان علامه طباطبائی.

۱۵- سر در امامزاده زیدبن زین العابدین.

۱۶- بقعه‌ی امامزاده سید عبدالله و بی‌بی گنج بانو خواهرش در نارتیچ ۸ کیلومتری شرق بم.

۱۷- بقعه‌ی عبدالمومن کمشکی، گذرگاه عباسعلی (ابوالفضل).

۱۸- گلدسته امامزاده خواجه حسن عسکری در ۷ کیلومتری غرب بم.

۱۹- مسجد و حمام وکیل.

۲۰- منزل مرحوم انصاری و عمارت اسدالله خان سیستانی.

اماکن تاریخی و آثار باستانی، موزه‌ها و... از اماکنی هستند که هر ساله تعداد کثیری از جهانگردان را به طرف خود جذب می‌نمایند و نمونه‌های بارز این قبیل جهانگردی در ممالک مشرق زمین و کشور ایران قابل رؤیت می‌باشد. نیاکان هوشمند ما در طول هزاران سال، عظیم‌ترین و باشکوه‌ترین گنجینه‌های هنری و آثار تاریخی را از خود بر جای گذاشته‌اند^(۱). یکی از جالب‌ترین ابنیه‌ی کهن ایران که سالانه هزاران جهانگرد را از اقصای نقاط جهان به سوی خود جذب می‌نماید، ارگ بم است که قلعه‌ی شگفت‌انگیزی می‌باشد. برای مزید اعتماد و استبصار مطالعه کنندگان، نقشه آن ضمیمه می‌گردد. (موقعیت آن در شهر بم)

۱- رحمت‌الله منشی‌زاده، کتاب جهانگردی انتشارات سعی چاپ اول.

آری! ای ارگ!

این مجموعه شناسنامه‌ی باستانی مردان از یاد رفته ایست که در قرون گذشته،
غم و شادی، تنهایی و همدلی، شکست و پیروزی، سعادت و تیره بختی زندگی را در
حصار این قلعه بی همتا تجربه کرده و سرانجام به خاطره‌ها پیوسته‌اند.
ای ارگ!

ای قلعه‌ی حصین!

ای باب‌بخت و رفیع!

چه گذشت بر تو که چنین ماتمزده سر بر آسمان می‌سائی!

و نگاه خسته‌ات را از افق بر نمی‌گیری،

منتظر کدامین مؤذن هستی؟

که بر مناره‌های بلند مسجدت نوای ملکوتی الله اکبر سر دهد، تا بانگ

آماده باش را در گوشه گوشه‌ی برج و بارویت طنین انداز کند

آری! هر خشت این قلعه پر رمز و راز، سند مظلومیت و حقانیت و اقتدار
مردان بلند همتی است که در گذر بی‌وقفه‌ی زمان، بارها طعم تلخ هجوم و یورش
زورمندان تاریخ را چشیده‌اند، اما به یمن ایمان و اعتقاد، اسخ و اراده‌ی خلل ناپذیر
خویش در مقابل تندباد حوادث همچنان پایدار ایستاده و تاریخی سراسر غرور
آفرین و افتخار آمیز را برای نسلهای آینده به یادگار بر جای گذاشته‌اند.
ای ارگ بم!

ای قامت استوارت جلوه گاه قهرمانیها!

ریزش دیوارهایت حاکی از ناسازگاری زمانه!

سقف اتاقهای مخروبه‌ات بیانگر ناله مرگ و نیستی!

اما اکنون در سایه‌ی عنایت و توجه مسئولین آگاه و دلسوز و دلبسته خدمت و
صداقت، بار دیگر در دل کویر چون نگین می‌درخشی و در سایه‌ی طلوع خورشید
انقلاب اسلامی، عظمت دیرینه‌ی خود را باز یافته‌ای، و در سال ۱۳۷۲ مورد بازدید

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی قرار گرفت. ایشان پس از بازدید و صدور دستور مرمت بنا در مراجعت به تهران فرمودند:
«من به مردم ایران توصیه می‌کنم حتی برای یکبار از ارگ بم دیدن کنند»

و استاد محمد تقی جعفری طاب ثراه در سال ۱۳۷۶ در آخرین لحظات دیدارش چنین فرمودند:
«اگر ارگ بم را ندیده بودم سفر کرمانم باطل بود».

فصل دوّم:

سیر و سیاحتی در ارگ بم

ارگ بم

ارگ بم بزرگترین مجموعه‌ی خشتی جهان است که ۲۰۰۰۰۰ متر مربع (۲۰ هکتار) مساحت دارد، تا حدود ۲۰۰ سال پیش محل سکونت و مأمن مردم بم بوده و تا ۷۱ سال پیش از قورخانه (سربازخانه) آن به عنوان پاسگاه ژاندارمری شهر استفاده می‌شده است.

واژه ارگ عبارتست از: «قلعه کوچکی در قلعه بزرگ». بنابراین ارگ شامل بخش حکومتی (کهن دژ) می‌شود که بر بالای صخره‌ای آذرین، ۵۰ متر از اراضی اطراف بلندتر ساخته شده که در واقع همراه با حصار، اصیلترین بخش این دژ می‌باشد که آثاری مربوط به دوره اشکانی (۲۵۰ ق. م) یعنی به ۲۲۵۰ سال پیش در آن شناسائی شده است.

بنای اولیه ارگ را به بهمن نسبت می‌دهند که شاید واژه‌ی بم از آن گرفته شده یا از بام به مفهوم بالائی استنباط گردیده است.

ارگ بم، دارای حصار محکم به طول ۱۸۱۰ متر و ارتفاعی بین ۱۵ تا ۱۸ متر است، مردگرد آن ۶ متر می‌باشد که در دوره‌های مختلف بازسازی گردیده و ۳۸ برج دیده‌بانی بر روی آن به چشم می‌خورد. دور تا دور ارگ را خندقی عمیق و عریض احاطه نموده که در هنگام دفاع برای مشکل نمودن عبور متجاوزین پراز آب می‌شده است.

ارگ بم از دو بخش اصلی حاکم نشین و عامه نشین تشکیل یافته. بخش

حکومتی (حاکم نشین) شامل اصطبل، قورخانه و کهن دژ می باشد، اجزای تشکیل دهنده ی بخش مردم نشین آن عبارتند از: ۵۲۸ خانه مسکونی، بازار اصلی، میدان (تکیه) مسجد جامع، مدرسه میرزا نعیم، زورخانه، عمارت ملک التجار، کاروانسرا، عمارت اعیانی، (دفتر فعلی مدیریت میراث فرهنگی)، حمام عمومی، سباط جهودا.

روشهای آبرسانی قلعه، طرز نگهداری غلات، علل تخریب عامه نشین و دلائل سالم ماندن بخش حکومتی از مهمترین راز و رموز این قلعه بی مثل و مانند به شمار می آیند. در ضمن زمینهای نهر شهر جهت کشاورزی و گورستان آن مشهور به باغ گلشن، یخچال و آثار حصار شهر بم (ربض) خارج از قلعه دیده می شوند.

بازار

بازار در بدو ورود ارگ قرار گرفته این بازار دارای چهل و دو مغازه است و هر مغازه بنا به وضعیت شغلی ساخته شده، اغلب آنها دارای پیشخوان (قدامی) و طاقچه هایی است که اجناس خود را در معرض نمایش مشتریان قرار می داده و قسمت اندرونی (خلفی) که معمولاً بوسیله دری به خارج راه دارند. این بازار ۱۱۵ متر طول دارد که در سال ۱۳۷۸ چهار سوق آن مرمت گردید، ضلع شرقی چهار سوق منتهی به مغازه نانوائی و ضلع غربی آن منتهی به کوچه نخ ریزی و کارگاههای رنگرزی و مسجد کوچکی موسوم به حضرت محمد (ص) که در نهایت به آثار حمام عمومی و حصار غربی ختم می گردد.

کتب تاریخی رونق این بازار را در قرن چهارم هجری بسیار عالی توصیف نموده اند. سنگ فرش آن نیز مرمت گردیده در گوشه و کنار بازار سه هاون وجود دارد که نشانگر صنعت عصارای و روغن کشی^(۱) است. زیرا از روغن کرچک به

۱- غن: سنگ عصارای و آن سنگی می باشد که بر تیر چوب عصارای به جهت زیادتی سنگینی بندند و بعضی به معنی تیر عصارای نیز گفته اند. روغنهایی که می گرفتند عبارتند از: روغن شاهده، زنبق (نافع مفلوج)، کنجد، روغن بادام، زیتون، کرچک، بید انجیر (جهت سوخت چراغ)، مندو (منداب). «فرهنگ دهخدا»

جهت روشنائی و از روغنهای گیاهی دیگر برای معالجه شکسته‌بندی‌ها استفاده می‌شده. طریقه روغن کشی به وسیله چرخش گاو به دور هاون بوده که با تشکیلات خاص، دانه‌ها به روغن تبدیل می‌شده.

بازار اصلی اگر چه طولانی نیست اما دقایقی چند، انسان را به تعمق فرو می‌برد، زیرا اگر درست بیندیشید صدای چکش گیوه دوز، فریاد پتک آهنگر و نفس تند کلاه مال، ناله اره درودگر، برش چرم سراج، و ضجه قیچی خیاط، دم کوره قلاعگر و صدای سوهان چیلونگر و بالاخره زمزمه پیرمرد کوزه‌گر خطاب به کوزه‌هایش انسان را به دوران گذشته می‌کشاند:

این کوزه چو من عاشق زاری بوده است

در بند سر زلف نگاری بوده است

این دسته که برگردن او می‌بینی

دستی است که برگردن یاری بوده است

«خیام»

همچنین مغازه‌هایی که جهادسازندگی بم مزین به بافت قالیچه‌ها و صنایع دست باف زنان با علاقه روستائی خصوصاً قالیچه‌هایی را که با تار و پود محبت و وطن پرستی نقش ارگ را بافته‌اند، به این بازار رونق خاصی بخشیده است.

میدان (تکیه)

بازار ارگ تا میدان «تکیه» ادامه دارد. سمت راست بازار فضای نسبتاً وسیعی است که تکیه نام دارد. صفه‌ها و سالن‌های تحتانی و فوقانی در سالهای اخیر مرمت و در سال ۱۳۷۸ ش. دومین کنگره معماری ایران در آن برگزار گردید. از این میدان در دوره صفویه که اوج رونق تشیع بوده به عنوان حسینیّه (تکیه) استفاده می‌شده و مردم بم تا ۵۰ سال پیش مراسم عزاداری دهه عاشورا را به یاد نیاکان خود در این مکان برگزار می‌کردند.

منبر خشتی رو به قبله و ساختمانهای فوقانی آن مختص خانمهای خواص بوده که از بالا مشرف بر مجالس تعزیه و روضه خوانی بوده‌اند.

کوچه‌ها و پس‌کوچه‌ها

در قسمت شرقی حسینه کوچه‌ایست که به طرف مسجد و مدرسه منتهی می‌گردد. در این مسیر کوچه‌ها و خانه‌های بی در و بندی را می‌بینید که تا سال ۱۳۰۹ شمسی همه آنها سالم و سربازخانه نیز در ارگ مستقر بوده، در این سنه رضاشاه از طریق مشهد و زاهدان به بم آمد. وی پس از بازدید از ارگ دستور داد تا سربازخانه را از آنجا به داخل شهر جدید در محل فعلی (پشتیبانی نیروی انتظامی) انتقال دهند تا سال ۱۳۴۸ شمسی این مجموعه بی در و بند بوده و تخریبهایی که بعداً گفته خواهد شد آغاز گردید.

خانه‌هایی که بی سر و سقفند	کوچه‌هایی که بی در و بندند
همه در یک سکوت ماتمزی	بر زمان و زمانه می‌خندند

«نگارنده»

مسجد جامع:

پس از مسجد رسول (ص) که خارج از ارگ در سنه ۲۷ هجری ساخته شده از نظر تاریخی تقریباً در بم دومین مسجد می‌باشد، ایوان غربی آن که سقفش به مرور زمان ریخته و بنا به قول پروفسور پوپ متعلق به دوره صفاری (۲۵۴-۳۹۳ ه ق) است. این مسجد را بر جای آتشکده ساخته‌اند که شاید مانند مسجد گوه‌ر شاد دارای ایوانی بلند و مرتفع بوده، اما در دوره‌های بعد سه ایوانی شده. محراب ایوان جنوبی آن دارای گچ بری و قدری کاشی کاری است که به علت عدم آگاهی زیر گچ کاریهای سال ۱۳۳۷ قرار گرفته. ایوان جنوبی مختص تابستان بوده؛ چون از صبح تا غروب سایه گیر است. محراب ایوان شمالی آن مزین به آیات کلام الله مجید می‌باشد که آثاری از آنها پیدا است و مخصوص زمستان بوده، زیرا در طول روز

آفتاب گیر می باشد. در قسمت شمال غربی آن محرابی است که گچ بری و تاریخ ساخت آن با خط ثلث عربی (سنه ۱۱۶۴) هجری را به ما نشان می دهد.

در جنوب غربی این مسجد، نزدیک به ورودی شبستانی است که جدیداً مرمت و به زیلوهای سنتی مفروش گردیده. این شبستان به جهت کوتاه بودن سقفها شبهای سرد زمستان مورد استفاده قرار می گرفته است. در سال ۱۳۳۷ ه ش دیوارهای شمالی و جنوبی و شرقی مسجد آجرنما گردید که متأسفانه به سبک سنتی این بنا تغییرات بی اساسی وارد گردید. اما در سالهای اخیر نمای آجری آنرا برداشته تا به سبک سنتی مرمت گردد. این مسجد از رونق نیفتاده زیرا تا سال ۱۳۵۴ هجری شمسی مرحوم حاج سید حسن قاضی^(۱) مجتهد شهر، نماز جمعه را در اینجا برگزار می کرده و از آن تاریخ به بعد هر ماه مبارک رمضان نماز جماعت بر معنویت آن می افزاید.

چاه صاحب الزمان

در گوشه ای از مسجد، زیارتگاهی موسوم به چاه حضرت امام زمان وجود دارد. این چاه ۲۰ متر عمق و تناسبش با چاه امام زمان عج این است که آن حضرت در سامره در چاهی غیب و در جمکران قم در چاه دیده شده. قدر مسلم این است که در اینجا کسی خوابی دیده که به صورت زیارتگاه درآمده، چون از این چاه آب می کشیدند؛ آب را به سنگابی که تا ۵۰ سال پیش وجود داشته انتقال می دادند تا نمازگزاران وضو بگیرند. استجابت دعا بیشتر به خاطر یک هزار سال عبادت مخلصانه مؤمنینی بوده که روح آنها به استجابت دعا کمک می کند و از طرفی کبیر بودن و غریب بودن مسجد نیز در استجابت دعا نقش مؤثری دارد. به این منظور عصرهای دوشنبه و جمعه عده زیادی با نوشتن عریضه و انداختن آن در چاه به امید برآورده شدن حاجات به این مکان مقدس می آیند.

۱ - حاج سید حسن قاضی - فرزند مرحوم سید احمد از نواده های قاضی نورالله شوشتری امام جمعه بم بود که در سال ۱۳۶۲ شمسی به ملکوت اعلی پیوست و در جوار مرقد امامزاده اسیری مدفون گردید.

مدرسه میرزا نعیم

این مدرسه تقریباً مقابل در شمالی مسجد قرار دارد. سردر آن، مزین به دری چوب گردوئی^(۱) است که در سمت راست (کوبه) مختص در زدن آقایان و سمت چپ آن (حلقه) مخصوص در زدن خانمها بوده که نشانی از رسومات دیرین است. ایوان شمالی و جنوبی مدرّس و کلاسهای درس به این مکان فرهنگی جلوه‌ای روحانی بخشیده‌اند. در گوشه‌ای از محوطه مقبره‌ی این عالم ربانی و معلم صاحب‌دل و فرهنگ دوست قرار دارد. در کوچه‌ای که انتهایش زورخانه می‌باشد، سر در عمارت میرزا نعیم مشاهده می‌شود. پس از عبور از ورودی خانه به حیاط خلوتی می‌رسید، که سمت چپ آن اصطبل مخصوص چهارپایان است که در آنجا برای تیمار و علوفه و استراحت مستقر می‌شدند. مقابل ورودی منزل کریاس یا سالن انتظار جلوه‌گری می‌کند. این هشتی قسمت اندرونی را از بیرونی جدا می‌سازد.

بخش بیرونی (میهمان‌پذیر) عمارتی است آبرومند که متشکل از حیاطی وسیع و مجهز به قسمت‌های زمستانی و تابستانی و حمام. شیوه آبرسانی و کُندوشکها (کُندوهائی) که بین سقف‌های اصلی و کاذب، برای نگهداری غلات و زیرزمین خانه، هر یک نشانی از معماری سنتی و تاریخ و تمدن ادوار گذشته این مرز و بوم می‌باشد. بخش دیگر آن عمارتی است که دفتر کار مُدرّس بوده. این عمارت دارای چهار ایوان در چهار طرف است که داخل آنها شومینه‌ها و در حیاط آن آب نما به حالت فواره‌ای برجای مانده است. در ایوان غربی آن بادگیری به چشم می‌خورد که چشم هر بیننده داخلی و خارجی را لحظاتی چند محو تماشای خود قرار می‌دهد زیرا در ارتفاع ۳ متری ۲۸^(۲) روزنه زیبا بدون استفاده از هیچگونه چوب و تنه

۱- این در متعلق به خانه قدیمی غلامحسین ساعد عامری نوازنده تار گروه موسیقی کانون هنر اداره ارشاد اسلامی بوده که به اینجا اهداء نموده است.

۲- پس از سالها تفحص بر اینکه چرا از عدد ۲۸ استفاده شده متوجه شدیم که ایشان آشنا به علم نجوم بوده و منازل قمر ۲۸ قسمت مساوی منطقه البروج از ابتدای صورت فلکی حمل که ماه در حرکت ماهانه‌ی خود

درخت ساخته شده، ساقه سالم و قسمت فوقانی آن به مرور زمان خراب شده که جدیداً داربستی به جهت مرمت در آنجا نصب گردیده. در گوشه‌ای از بادگیر، «نقب» یا تونل زیرزمینی وجود دارد که مرتبط به زیرزمینهای مجموعه بوده. باد گرم یا به اصطلاح محلی «لوار» را با توجه به مرطوب بودن آن ارکاندیشن و تبدیل به نسیمی سرد و ملایم می‌نموده، و این سیستم از اعجاب انگیزترین آثار معماران بی‌نام و نشان این دیار است. اصطبل اختصاصی مجمعه میرزا نعیم نسبتاً وسیع و از دو بخش محوطه و سالن‌هایی که جدیداً سقف آنها مرمت و آخورها^(۱)، اخیه‌ها^(۲) هر یک به اندازه اسبان و شتران تعبیه شده. استفاده از سالن‌ها جهت شبهای سرد زمستان و روزهای گرم تابستان بوده است. ورودی آن سمت چپ حیاط خلوت، واقع شده تا میهمانان ابتدا مرکب خود را در آنجا قرار داده و سپس به بخش بیرونی وارد می‌شدند. بخش اندرونی آن در ضلع جنوبی بخش بیرونی واقع شده که محل زندگی خانواده معلّم بوده. ایوان جنوبی آن از دو ایوان دیگر مرتفع‌تر و دارای حیاط و اتاق‌های مختلف و از وجود مطبخ نسبتاً بزرگی برخوردار است.

زورخانه

این بنا از یک گود و یک گنبد و چهار ایوان تشکیل یافته و ورودی آن در ایوان غربی واقع گردیده که درگاه آن کوتاه‌تر بوده، تا به احترام حضرت علی (ع) با تعظیم

→ تقریباً در علامات منازل را کواکبی و در حوالی منطقة البروج گرفته‌اند. نزد عرب، بارانهای موسمی ایام باران و بادهای سخت در ایام گرم منسوب به طلوع و غروب این منازل بود که در حکم تقویم کشاورزی به شمار می‌رفت. ۱۴ منزل شمالی، شامی و ۱۴ منزل جنوبی را یمانی می‌گفتند. اسامی آنها عبارتند از ۱- شرطین ۲- بطین ۳- ثریا ۴- دبران ۵- هقعه ۶- هنعه ۷- ذراع ۸- نثره ۹- طرف ۱۰- جبهه ۱۱- زبره ۱۲- صرفه ۱۳- عواء ۱۴- سماک اعزل ۱۵- غفر ۱۶- زبانی ۱۷- اکلیل ۱۸- قلب ۱۹- شوله ۲۰- نعانم ۲۱- بلده ۲۲- سعد ذابه ۲۳- سعد بلع ۲۴- سعد السعود ۲۵- سعد الاخبیه ۲۶- فرغ اول ۲۷- فرغ ثانی ۲۸- بطن الحوت. (دایرةالمعارف فارسی و فرهنگ دهخدا جلد ۲)

۱- آخور: جائیکه چهارپایان را علوفه می‌دهند.

۲- اخیه: سوراخ کوچکی است که در داخل آن چوب یا استخوانی قرار داشته، افسار چهارپایان را به آن می‌بستند.

و فروتنی و رخصت مرشد وارد گود شوند.

ایوانی جهت تعویض لباس ورزشکاران و ایوان دیگر مختص حضور ورزش دوستان، ایوان بعدی جایگاه مخصوص مرشد یا به اصطلاح ورزشکاران باستانی کهنه سوار بوده، تا با به صدار درآوردن زنگ، آغاز و انجام هر عمل ورزشی را اعلام و پهلوانان نامی را از گود وارد یا خارج می نموده و با آتشدانی که در جلو داشته تنبک تعلیم را بر صدار و با سوزاندن اسپند فضای ورزشگاه را معطر می نموده است. هست ما را به جهان پاره‌ی لنگی زجهان

آنهم از کهنه سوار است به جان رندان
سبک موجود این بنا متعلق به دوره صفویه می باشد ولی کارشناسان سازمان میراث فرهنگی به اصالت این دوره بسنده نکرده، لهذا حفاری و خاکبرداری آن به جهت شناسائی واقعی آن می باشد.

از طرفی چون ورودی زورخانه‌ها معمولاً دارای راهرو و کریاس می باشند اما این زورخانه فاقد آنهاست. به این دلیل معلوم می شود که از ابتدا زورخانه نبوده است. از ایوان جنوبی راهرویی به ورودی عمارت ملک التجار دارد که به ورزشهای باستانی علاقمند و باعث تقویت ورزشهای باستانی بوده. ورزشهای باستانی که در این زورخانه انجام می شده عبارتند از:

سنگ گرفتن، شنورفتن، میل گرفتن، پا زدن، چرخیدن، کباده گرفتن، و کشتی گرفتن.

در حال حاضر در شهر بم چندین زورخانه‌ی فعال وجود دارد که اهم آنها عبارتند از:

زورخانه پوریای ولی، زورخانه اسد، زورخانه تختی، زورخانه ولی عصر و زورخانه شهید چمران اسپیکان.

عمارت ملک التجار

ورودی این عمارت موازی زورخانه می باشد که قسمت بیرونی آن دارای

ایوانهای جنوبی با نقش گچ بریهای زیبا و در ایوان شمالی (زمستانی) آن آثار تیرچه‌هایی را مشاهده می‌نمائید که سقف کاذب را به سقف اصلی متصل می‌نموده.

در قسمت شرقی آن راهروئی است که سمت راست آن انباری عمارت و سمت چپ آن مطبخ (آشپزخانه) تعبیه شده و در انتهای این راهرو بخش اندرونی عمارت است.

اندرونی این عمارت از ایوانهای زمستانی و تابستانی تشکیل یافته که هنوز در سقف ایوان شمالی (زمستانی) قسمتهایی از گچ بریهای قدیمی وجود دارد و شومینه‌ای زیبا بر جای مانده است. قسمت شرقی آن چاه آب و فواره آب نما و حمام اختصاصی واقع شده است.

کاروانسرای شهر

عمارت ملک التجار راهروئی به کاروانسرا نیز دارد که دارای ساختمانهای جالب و میدانی وسیع است. وسط آن سکویی است که بار و بنه بر روی آن گذاشته می‌شده تا در معرض فروش قرار گیرند.

ساباط یهودیان

انتهای شمالی گذر اصلی به طرف حاکم نشین، سرپوشیده است که به ساباط یهودیها^(۱) معروف است. سمت غربی چهارسوق آن عمارتی است آبرومند که هم اکنون مرمت و دارای طبقات تحتانی و فوقانی است. در قسمت جنوبی آن

۱ - ساباط - این واژه که تقریباً به همه زبانهای خاوری و آرامی و ایرانی و تازی رفته در زبانهای ایرانی منجمله فارسی ریشه کهن دارد. جزء اول آن «سا» آسایش و جزء دومش پسوند «بات» آمده و رویهمرفته بجای آسایشگاه و استراحتگاه امروز بکار می‌رفته است.

ساباط به کلیه بناهایی که بمنظور آسودن بنا می‌شده چه در شهر و چه بیرون از آن اطلاق می‌شده، و در شهرستانهای جنوبی ایران هنوز هم این واژه در جای خود بکار می‌رود.
راه و رباط - تالیف محمد کریم پیرنیا و کرامت الله افسری صفحه ۱۲۲.

بادگیرهای منظم و بالکنهای جالبی نظر بینندگان را جلب می‌کند. قسمت شمالی آن جذاب و دیدنی است. بخش غربی آن قدیمی‌ترین بنای این عمارت است. حیاط آن دارای یک حوضچه و در دو طرف آن باغچه‌هایی تعبیه شده است.

شهر بم از قدیم الایام مرکز نساجی و بافت پارچه‌های زیبای ابریشم^(۱) بوده که با توجه به کشت پنبه و فراوانی درختان توت، تربیت کرم ابریشم رایج بوده و پارچه‌های لطیف ابریشم، ترمه، کتانی همراه با ملکی یا گیوه‌های بمی و حنا و وسمه^(۲) (نیل) و مرتبط ساختن آن به وسیله جاده ادویه به شاهراه اصلی جاده ابریشم در کرمان دارای اهمیت فراوان بوده و به این لحاظ تربیت کرم ابریشم و بافت پارچه‌های ابریشم و کتان و ترمه در دنیای قدیم معروف و احتمالاً جمع‌آوری کالاهای مزبور به وسیله این قوم که تا سال ۱۳۵۷ شمسی در بم سکونت داشته‌اند صورت می‌گرفته که از طریق جاده ادویه، فرعی جاده ابریشم، به اقصای نقاط جهان حمل می‌شده ضمناً وجه تسمیه جاده ادویه به جهت آوردن ادویه‌جات از هندوستان به بم بوده که به این نام شهرت یافته است.

خانقاه یا مدرسه داخل ارگ

این بنا در غرب حصار اصلی اصطبل حکومتی واقع گردیده و از جمله بناهایی است که در بخش عامه نشین واقع گردیده و قدمت بنای آن بیش از ساختمان اصطبل متعلق به دوره تیموری است. بنای خانقاه یا مدرسه‌ای است که در دو جانب غربی و شرقی آن تعدادی حجره و اطاق در دو طبقه برای طلاب تعبیه شده و در جانب شمالی در ورودی بنا قرار داشته؛ در جانب جنوبی و مقابل در ورودی محل مُدَرِّسین واقع شده و بر روی حجره‌های طبقه همکف غلامگردشی

۱- ابریشم - مقدسی در قرن چهارم هجری از ابریشم و پارچه‌های ابریشمی از محصولات عمده بم و نرماشیر و درختان توت فراوان یاد کرده است.

۲- وسمه (نیل) که از آن در صنعت رنگرزی استفاده می‌شده برگ نیمکوب جوشانده آن برای رنگ مو بکار می‌رفته است.

احداث گردیده که به حجره‌های فوقانی راه می‌یافته است.^(۱)

کُناری محله

ارگ بم دارای هفت محله مشهور بوده. هر محله با توجه به کار و پیشه آنان نامگذاری شده مانند: محله خیاطان، رنگرزان، روغن‌گران، کلاه مالان و غیره... وجه تسمیه این محله به واسطه وجود دو درخت کُنار^(۲) بوده که تا ۵۰ سال پیش سرسبز و تک درختان این قلعه‌ی با عظمت بوده‌اند که با توجه به انتقال قورخانه و خالی بودن ارگ از سکنه رو به خشکی نهاده‌اند. اهالی این محله مردمانی قوی هیکل و تنومند و سیاه چهره و مؤدب بوده که در مواقع ضروری پیش قراولان لشکر بوده‌اند.

کیفیت خانه‌های ارگ

«تقریباً بیشتر خانه‌های عمومی ارگ، متصل به هم ساخته شده و غالب آنها به یکدیگر راه دارند و در بعضی از خانه‌ها حمام اختصاصی به چشم می‌خورد. در کنار تعدادی از آنها اصطبل را جدا از محل زندگی ساخته‌اند. در میان خانه‌های عمومی تفاوتها و تضادهایی از نظر وسعت، حجم و استقامت بنا مشاهده می‌شود».^(۳)

دروازه حکومتی

در شمال بخش مسکونی، روبروی ساباط، دروازه حکومتی واقع گردیده است که برج و بارو و پاپیل^(۴) و پازن^(۵) هایش نمایانگر استحکامات آن است.

۱ - نوربخش، حمید، ارگ بم، ص ۹۹.

۲ - در بم درخت سدر را (کنار) گویند میوه‌ای دارد چون زالک زالک خوشمزه و ترش مزه.

۳ - نشریه دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی کرمان ۱۳۵۵ (ش).

۴ - پاپیل: یا پا فیل، طاقهایی که برای استحکام دو طرف دیوار می‌پوشیدند.

۵ - پازن: سوراخهای اریب زیر کنگره‌ها که از بالا سنگ یا تیرکمان به طرف دشمن پرتاب می‌کردند اما به علت

در ورودی دروازه حکومتی، تقریباً جدید است که در سال ۱۳۵۴ (ش) در رابطه با ساخت فیلم صحرای تاتارها^(۱) نصب گردیده. ناگفته نماند که هیچ دری از قدیم الایام باقی نمانده چون ارگ بم بطور تدریجی از سکونت خالی شده است. دو طرف دروازه اتاقک‌هایی است متصل به برج‌های دروازه، مختص کنترل دروازه حکومتی طبقه‌ی فوقانی آن، محل استراحت نگهبانان است که اکنون به عنوان چایخانه سنتی از آن استفاده می‌شود.

سمت راست دروازه حکومتی، منتهی به برج و باروها و استحکامات امنیتی حاکم نشین است که از قسمت فوقانی دروازه کت کرم^(۲) راهی باریک با فراز و نشیبی زیبا به بخش حکومتی، مخصوص کسانی بوده که بطور خصوصی به حضور حاکم می‌رسیدند.

اصطبل حکومتی

از سمت چپ دروازه حکومتی سنگفرش را ادامه داده به اصطبل حکومتی می‌رسید، بنای اصطبل به استثنای عمارت میرآخور^(۳) تقریباً سه متر پایین‌تر از مسیر اصلی است و دو برج «هشدارباش - بیدارباش»^(۴) در قسمت جنوب آن قرار دارند.

→ ارباب بودن پاسخ غیر ممکن بوده است.

۱- فیلم صحرای تاتارها ۱۹۷۶ فرانسه/ ایران/ ایتالیا ۱۴۰ دقیقه استمن کالر

ک: والرئوزورلینی. تف: اندره بر و نلین، ژان لونی بر تو چلی.

د: دینو بوزاتی. ف: لوجانو تاوولی. م: اینوموریکونه (رگانه/...)

ب: ویتوریو گاسمان، جولیانجوما، هلموت گریم، فلیپ، ژاک پرن، فرانسیسکو رابال فرتامد وری، لوران ترزیف، ژان لویی ترنیتیان، ماکس فن سیدو.

در اواخر قرن نوزدهم، سربازان حرفه‌ای در دژی بنا شده در کویر در انتظار حمله مجدد تاتارها هستند که سالها پیش به آن منطقه یورش آورده و دهکده‌ای را ویران کرده‌اند. دانشور، بهروز، فرهنگ جهانی فیلم، انتشارات روزنامه کار، تهران. ۱۳۷۶، ص ۵۴۸.

۲- کت کرم: مراجعه شود به بخش منابع تاریخی داستان کرم هفتواد - نصرت تجربه کار.

۳- فرمانده اصطبل.

۴- در این برج‌ها در مواقع محاصره دیده بانها با شعار «هشدارباش - بیدارباش» مردم را تا صبح بیدار نگه می‌داشتند راوی: اسدالله صباغزاده متوفی (۱۳۷۳ ش).

سالن‌های وسیع در سه طرف بنا، مختص اسبان جنگی در مواقع بروز باد و باران ساخته شده است.

گنجیری آخورها و اخیه‌ها و نقشهای پرده‌ای روی دیوارهای محوطه از ویژگیهای معماری دوره مغول و تیموری است که اخیراً مرمت شده‌اند. عمارت میرآخور در طبقه فوقانی قرار دارد که ایوانش مشرف بر اصطبل و از گچ‌بریهای زیبایی نیز برخوردار است که گویا محمدعلی خان سیستانی حاکم ارگ بم از همین ایوان، زمان محاصره لطفعلی خان زند، سربازان را تشجیع و تشویق می‌نمود.

صدای شیهه قرآن و نعره‌ی یک مرد
به سنگفرش و گذرگاه ارگ می‌پیچد
وهای و هوی قراول، چکاچک شمشیر
درون خاطره با آه ارگ می‌پیچد

پیاده، یوغ به گردن، میان سلسله‌ها
جوان جنگی ما را به بند می‌بردند
به رسم پیشکش آنگه به نزد شاه قجر
نه او که سلسه خان زند می‌بردند

از آن زمانه گذشته است سالها و هنوز
طنین ناله‌ی ارگ از شکافها پیداست
اگر زبان بگشاید، به چشم می‌بینی
که در میانه‌ی دهلیزهای آن غوغاست

روح الله سلطانی متخلص به «دلجو»

در وسط محوطه اصطبل، مصطبه‌ایست که قسمت تحتانی آن آب انباریست

که به وسیله قنات مشروب و این همان سکویی است که وقتی دست «قران»^(۱) اسب لطفعلی خان زند را پی کردند^(۲)، خان زند به بالای آن پرید و به فرمان محمدعلی خان سیستانی در آنجا دستگیر و به کرمان نزد آغا محمدخان قاجار فرستاده شد.

«روزگار است آنکه گه عزت دهد گه خوار دارد

چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد»

«قائم مقام فراهانی»

آغامحمد خان در کرمان وی را کور و پس از مدتی به تهران فرستاد و در آنجا دستور داد تا چراغ عمرش را خاموش نمودند (۱۲۰۹ هجری قمری). جنازه بزرگترین شمشیرزن شرق و زیباترین شاهزاده ایرانی را در امامزاده زید تهران مدفون و سنگ قبر^(۳) مرمری برایش در ایوان جنب بقعه نصب نمودند.

یا رب سندی ملک ز دست چو منی

دادی به مخنثی نه مردی نه زنی

از گردش روزگار معلوم شد

پیش تو چه دف زنی، چه شمشیر زنی

(لطفعلی خان زند)

سیستم آبرسانی ارگ

۱- قنات نهر شهر، به وسیله شترگلو از غرب وارد ارگ می شده که پس از مشروب نمودن حمام عمومی، آب انبار مسجد، آب انبار عمومی و اصطبل از شرق

۱- قران یا قران اسب محبوب و با وفای لطفعلی خان مانند اسبهای معروف شهرت تاریخی یافته است. این اسب که از نژاد ترکمن - عرب بوده پرودوشی گشاده و پاهای نسبتاً کوتاه داشت. با این حال با سرعتی شگفت انگیز می تاخت و رنگ پوست حیوان سیاه بود و لکه‌ای سپید، مانند ستاره در پیشانی اش قرار گرفته بود. قران همه جا با لطفعلی خان بود. در مهلکه‌ها و جدالهای دلیرانه شاهزاده، یاوریش می کرد. در جنگ کرمان لطفعلی خان با این اسب فاصله چهل فرسنگی کرمان - بم را بیست و چهار ساعته طی می کرد پناهی سمنانی، آغا محمدخان قاجار، ص ۱۶۸.

۲- پی کردن یعنی شکستن.

۳- نصر الله مشکوتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۱۹۸.

ارگ به جهت آبیاری مزارع خارج می‌شده.

۲- در خانه‌ها و اماکن عمومی چاههایی حفر شده که اگر احساس خطر می‌کردند تادشمن آب قنات را مسموم یا جریان آن را به ارگ قطع نماید از سیستم نفوذی استفاده می‌کردند تا تسلیم تشنگی نشوند.^۱

۳- سیستم آبرسانی حاکم نشین نیز در جای خود گفته خواهد شد.

قورخانه (سرباز خانه)

جائیکه تا سال ۱۳۰۹ هجری شمسی به عنوان پاسگاه ژاندارمری شهر از آن استفاده می‌شده و از سال ۱۳۳۷ از این قسمت به بالا به وسیله اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) حفاظت می‌شده. حاج اکبر معقول فرهنگی بازنشسته که از معتمدین و مطلعین محلی و در قید حیات است این مسئولیت خطیر را به عهده داشته است.

اما ۷۱ سال پیش هنگامی که رضا شاه از طریق مشهد و زاهدان و ریگان به بم آمد دستور انتقال سرباز خانه را به داخل شهر جدید، در محل پشتیبانی نیروی انتظامی، قسمت جنوبی میدان بسیج (ژاندارمری قدیم) صادر و دو عراده توپ^(۱) را به تهران حمل نمودند. لذا تا سال ۱۳۴۸ شمسی این مجموعه دستخوش تخریبهای عوامل انسانی و طبیعی قرار گرفته که عوامل آن قبلاً ذکر گردید.

آسایشگاههای تحتانی و فوقانی مختص سربازان و درجه داران بوده. در گوشه‌ای از سرباز خانه چاهی است به عمق ۳۱/۵ گز که آب تشکیلات نظامی را تأمین می‌نموده، این محوطه سیستم «اکو صدا»^(۲) دارد که از جایگاه حاکم با

۱- در سال (۱۸۳۸) میلادی ژنرال سرپرسی سایکس از ارگ بم بازدید نموده، وقتی که به توپخانه قلعه می‌رسد چنین می‌نویسد: «در اینجا چند عراده توپ ته پر مشاهده می‌شود که تاریخ ساخت یکی از آنها ۱۲۵۴ هجری (۱۸۳۸ م) است. ص ۲۵۶ سفرنامه سرپرسی سایکس یا دو هزار میل در ایران ترجمه حسین سعادت نوری چاپ اول

۲- برای پدیده پژواک باید دانست که سرعت صوت در هوا ۳۴۰ متر در ثانیه است و ثبات تاثیرات سمعی در گوش ۱/۱۰ ثانیه، و در این مدت، صوت ۳۴ متر راه طی می‌کند. پس، اگر انسان در مقابل مانعی (مثل دیواری قائم یا کوه) صوت کوتاهی تولید کند، اگر فاصله او از مانع اقلاً ۱۷ متر باشد، صوت منعکسی که از برخورد امواج صوتی به مانع تولید می‌شود متمایز از صوت اصلی به گوش او می‌رسد (پژواک) و اگر فاصله از ۱۷ متر کمتر باشد، صوت منعکس فقط صوت اصلی را ممتد می‌کند. (دایرةالمعارف فارسی جلد اول).

فرمانده ارتش زیرترین صدا را به زوایای مختلف قور خانه می‌رساند.

(آسیا بادی) ^(۱)

سمت چپ سرباز خانه از دالانی عبور می‌کنیم و به برج و باروی غربی سرباز خانه می‌رسیم که حاکی از استحکامات نظامی و به دام انداختن دشمنی بوده که قصد تسخیر قور خانه و حاکم نشین را داشته. در سمت راست این محوطه مقابل پله‌های برج بارو اتاقی است که مقابل آن سنگ زیرین آسیا پیداست سنگی که ضرب المثل مشهور:

«مرد باید که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیا باشد»

وزن این سنگ حدود دو تن می‌باشد در مرکز آن سوراخ هرز گرد و تیرچه ایست که متصل به دکل پشت بام بوده. دکل با داشتن تور بین جهت تنظیم بادهای فصلی، سنگ کوچک را بر روی سنگ ثابت زیرین به چرخش در می‌آورد، گندم را از بالا می‌ریختند، از پائین آرد بر می‌داشتند. البته نبض اصلی آن بهم خورده چون با روی کار آمدن آسیاهای آبی که همیشه دایر بوده‌اند از وجود آسیاهای بادی بی نیاز شده‌اند. این آسیا آنطور که از جا و مکانش پیداست مختص سرباز خانه بوده. بنا به گفته‌ی اعتمادالسلطنه آثرا محمد قاسم خان در زمان حیات مرحوم ابراهیم خان ساخته است.

عمارت میر نظام (فرمانده ارتش)

سمت شرقی قور خانه دالانی است که در دو طرفش سکوهائی جهت

۱ - پیدایش آسیا بادی - ابتدا این صنعت را از چین‌ها فراگرفتند و قدیمترین آسیا بادی در سیستان ساخته شد. و این آسیاها از بادهای منظم ۱۲۰ روزه‌ای که از شمال به جنوب ایالت می‌وزید استفاده می‌کردند. این افزارها که چند تائی از آنها تا این اواخر موجود بود دارای ۸ بال افقی بود که قادر بود سنگ آسیا سنگین وزنی را به حرکت درآورد و توربینها و چرخهای مخصوصی داشت که سرعت باد را تنظیم می‌کرد - تنظیم نیروی باد نهایت ضرورت را داشت زیرا در صورت عدم وجود توربین بیم آن بود که بر اثر وزش باد شدید سنگ ترک بردارد و یا در اثر حرکت شدید و ایجاد حرارت دانه‌های گندم سوخته شود. از بعضی از این آسیاها برای فشردن زیتون و گرفتن روغن، و از برخی دیگر برای خارج کردن شکر از نی استفاده می‌کردند. پس از آنکه مغول صدها از این آسیاهای را که بعضی از دوره عمرولیث و صفاریان تاریخ داشت ویران کردند. ملوک سیستان بار دیگر آنها را مرمت کردند یا از نو ساختند. تاریخ سیستان (زندگی روز مره مسلمانان).

نشستن و در انتهای سمت راستش عمارت میر نظام قرار دارد. پس از عبور از راهرویی باریک وارد کریاس (هشتی) شده و پس از آن به عمارت می‌رسیم؛ عمارتی که می‌توان گفت، آخرین محل سکونت ارگ را دربرداشته و هنوز معمیرین، سکونت آخرین فرمانده ارتش را از یاد نبرده‌اند.

ایوان جنوبی (تابستانی) مشرف بر اصطبل حکومتی و گنج بریه‌ای این قسمت از دوره سلجوقی است. زیرزمین آن اسلحه‌خانه بوده که مردم تعدادی گلوله در وزنهای مختلف در آنجا پیدا نموده‌اند.

راهرویی از هشتی عمارت به طبقه فوقانی سربازخانه وجود دارد که سربازان از روزنه‌ی اسلحه‌خانه ابزار جنگی خود را تحویل و از طریق طبقه فوقانی به قورخانه بر می‌گشتند. نام یکی از فرماندهان قورخانه میرزا محمدحسین خان و معاونش ملا محمدحسن جد مادری حقیر بوده که با رفعت نظام نرماشیری^(۱) اوایل تشکیل مجلس اول بر علیه استبداد تابدسیر قیام نمود. اما به علت خیانت رمضان خان توپچی که دشمن، او را با ۵۰۰ تومان خریده بود، مواجه با شکست شده و در مقابل قلعه بردسیر به دار آویختند.

دارایی ارتش

پس از بازدید از عمارت میر نظام به مسیر اصلی برگشته سمت راست صفا‌ای است که قدری از سطح زمین بالاتر و در قسمتهای مختلف آن اتاقکهای کوچک و بزرگی است که به عمارت میر نظام راه دارند.

این صفا، دارائی ارتش بوده که سربازان، لباس و جیره خود را تحویل می‌گرفتند.^(۲)

در گذری که به طرف حاکم نشین ادامه دارد پله‌های کوچکی دیده می‌شود

۱ - میرزا قاسم پسر خواجه محمد حسن نعیم آبادی از صمیم گرمسیرات فهرج یعنی از قلب نعیم آباد نرماشیر و ریگزارهای بی پایان آن حدود برخاسته بود و دلی داغتر از ریگهای همان بیابانها و مملو از عشق وطن و خدمت به خلق داشت. خطی زیبا و قلمی شیوا داشت (مقدمه پیغمبر دزدان ص ۴۴ باستانی پاریزی)

۲ - بنا به گفته محمد رشیدی از معمیرین که در قید حیات است

که حاکم با اسب اختصاصی به قصر ایاب و ذهاب می کرده. هنوز در یکی از طبقات زیرین چهار فصل، اصطبل اسب حاکم قابل رؤیت است که در طاق ورودی آن خشت های بزرگ و قطور دوره اشکانی به کار رفته است.

دروازه اصلی

این دروازه که قدیمی ترین دروازه ارگ می باشد به دروازه اصلی شباهت دارد. دو طرف آن سکوها و اتاقهایی است تاریک که در نهایت به عمارت میر نظام منتهی می شوند. در اینجا راهی صعب العبور وجود دارد که با یک شیب و فراز به دروازه کت کرم می رسد. در ادامه ی سنگفرش اصلی بر فراز قور خانه، محوطه ای است که چشم اندازی از برج و باروی ارگ و قسمتی از عامه نشین و سرسبزی درختان خرما و پرتقال و کوهها و دشتهای وسیع شهر، هر بیننده ای را به تعجب وامی دارد.

از یک طرف نخلهای سر سبز و همیشه بهار خانه باغ بزم را می بینید و از طرفی، نگاهی به اُبَهِت قلعه حکومتی و تنه های درختان خرمایی که به صورت شناژ ضد زلزله بکار رفته زیرا تنه درخت خرما به جهت داشتن الیاف در موقع زلزله حالت ارتجاعی از خود نشان می دهد و از ریزش بنا جلوگیری می کند. ناگفته نماند که تنه درخت خرما ضد موریانه نیز می باشد. در همین قسمت شیاری آجری به چشم می خورد. لوله های سفالی آن متصل به آب انباری است که آب باران در آن جمع و پس از ته نشین شدن رسوبات از لوله های سفالی (ذوک)^(۱) به جای مشخصی هدایت می شده تا ضرر و زیانی برای قلعه حکومتی نداشته باشد. مهمترین عامل استحکام حاکم نشین قرار دادن آن بر روی صخره آذرین به جهت مصون ماندن از خطرات حشرات موزی و سیلابها می باشد. در همین چشم انداز که ایستاده اید می توانید لاشه های سنگی را ببینید که ابتدا بر روی صخره آذرین قرار گرفته که اصالت آنها به دوره اشکانی استناد می گردد.

۱- ذوک: اصطلاح محلی تنبوشه را گویند که اندازه های مختلفی دارد

زندان^(۱)

جلوی زندان سکویی است که تعدادی خشت از دوره ساسانی بر جای مانده، که کاملاً قابل رؤیت می‌باشند. استحکام این خشته‌ها نشان دهنده مرغوبیت خاک رُس این قسمت از شهر بم می‌باشد. ناگفته نماند که همه جای شهر بم از این نوع خاک برخوردار نمی‌باشد بلکه این نوع گِل و بار مختص محلات باغدروازه، حافظ آباد، دولا ب، و سید طاهرالدین و دشتوئیه و تاحدی لشکر فیروز و کوچه باغ نارنج می‌باشد، که از چسبندگی خاصی برخوردار است.

راهرو زندان ۲۰ متر طول دارد که در انتها ۱/۵ متر عمق و در طبقات تحتانی یکی از برجهای قلعه حکومتی واقع شده. اغلب زندانیان به علت تاریکی و نداشتن هوای کافی طولی نمی‌کشید که جان خود را از دست می‌دادند. تا ۲۰ سال پیش، از این زندان سند زنده‌ای داشتیم؛ وی که اصغر حاجی محمد قنبر^(۲) نام داشت زمان رضاشاه در این محل زندانی بوده که با کُنده و زنجیر فرار نموده و حتی از دیوار قلعه خود را به پایین انداخته بود. تا دو، سه سال پیش نیز همسروی زنده بود که در ۱۰۰ سالگی جان به جان آفرین تسلیم نمود.

در دوره صفاریان نیز محمد بن طاهر با خانواده‌اش به فرمان یعقوب لیث در این سیاه‌چال زندانی گردیده که از سرنوشت بعدی آنها خبری در دست نیست.

عمارت حاکم

از راهرویی تقریباً تاریک و باریک که به طرف بالا ادامه پیدا می‌کند در سمت راست آن به عمارت حاکم می‌رسید عمارتی که از دو ایوان تابستانی و زمستانی و محوطه تشکیل یافته. بر ستون شمالی آن نقش گلدانی گچ بری از دوره سلجوقی بر جای مانده است. از طرف شرق عمارت، یخچال و حصار شهر و کوههای کبود و از سمت غرب، عمارت قورخانه، اصطبل، عمارت میر نظام و حصار ارگ و سرسبزی نخیلات و

۱ - بنا به گفته آقای دکتر طیار، مدیر محترم پروژه ارگ زندان ابتدا انبار حاکم بوده که از دوره قاجار به بعد به عنوان زندان از آن استفاده می‌شده.

۲ - اصغر حاجی محمد قنبر (متوفی ۱۳۶۰)

کوههای جبال بارز چشم هر بازدید کننده‌ای را مجذوب می‌سازد. از پلکانهای راهروی جنوبی با مواظبت و مراقبت، آهسته، آهسته به پشت بام عمارت رسیده و بر همه ارگ مشرف می‌شوید و اشرافیت حاکم را بر همه‌ی خانه‌ها مشاهده می‌کنید.

برج دیده بان‌ی اصلی

این نظاره‌گر اعصار و قرون متمادی، محکم و استوار بر جای ایستاده تا دیده‌بانانش بدانند از کدام طرف قصد شیخون یا حمله‌ای به ارگ می‌شده تا یاران باوفای خود را که در اطراف حصار با نظم و ترتیبی خاص در فاصله ۳۰ الی ۴۰ متری گوش به زنگ منتظر و منسجم می‌باشند مطلع و در مواقع ضروری از حریم و حرمت خود دفاع نمایند. این برج، هفت طبقه و مدور بوده که در دوره قاجار تخریب و به شکل چهار گوش امروزی در آمده است.

چهار فصل

هر بیننده‌ای که به بلندای عمارت چهار فصل می‌رسد، از خود می‌پرسد که چرا این نام را بر روی آن نهاده‌اند؟ آری! این بنا طوری ساخته شده که هر چهار فصل سال از آن استفاده می‌شده، و بر روی سه طبقه دیگر بنا شده طبقه زیرین آن نا محسوس است که در سالهای اخیر قدری حفاری شده، شاید در ادامه آن هویت اصلی ارگ مشخص گردد. دو طبقه دیگر آن محسوس و قابل دیدن است. عمارت چهار فصل در سال ۱۳۳۷ توسط اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) زیر نظر اداره کل باستان شناسی قدری مرمت گردیده. این بنا که دارالحکومه بوده دارای چهار ایوان و چهار اتاقک هشتی مانند، مختص چهار رکن اصلی حکومت‌های قدیم: عدلیه (دادگستری) مالیه (دارایی)، بلدی (شهرداری)، نظمیه (شهرداری)، بوده است.

از ایوان شرقی دیوار، شهر بست (ریض)، زمین بند نهر، شهر (جهت کشاورزی) یخچال^(۱)، عمارت رحیم آباد، گورستان^(۲) و بازماندهایی از مسجد رسول (ص)^(۳)

۱ - یخچال: ساختمان مدور است، همین قدر که ارتفاع دارد تقریباً همین اندازه عمق دارد یخ تابستان حاکم را

نمایان است. در قسمت تحتانی، شمال آن چاهی است به عمق ۴۱ گز^(۴) که دو ستون چرخ گاوگرد در کنارش هنوز سالم بر جای مانده؛ زیرا با حرکت گاو و چرخش چرخ گاوگرد، دلو بر روی سکوی لبه‌ی چاه^(۵) قرار می‌گرفته، از آنجا به حوضی که آثارش هنوز باقی است به جهت استفاده بخش حکومتی انتقال می‌یافته.

حمام اختصاصی حاکم

این حمام که سقفش تاراج افراد آجر بارکن قرار گرفته، از رخت کن و گرمخانه و خزینه و گلخن تشکیل یافته است. بدنه خزینه‌ی از ملالت ساروج که مواد اصیلش خاکستر و آهک می‌باشد به جهت جلوگیری از نفوذ و نگهداری آب مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

قلعه دختر (کوهک)

در یک کیلومتری شمال ارگ در حریم جاده پشترو «قلعه دختر» جلوه‌گری

→ در زمستان که یک ماه سرد و یخبندان است در آن نگهداری می‌کردند در سال ۱۳۷۴ سقف آن مرمت و اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی در آن برگزار گردید.

۲- گورستان: که هم اکنون بصورت زمین فوتبالی در آمده، در قدیم مشهور به باغ گلشن که در کنار آن حوضی به همین نام که دو درخت «پده» در کنار آن وجود داشته مردگان را غسل و پس از آن دفن می‌کردند.

۳- مسجد رسول: این مسجد در خارج از ارگ ساخته شده توصیفی که پوپ در مورد این بنا داده به علت اهمیت توصیف کامل او عیناً در ذیل مندرج می‌گردد: «چندی پس از فتح اعراب عبدالله بن عامر حاکم بصره و بناکننده اولین مسجد در هرات مسجدی بزرگ در بم احداث نمود مسجد مزبور در کنار دشتی واقع بود و به مسجد حضرت رسول مرسوم گردید بناهای باقی مانده در این محل که هنوز پابرجایند و کاملاً از قبور متعدده احاطه شده‌اند در ناحیه شرقی قلعه واقع بود و همگی به مسجد حضرت رسول موسومند» (ص ۹۷ ارگ بم نوشته حمید نور بخش)

۴- گز ۱۰۴ سانتیمتر می‌باشد.

۵- این چاه از زیرزمین در حدود یک کیلومتر به رشته قنات فرح آباد که مظهرش در دهستان نارنج می‌باشد متصل و این شیوه از شیوه‌های شگفت‌انگیز و مرموز ارگ می‌باشد که صنایع الدوله در کتاب مرآت البلدان می‌نویسد: هر دلو که از آن بالا می‌کشیدند چهل و پنج من به وزن تبریز آبگیر آنست اگر روزی هزار دلو آب از آن بکشند. هیچگونه نقصانی در آب چاه به وجود نمی‌آمده است ناگفته نماند که اگر این رمز را قدیمی‌ها به ما گفته بودند مبهم می‌ماند.

می‌نماید این قلعه از ابنیه و آثار تاریخی است که بر روی صخره‌ای نیز بنا گردیده است.

وجه تسمیه این قلعه‌ها عبارتست از:

زرتشتیان معتقد بودند که عناصر اربعه (آب، باد، خاک، آتش) هر یک فرشته‌ای بر آنها موکل بوده، فرشته آب «آناهیتا» نام کامل ناهید است. معبد آناهیتا در کنگاور کرمانشاه، پل دختر در لرستان و قلعه دختر در بزم و کرمان و قلعه‌های دختر دیگر در سایر نقاط کشور به نشانه «آناهیتا» فرشته موکل آب ساخته شده‌اند. قلعه دختر بزم ارتباطی با ارگ نیز داشته که از قدمت بیشتری برخوردار است و شاید قلعه‌های تسخیر ناپذیر را قلعه دختر نامیده‌اند.

حصار شهر بزم (شهر بست)

بقایای آن از طرف شمال و شرق ارگ پیداست در محدوده آن زمین بند کشاورزی موسوم «به نهر شهر» محل کشت و زرع بوده که به وسیله قنات «نهر شهر» آبیاری می‌شده. این همان قناتی است که آب ارگ را از قسمت غربی به وسیله شترگلو^(۱) تأمین می‌نموده. حدود این حصار از شمال به طرف یخچال از وسط محله باغ دروازه جنب مسجدالرضا و محل قطب‌الدین و ادامه آن به محل فعلی مدرسه آزادگان (میرامان الهی) جای سابق حمام «کتو» در خیابان پاسداران به یک طرفه و کوچه دارائی منتهی به قسمت شمالی ارگ می‌شود. شهر بزم دروازه‌هایی داشته که عبارتند: از شمال، دروازه اسپیکان از شرق، دروازه باغ، (باغ دروازه) از جنوب شرقی، دروازه خیرآباد، از جنوب، دروازه کتو و از جنوب غربی، دروازه بید آباد از غرب، دروازه سعدالدوله و دارائی.

۱- شترگلو: آنچه که مانند گلوی شتر منحنی باشد و شکل U باشد.

راه آب زیرزمینی با لوله یا تنبوشه‌های بزرگ در زیر نهر یا رودخانه و آنچنان باشد که از دو سوی رودخانه همچون دو چاه تعبیه کنند و آن دو را از زیر رودخانه بهم ببیوندند تا آب از یک سمت فرو رود و از سمت دیگر بالا آید چاه آب گیر را «نر» و چاه آب ده را «لاس» گویند «فرهنگ دکتر معین»

دور نمائی از ایوان غربی چهار فصل

رشته کوههای جبال بارز پوشیده از برف در سمت جنوب، کوههای رنگارنگ کبود در شمال، نخيلات بلند قامت خانه باغ شهر و درختان اوکالپتوس سترگ، گلدسته‌های مرتفع مسجد آدینه‌ی شهر، بقاع متبرکه امام زاده زید و امام زاده اسیری قلعه‌ای که در دامنه کوههای کبود که در رابطه با فیلم صحرای تاتارها ساخته شده، هر یک به نوعی انسان را شیفته و مجذوب خود قرار می‌دهند.^(۱)

این مناظر را سرپرسی سایکس چنین توصیف می‌نماید:

«از فراز این قلعه مناظر زیبای جالب توجهی از هر طرف در نظر مجسم است. کوه «هزار» مستور از برف و کوههای متعدد دیگر که سر به آسمان کشیده‌اند و رشته جبال شاهسواران منظره فرح انگیزی دارد.

نخلستانهای بم و سبزه‌زارهای نرماشیر و قلعه زیبای بزمان در بینندگان خاطرات خوش فناناپذیری ایجاد می‌کند. بزمان تا سطح جلگه نه هزار پا و کوه هزار با اینکه مرتفع است تا سطح جلگه «راین» هفت هزار پا ارتفاع دارد.^(۲)

عوامل تخریب ارگ بم

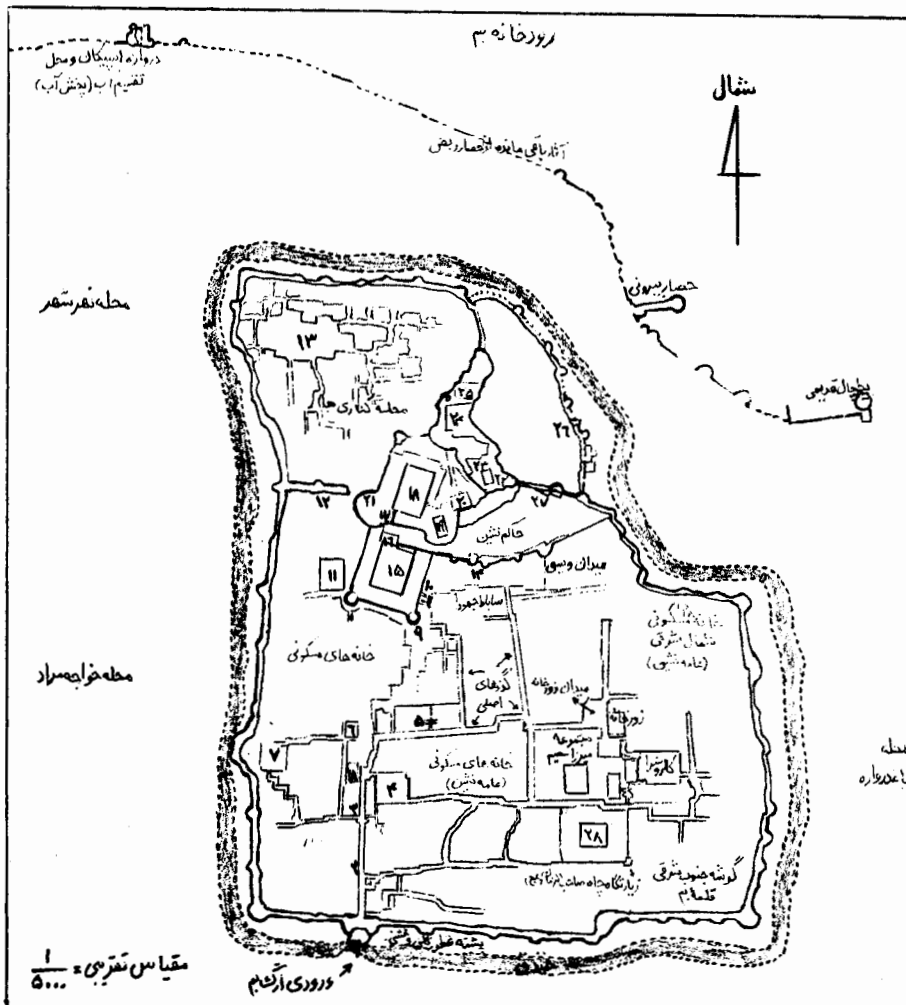
ارگ بم از سال ۱۳۰۹ شمسی که سرباز خانه به داخل شهر جدید انتقال یافت، دستخوش تخریبهای عوامل طبیعی و انسانی قرار گرفت که اهم آنها عبارتند از:

۱- استفاده از خاک پوسیده سقفها برای درختان خرما و مرکبات به جهت کود.
۲- تخریب به طمع اشیاء عتیقه، اما چون ارگ بم به طور تدریجی از سکنه خالی شده لذا هر وسیله‌ای از قبیل در و بند و میخ و کلون را در منزل جدید خود مورد استفاده قرار داده و چیزی باقی نگذاشتند.

۳- عده‌ای از تخریب و حمل آجرهای سقف حمام عمومی، حمام اختصاصی حاکم حوضچه‌ها و آب انبارها کوتاهی نکرده و به جهت استفاده آجرها دست به این ضرر جبران ناپذیر زدند. در موارد فوق نه تنها شهردار وقت حساسیتی

۱- جهت استفاده هر چه بیشتر مطالعه کنندگان، نقشه ارگ بم در صفحه بعد ضمیمه می‌گردد.

۲- سایکس، سرپرسی، ده هزار مایل در ایران، ترجمه: حسین سعادت نوری. ص ۲۵۶.



۱- دروازه ورودی	۸- سرویسهای بهداشتی	۱۵- ساختمان اصطبل	۲۲- خانه حاکم واقع بر روی کوه
۲- راسته بازار	۹- محوطه برج جنوب شرقی اصطبل	۱۶- خانه میرآخور	۲۳- برج اصلی دیده‌بانی در شمال‌خانه حاکم
۳- چهارسوق	۱۰- طاقنمای دیواره شرقی اصطبل	۱۷- دروازه سربازخانه	۲۴- ساختمان چهارفصل
۴- میدان و تکیه بازار	۱۱- ساختمانی شبیه مدرسه قدیمی	۱۸- محوطه سربازخانه	۲۵- حمام اختصاصی حاکم و چاه آب
۵- دفتر فنی میراث فرهنگی	۱۲- پشته جدا کردن کناری محله	۱۹- خانه فرمانده قشون	۲۶- حصار قدیمی شمال شرقی حاکم‌نشین
۶- مسجد حضرت محمد (ص)	۱۳- میدان اصلی کناری	۲۰- دروازه قدیمی حاکم‌نشین	۲۷- دروازه گد کرم و جایگاه کرم
۷- حمام عمومی	۱۴- دروازه دوم و چایخانه سنتی	۲۱- آسیاب بادی ارگ	۲۸- مسجد جامع صاحب‌الزمان (عج)

از خود نشان نداد بلکه با نامه‌ی زیر خطاب به سرایدار کشتارگاه مقابل ارگ در مورد بیرون بردن خاک تأکید نموده که ابلاغ زیر شاهد این مدعاست:

وزارت کشور شماره ۲۵۳۰

اداره شهرداری بم تاریخ ۱۳۳۵/۹/۲۷

آقای حسین لباف زاده مأمور کشتارگاه و قلعه ارگ بم

بطوریکه جناب آقای فرماندار ضمن یادداشت مرقوم داشته‌اند از قلعه‌ی ارگ اشخاصی بدون اجازه خاک می‌برند، لازم است تعیین و گزارش نمائید چه اشخاصی بدون اجازه خاک برده‌اند و منبعه مراقبت نمایید کسی بدون اجازه کتبی از ارگ خاک برداری ننماید. چنانچه مشاهده شد اشخاص بدون اجازه خاک می‌برند و شخص شما جلوگیری و گزارش ندهید، قیمت خاک به قرار باری یکصد ریال از حقوق شما کسر خواهد شد و در صورت تکرار از کار برکنار خواهید شد. ف
شهردار بم - ابو عامری

تعمیرات و مرمت های ارگ بم

ضمن اینکه در دوره قاجار این قلعه بازسازی شده^(۱) از زمانی که این قلعه متروکه و خالی از سکنه شده تقریباً سه مرحله، مرمت گردیده که به شرح زیر است:
۱- سال ۱۳۳۷ که انگیزه آن را در نوشته‌های آقای حسن درخشان خواهید خواند.

۲- در سالهای ۱۳۵۲ به بعد: رسماً زیر نظر کارشناسان سازمان میراث فرهنگی مرمت بنا و سنگفرش کوچه‌ها آغاز گردید.

۳- فروردین ۱۳۷۲ ارگ بم مورد بازدید حضرت حجة الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی (رئیس جمهور وقت) قرار گرفت که دستور مرمت و تصویب بودجه کشوری صادر و زیر نظر جناب دکتر طیاری مدیر محترم پروژه به نحوی چشم گیر

۱- در سفر نامه کرمان و بلوچستان فیروز میرزا فرمانفرما ذکر شده است.

مرمت مجموعه ادامه دارد.

ارگ یا دژ تاریخی بم و انگیزه تعمیر آن در ۵۰ سال گذشته^(۱) حسن درخشان:

«من دوران ابتدایی را در دبستان عماد گذراندم و یادم هست اولین بار وقتی در کلاس چهارم بودم روزی به اتفاق همشاگردانم تحت سرپرستی یکی از معلمان مدرسه به نام آقای صفارزاده به دیدن ارگ بم رفتیم. در آن روز علاوه بر دیدار مسجد و برج دیده بانی (کلاه فرنگی) و عمارت چهار فصل از دو درخت کنار (سدر) هم که در سمت چپ قلعه وجود داشت دیدن کردیم و این دیدار یکی از بهترین خاطرات کودکی من بود.

در سال ۱۳۲۵ شمسی به استخدام رسمی وزارت آموزش و پرورش در آمدم و در دبستانهای فردوسی و باغ جعفری و خود اداره فرهنگ بم کار می کردم. در آن زمان نوشته های آقای باستانی پاریزی مدیر روزنامه هفتواد درباره قلعه دختر کرمان نیز باعث شدت گرفتن علاقه ام نسبت به ارگ شد.

از سال ۱۳۳۱ شمسی در خلال خدمات فرهنگی برای اولین بار رسماً عکاسخانه ای مقابل کارخانه برق موسی خان شهابی^(۲) باز کرده تا خدمتی به اهالی بم که غالباً برای گرفتن عکس خوب به کرمان می رفتند انجام دهم و به تدریج برادرانم را نیز با این حرفه آشنا نمودم. یکی از اولین کارهای عکاسی من گرفتن عکسی زیبا از ارگ بم بود که آن را برای اولین بار به اندازه ۵۰×۶۰ سانتیمتر بزرگ نمودم و با قابی زیبا در مدخل عکاسخانه آویزان کردم و روی آن با خط زیبا نوشتم دژ تاریخی بم و زیر آن به کمک آقای رغبتی (دبیر انگلیسی) نوشتم: «مانیو منتال فور ترس آو بم».

monumental fortress of bam

۱ - نشریه فرهنگ بم (۱۳۷۷) ش.

۲ - مقابل بانک ملی مرکزی فعلی بم.

این عکس بزرگ باعث توجه بسیاری از سیاحان و جهانگردان شد که وقتی به شهر بم وارد می شدند به دیدن ارگ می رفتند. در آن روزها رسم چنین بود که بسیاری از باغداران اطراف ارگ روزانه ده‌ها الاغ با جوال^(۱) به داخل ارگ برده و خرابه‌های آن را خرابتر کرده و خاک آنها را برای تقویت مزارع خود از قلعه خارج می کردند و برخی از افراد نیز آجر ساختمانهای فوقانی از قبیل چهار فصل یا کلاه فرنگی (برج دیده بانی) و خانه حاکم و یا اطراف گاو چاهها را کنده و در ساختمان خود به کار می بردند.

راستش، این شیوه ناپسند مرا به سختی آزار می داد بطوریکه هر وقت با دوستان یا بستگان خود به دیدن ارگ می رفتم از این همه بی توجهی رنج می بردم. حتی زمانی رسید که آجرهای پله‌های چهار فصل و قسمتی از سقف آن را نیز برده بودند و بازدید کنندگان ناچار بودند از روی ساختمانهای مخروبه‌ی سمت راست به داخل چهار فصل بروند.

لهذا عکسی دیگر بزرگ کردم و از طریق اداره فرهنگ بم برای اداره کل باستان شناسی مرکز فرستادم و پیشنهاد کردم اگر ممکن است کمک کنند تا لااقل چهار فصل را تعمیر کنیم.

جناب آقای مصطفوی رییس اداره کل باستان شناسی از دریافت عکس اظهار قدردانی نمودند و پانصد تومان هم به این امر اختصاص دادند که با نظارت ادارات فرهنگ و دارایی بم و مراقبت اینجانب چهار فصل تعمیر شود. آنگاه من با استاد رضا طایی معمار صحبت کردم تا با من همکاری کند و با بودجه‌ای که در اختیار داشتیم این کار تاریخی را انجام دهیم، او هم قبول کرد. البته تعمیر چهار فصل کار ساده‌ای نبود، زیرا بدون مصالح ساختمانی از قبیل گچ، کاه، آجر و مخصوصا (بردن) آب به آنجا مشکل بود. برای مثال ما مجبور شدیم به کمک چندین کارگر (به اصطلاح دست به دست) از رودخانه پشت ارگ با حلبی آب به بالای خندق و زیر

۱- از مو بافته می شد و برای بارکشی چهارپایان استفاده می گردید.

دیوار چهار فصل برسانیم و از آنجا به یاری چاه کنی^(۱) که کاملاً نابینا بود با چرخ چاه سطله‌های آب را بالا بکشیم. در هر حال به هر زحمتی بود با صرف چندین روز وقت اینکار را انجام دادیم^(۲) بعد از اتمام کار با استاد رضا مشورت کردم و گفتم تو یک کار بزرگ تاریخی انجام داده‌ای، موافقی که به مصداق

شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر، نعمت از کف دست بیرون کند

من یک سنگ نوشته یا کتیبه‌ای با هزینه شخصی تهیه کنم و آن را در مدخل چهار فصل نصب کنیم و از رئیس باستان شناسی و رئیس فرهنگ بم حق شناسی کنیم، چه ممکن است اعتبار دیگری به این امر اختصاص دهند و برج دیده بانی را نیز تعمیر کنیم، او کاملاً موافق بود. لهذا من با کمک روانشاد آقای محمد جواد رشاد استاد و همکار خود شرح کتیبه را نوشته و به کرمان فرستادم و با هزینه شخصی سنگ را تهیه نمودم و استاد رضا آنرا بطور مجانی در چهار فصل نصب نمود.

اینکار سبب شد که آقای بوریازاده (ناظر هزینه وقت اداره دارائی) بلندگوی تبلیغاتی باشد و هر جا می‌رسید می‌گفت دیگران مبلغی از اعتبارات را بالا می‌کشند ولی درخشان و استاد رضا نه تنها کار بزرگی را با مبلغ ناچیزی انجام دادند بلکه از جیب خود مایه می‌گذارند. در هر حال گزارش این اقدام همراه با عکسی از سنگ نوشته به تهران رفت.

در نتیجه اداره باستان شناسی ضمن قدردانی، نوشت: اگر مایلی ما حاضریم مبلغ دیگری نیز حواله کنیم تا نقطه دیگری را تعمیر نماییم. پیشنهاد کردم^(۳) برج دیده بانی (کلاه فرنگی) ارگ نیز احتیاج به مرمت دارد لذا بلافاصله مبلغ هزار تومان حواله کردند و از ما خواستند که سنگی حاوی تاریخچه ارگ نیز تهیه و در آنجا نصب کنیم اینکار را هم با همان پشت کار و دقت انجام دادیم و گزارش اقدام را

۱- عباس قنبری که هنوز در قید حیات است و من نیز نه ساله بودم که روزی سه قران و ده شاهی یعنی ۳/۵ ربال مزد می‌گرفتم، ما دست به دست آب به بالای خندق زیر دیوار چهار فصل می‌رساندیم. (نگارنده)

۲- سه شنبه ۱۳۳۷/۱/۵ هجری شمسی تعمیر عمارت چهار فصل خاتمه یافت

۳- این پیشنهاد روز یکشنبه ۱۳۳۷/۲/۲۸ شمسی صورت گرفت.

مجدداً به تهران فرستادیم و شرحی نیز در مورد آن در نخستین نشریه فرهنگ بم به چاپ رساندیم نتیجه آن شد که توجه بسیاری از مقامات برجسته مملکت به این امر جلب شد و دستور دادند که این اقدامات سودمند در جهت حفظ و حراست قلعه ادامه یابد. در این جا سزااست که از آقای عبدالصالح صارمی (برادر همسر) که در آن تاریخ در شهر بم اقامت داشت و در انجام این مهم، یار و مددکار من و استاد رضا بود وبا خنده ها و شوخی هایش کارگران را به فداکاری و از خود گذشتگی تشویق می کرد به نیکی یاد کنم.

اکنون متجاوز از ۲۵ سال است که من دیگر ارگ بم را ندیده ام ولی برخی از عکسها و ویدئوهائی را که خبرنگاران خارجی از آن گرفته اند مشاهده نموده ام و خبرهای خوشی درباره تعمیر و حفاظت آن شنیده ام دعا می کنم که خداوند تبارک و تعالی همه آنهايي را که در حفظ و حراست این میراث فرهنگی قدم بر می دارند مؤید و موفق بدارد. زمستان ۱۳۷۸ کانادا - حسن درخشان

حفاظت و نگهداری ارگ بم

در سال ۱۳۴۸ حفاظت این مجموعه آغاز گردید. در این سال ارگ بم از بی در و بندی نجات یافت. به دروازه اصلی دری نصب گردید. در ضمن مدخلی که در سال ۱۳۳۷ شمسی مقابل ورودی جنوبی مسجد به وسیله مردم باز شده بود، علیرغم تمام مخالفتها مسدود و تخریب و خاکبرداریها به پایان رسید. زنده یاد حاج ماشاالله مصطفوی رحمه الله علیه که تنها مأمور حفاظت ارگ و حریم آن بود با جدیت و پشتکار با تمام مشقتها و مرارتها در حفظ و حراست این میراث گرانبها آنی از پای ننشست و تا پایان عمر (۱۳۷۳ شمسی) در این امر خطیر فراغ خاطر نیافت و دین خود را نسبت به ارگ بم ادا نمود.

فصل سوّم:

ارگّ بم از دیدگاه صاحب‌نظران

توصیف ارگ بم

قلعه بم یکی از نمونه‌های فرهنگی ایران است که بررسی ژرف آن نشان دهنده بخشهای عمده‌ای از زندگی ایرانیان در دوره‌های گوناگون تاریخی می‌تواند باشد.

-ارگ بم یک میراث فرهنگی کم نظیر در جامعه‌ی بشری و گستره‌ی اسلام و جهان فرهنگ ایران است.

-بلندای ارگ، یاد آور دلاوریهای قهرمانان این شهر است.

-تاریخ ارگ بم بیانگر اصالت تاریخی این دیار است.

-ارج نهادن بر شکوه پیشین ارگ بم ارج نهادن به افتخارات تاریخی است.

-هر ورق از تاریخ بم گویای عظمت دیرین ارگ است.

-پاسداری از ارگ بم پاسداری از حرمت و شکوه گذشته‌ی این شهر است.

-در درون برجهای پابرجا و سرافراز ارگ بم دنیایی از راز و رمز نهفته شده است.

- هر خشت خام این شاهکار معماری آئینه‌ی تمام نمایی است که حوادث

تاریخی فراوان را به خاطر سپرده است.

شهر بم عروس شهرهای تاریخی ایران

خانم دکتر مهشید حفیظی متخصص کودکان و نوزادان ساکن اصفهان:

«برای دومین بار است که از ارگ بم دیدن می‌کنم زیرا ارگ بم آنقدر مشهور

تمامی آفاق است که احتیاج ندارد آمدن و شتافتن به سوی آن را توجیه کرد. آثار دیدنی مورد علاقه‌ی من در ایران تخت جمشید، ارگ بم، میدان نقش جهان و چهارباغ، سی و سه پل، طاق بستان است و بس! او در مورد اینکه چه برداشتی از دیدار خود از شهرستان بم دارد؟ گفت: «عروس شهرهای تاریخی ایران شهر بم است. الگوی ملموسی از نظام زندگی ایرانیان قدیم است و من به اندازه‌ی زندگی کردن در زادگاهم یعنی اصفهان، از دیدن شهر بم و آمدن به آن راضی و خشنود می‌باشم.»

«تمامی تاریخ ایران در ارگ بم نهفته است، فرهنگ ایران زمین در آن نمایانگر است.

با دیدن بم به سرافرازی ایرانیان کهن می‌اندیشم و امیدوارم بتوانم هر ساله از این بنای منحصر به فرد در ایران و حتی جهان دیدن کنم. در شهر بم، ارگ آن یکی از مراکز مهم جذب و جهانگردی در ایران محسوب می‌گردد و هیچ جایی را در بم نمی‌توان یافت که به اندازه ارگ آن، از جاذبه‌های جهانگردی برخوردار باشد.»
(فقط به ارگ بم، ارگ بم، ارگ بم و...)^{۳۳}

چهارمین دیدار از ارگ بم

آقای ابوالقاسم شریفی ساکن تهران چهار مرتبه از ارگ بم دیدن نمودند. ایشان علت آمدنشان را به اینجا چنین بیان می‌کند:

«بارها از تلویزیون فیلم ارگ بم را دیده و از طرفی با خواندن کتابهای ارگ بم، جغرافیای بم تاریخ کرمان مشتاق شدم تا آنرا از نزدیک ببینم. همچنین بچه‌هایم همیشه اصرار داشتند که به شهر بم سفر کنیم. فرزندانم با دیدن ارگ از تعطیلات نوروزشان لذت بردند. زیرا شهر بم به عنوان مرکز شهرستان یکی از مکانهای گردشگری و سیاحتی کشور ایران محسوب می‌گردد.

از چهار دفعه‌ای که به بم آمدم، این دفعه راضی‌تر بودم و شکی ندارم که باز

هم خواهیم آمد تا ضمن تماشای چندمین بار ارگ، با اهالی خونگرم و صمیمی بم بیشتر برخورد داشته باشم.

هر دفعه که از ارگ دیدن می‌کنم با موضوعات مختلف تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن بیشتر آشنا می‌شوم زیرا با دیدن این اثر متوجه می‌شوم که زندگی اهالی قدیم ایران، از یک نظام هماهنگ محله‌ای و اجتماعی برخوردار بوده است».^۱

بازدید از ارگ بم خاطره انگیزترین روزهای زندگیم بود.....

«به دعوت دوستان ایرانیم به این کشور دیر پای آمده و به اتفاق آنان به شهر بم عزیمت نمودم. بازدید از ارگ بم یکی از روزهای بسیار خوب و خاطره انگیز دوران زندگیم بود.

زیرا در این بنای خشتی بی مثل و مانند، دنیای دیگری را احساس نمودم. دنیایی که زندگی گذشتگان در خاطرم مجسم می‌شود. دنیایی که در کوچه و پس کوچه‌هایش اصالت تمدن و فرهنگ کشوری چون ایران را لمس نموده و مطمئناً خاطرات ارگ بم مخصوصاً بخش عامه‌نشین، اصالت واقعی آن را حفظ کرده، مرمت این بنا همانطور که دلم می‌خواهد و در شأن ارگ عزیز است تاکنون صورت گرفته است. در پایان می‌توانم بگویم این زیباترین اثری بود که تاکنون دیده‌ام».^(۱)

^۱ - نقل از شماره ۲۸ هفته‌نامه ندای بم.

۱ - خانم دکتر ماری رن ژرین فرانسوی دکتر کار.

فصل چہارم:
منابع تاریخی

بم نامه

یکی از رسالات گرانمایی که متاسفانه نسخه‌ی آن فعلا در دسترس ما نیست، ولی تا یکصد سال پیش وجود داشته است کتابی بنام بم نامه بوده است. این کتاب را مرحوم احمد علی خان وزیری در دست داشته و مطالبی از آن نقل کرده و در کتاب خود نیز از آن نام می‌برد. در صفحه ۳ همین متن می‌نویسد: «در این بم نامه که تألیف سید طاهرالدین محمد بن شمس‌الدین بمی در سنه [] (متاسفانه در همه نسخ جای تاریخ تحریر بم نامه سفید مانده است) چنین مذکور است که چاه قلعه بم به امر حضرت سلیمان بن داوود نبی حفر شده».

باز در صفحه ۱۵ آمده است: «در بم نامه مسطور است و در همان ایلغار اردشیر، تا دود خاتون، منکوحه او، نهر نسارا جاری نموده و شهری در آنجا بنا فرمود». و در صفحه ۳۱: «صاحب بم نامه گوید: در همان زمان زالی از نو مسلمانان که ارادت کامل به منصورالدین داشت یک پارچه زر به عبد الله بن عامر بداد که فلان آتشکده را بردار و بجای آن مسجد آدینه بنا فرما، او استدعای زال عاقبت به خیر را اجابت کرده مسجدی بر چهار ستون بساخت» و در صفحه ۲۴۳ گوید: آنچه سید طاهرالدین بمی نگارنده بم نامه مفصلاً شرح واقعات و معارک میانه‌ی میرزا ابابکر و سلطان اویس را نگاشته، تحریرش در این رساله موجب طول کلام است».

بهر حال این تاریخ که اختصاصاً مربوط به بم بوده و توسط سید طاهرالدین

بمی مقتول، فرزند سید شمس الدین ابراهیم، نوشته شده فعلا در دسترس ما نیست آقای ژان اوین در مقدمه رساله عرفای بم، ذکر کرده اند که در یکی از نسخ تاریخ وزیری، تاریخ تحریر بم نامه ۸۳۶ ذکر شده است. بهر حال این نسخه تاریخ اگر روزی بدست آید از منابع مفید تاریخ کرمان محسوب می شود.^(۱)

رساله مقامات عرفای بم

این کتاب حاوی دو رساله است، یکی در مقامات سید طاهرالدین محمد بمی، و دیگری در مقامات سید شمس الدین ابراهیم بمی.

نسخه اصل این کتاب به آقای سعید نفیسی تعلق داشته است و آقای ژان اوین Jean Aubin از مستشرقین فرانسوی عین آن رساله را با مقدمه ای بزبان فرانسه و بدون هیچ تصحیحی، به ضمیمه فرهنگ ایران زمین (جلد سوم، ۱۳۳۳) به چاپ رسانده. مؤلف این رسالات معلوم نیست، در این دو رساله گرچه اشارات متعددی به تاریخ بم می شود و حتی فصلی از آن شامل این وقایع است، ولی این کتاب نمی تواند رساله بم نامه (که در این کتاب چند جا به نام آن اشاره شده) باشد، زیرا بم نامه به تصحیح احمد علی خان وزیری تالیف سید طاهرالدین محمد بمی بوده است، و البته این رساله که خود در شرح حال سید طاهرالدین است، باید غیر از بم نامه باشد علاوه بر آن بعضی مطالبی که مرحوم وزیری از بم نامه نقل یا بدان اشاره می کند در این رساله نیست.

این دو رساله بیشتر در شرح کرامات و خوارق عادات این دو عارف بمی است که در قرن نهم هجری می زیسته اند، (شمس الدین در نیمه اول و طاهرالدین پسرش در نیمه دوم قرن نهم) معذالک قسمتهای مربوط به زمان ایدکو و اویس بن ایدکو و حمله شاهزاده ابابکر به بم دارد که بسیار در خور توجه و بر خلاف «مزارات محرابی» دقیق و خوش انشاء و جالب است و بنده در تصحیح وقایع قرن نهم از این رساله استفاده کرده ام. در حواشی همه جا این کتاب (که نام آن نیز معلوم نیست)

۱- احمد علی خان وزیری، تاریخ کرمان، به کوشش دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، چاپ دوم.

به نام رساله مقامات یا مقامات عرفای بم معرفی شده است. روایتی دیگر از این کتاب را نزد آقای دکتر خرمی دیده‌ام. این کتاب به همت آقای ایرج افشار به ضمیمه فرهنگ ایران زمین چاپ شده است.

تألیف کتاب نباید از حدود قرن نهم یا اوایل قرن دهم تجاوز نماید. نویسنده رساله مقامات طاهرالدین، قرب خود را به سید طاهرالدین در پایان رساله چنین بیان می‌کند: بدان ای عزیز که مقصود از این جرأت اظهار استعداد نیست، ... چون این فقیر از جمله خدام و محرم آن حضرت بودم و عمر به پایان رسیده بود و کسی دیگر محرم سید شهید سید طاهرالدین محمد - قدس الله روحه العزیز - نبود، گستاخی کردم، والله الموفق و المعین و اختتم بالخير والحسنی، قدتم».

رساله دوم به قلم نویسنده دیگری است و در مقدمه گوید: «اکنون چند فصل از حکایات سلطان العارفین سید نعمت الله ولی و قطب الاولیاء سید شمس الدین ابراهیم و فرزند او... طاهرالدین محمد و همچنین شاه نعمت الله در آن نیست... آقای اوین جزوه‌ای در مورد این رساله در خارج از ایران به نام «دو سید بمی» چاپ کرده‌اند.

این رساله با مقدمه فرانسوی ژان اوین، صفحه ۹۳ تا ۲۲۶ (مجموعاً ۱۳۳ صفحه) از جلد دوم فرهنگ ایران زمین را شامل می‌شود.^(۱)

بهمن نامه

منظومه‌ای حماسی، به فارسی، منسوب به ایرانشاه ابن ابی الخیر و جمالی مهریجردی (منسوب به مهریجرد یا مهریگرد، از نواحی قدیم کرمان، نزدیک بم). این منظومه که به تقلید شاهنامه تصنیف شد به بحر متقارب است، و در حدود ده هزار بیت موضوع آن داستان بهمن پسر اسفندیار است و مشتمل بر چهار قسمت: ۱- درباره جلوس بهمن به تخت سلطنت و حدیث وی با کتایون دختر پادشاه کشمیر

۱- احمد علی خان وزیری، تاریخ کرمان، به کوشش دکتر ابراهیم باستانی پاریزی چاپ دوم

و همای دختر خدیو مصر،

۲- در جنگ بهمن با پهلوانان سیستان،

۳- در باب تعقیب بهمن دختران رستم را در سیستان و اسیر کردن آنان

۴- بیشتر درباره آذر پسر فرامرز است.

از مقدمه‌های دو نسخه‌ای که از کتابخانه موزه‌ی بریتانیایی موجود است چنین بنظر می‌رسد که ناظم پس از فوت (۴۷۸ هجری قمری) سلطان محمود سلجوقی، چند بار (در حدود ۴۹۵ و ۵۰۰ و ۵۰۱ هجری قمری) در منظومه خود تجدید نظر کرده است چون دوبار نام این کتاب در مجمل التواریخ و القصص، که در حدود ۲۵۰ هجری قمری تالیف گردیده ذکر شده است می‌توان گفت که بطور قطع قبل از سنه ۵۲۰ هجری قمری به رشته نظم درآمد^(۱)

بهمن بن اسفندیار

بهمن بن اسفندیار به وقت آن که از سیستان متوجه شق بم شد بدان عرصه رسید و دواعی رغبتش به ساختن آن بازدید آمد و از جاماسب حکیم در این باب استشارات نمود جاماسب طرح آن بکشید و بر طالع دلو، به حکم انطباق زحل و زحل در آن وقت بر درجه عاشقوس که اوج اوست بود، بنای آن شهر نهاد و پس از انقراض ایام اردشیر ملک کرمانی در قبضه اقتدار فبادیان که اسلاف نوشیروان عادل بودند بطناً بعد بطن سالیان دراز بماند تا به وقت آن که از مشرق سعادت^(۲)

برآمد آفتاب راست گویان	خجسته رهنمای راه جویان
چراغ دین ابوالقاسم محمد	رسول و خاتم و یاسین و احمد

رزم فرامرز و بهمن

بهمن بن اسفندیار به خونخواهی پدرش از استخر فارس به زابل لشکر کشیده



۱- دائرةالمعارف زبان فارسی جلد اول.

۲- ناصرالدین منشی کرمانی، سمط العلی للحضرة العلیا

و فرامرز پسر رستم از حرکت سپاه بهمن آگاه گشت و او هم با لشکری به عزم جنگ به سوی بهمن که از فارس می آمده شتافت و این دو لشکر در محل فعلی بم به هم تلاقی کرده و پس از زد و خورد، بهمن پیروز گشته و فرامرز را به دار آویخت و گویند که از شرق محل زد و خورد، داری تهیه کرده و در غرب آن دار را استوار ساخته و فرامرز را در آنجا به دار آویختند.

امروزه پس از قرن‌ها این دو محل در دو طرف شهر فعلی بم پابرجایند، به طوریکه محلی را که از آن دار تهیه شده به نام «دارستان» و جایی که فرامرز به دار آویخته شده به دارزین موسوم اند.^(۱)

فردوسی در شاهنامه به این موضوع اشاره نموده است:

غمی شد فرامرز در مرز بُست	ز بهر نیا دست کین را بشت
سپه کرده سر سوی بهمن نهاد	ز رزم تهمتن بسی کرد یاد
چون نزدیک بهمن رسید آگهی	بر آشفست بر تخت شاهنشهی
بُنه بر نهاد و سپه بر نشاند	به گورابه آمد دو هفته بماند
فرامرز پیش آمدش با سپاه	جهان شد ز گرد سواران سیاه
چو دیدش ندادش به جان زینهار	بفرمود داری زدن شهریار
فرامرز را زنده بر دار کرد	تن پیلوارش نگونسار کرد
وز آن پس کی نامدار اردشیر	ز کینه بکشتش به باران تیر ^(۲)

یعقوبی در کتاب البلدان (۲۸۷ هجری):

و شهرها و قلعه های آن عبارت است از «بیمند»، «خَناب»، «کوهستان»، «کَرستان»، «مغون»، «طمسکان»، «سروستان»، «قلعه بم»، «منوجان»، «نرماشیر»... و «فهرج» که اهالی آن «فهره» اش نامیده‌اند و این آخرین شهر تابع شهر کرمان است.

۱ - محمد مهدی محلاتی - جغرافیای شهر بم ص ۹۹.

۲ - شاهنامه فردوسی چاپ هفتم انتشارات امیرکبیر ص ۲۳۹

ابن فقیه در کتاب مختصر البلدان (۲۹۰ هجری):

ابن فقیه در کتاب مختصر البلدان بر خلاف یعقوبی از قلعه بم صحبتی نکرده و فقط به درج نام بم بعنوان شهرستانی از شهرستانهای کرمان اکتفا نموده است ولی باید متوجه بود که شهرستان بم را هم ردیف سیرجان، ماهان و هرمز که از مراکز بزرگ شهرنشینی آن عهد بوده اند قرار داده است.

اصطخری در کتاب مسالک و ممالک (۳۴۶ هجری):

شهر بم نخیل بسیار و روستای فراوان دارد. و روز آدینه در سه مسجد نماز آدینه کنند:

در بازار «مسجد خوارج» و در بزازان «مسجد اهل سنت» و در قلعه مسجدی دیگر بود و بیت المال صدقات مسجد آدینه دارند.

ابو القاسم جیهانی در کتاب اشکال العالم (۳۶۷ هجری):

در اقلیم یازدهم این کتاب که به ذکر ولایت کرمان و توابع اختصاص یافته، درباره بم نوشته شده؛ «اما بم - در آنجا درختان خرماست و دیه های بسیار از جیرفت خوش هوا تر است و قلعه ای دارد در غایت محکمی و استواری. در شهر بم سه مسجد جامع است یکی در بازار معروف به مسجد خوارج و مسجد هزاران و مسجد قلعه.»

مؤلف کتاب حدود العالم من المشرق و المغرب (۳۷۲ هجری قمری)

در مورد بم چنین می نویسد:

«بم شهریست با هوای تندرست و اندر شهرستان وی حصاری است محکم و از جیرفت مهمتر است و اندر وی سه مزگت جامع است، یکی خوارج را، یکی مسلمانان را و یکی اندر حصار و از وی کرباس عمامه (خواب) و دستار بمی و خرما خیزد.»

ابن حوقل (عراقی) در کتاب «صورة الارض» (در سنه ۳۶۷ هجری):

شهر بم را این گونه توصیف می کند:

«شهر بم نخلستانها و ديه های بسيار و هوای سالم تراز جیرفت دارد قلعه ای استوار و معروف در اندرون این شهر هست و سه مسجد جامع دارد که در آنها نماز جمعه بر پا می شود: یکی مسجد خوارج واقع در بازار نزدیک خانه منصور ابن خردین که امیر کرمان بود، دیگر مسجد اهل سنت در (بزازان) سوم مسجد جامعی در قلعه است در مسجد خوارج بیت المال برای صدقات است و شماره این خوارج اندک است ولی توانگرند. بم بزرگتر از جیرفت است و در آنجا پارچه های پنبه ای زیبا و عالی و با دوام می بافند که به سرزمینها و شهرهای دور فرستاده می شوند و مورد توجه قرار می گیرند طیلسانهایی که در شهر تهیه می شوند بسیار قابل توجه و قواره دار است و از دیبای نازک (ررف) بافته می شود و جامه های عالی دیگر دارد که هر یک کمابیش سی دینار ارزش دارد و این لباسها در خراسان و عراق و مصر به فروش می رسد عمامه های بلند معروفی نیز در آنجا تهیه می کنند که مردم عراق و مصر و خراسان را به آنها رغبت فراوان است و پارچه های بم همچون پارچه عدنی و صنعانی با دوام و قابل نگهداری است و از پنج تا ده سال دوام دارد و پادشاهان آنها را در گنجینه خود نگاه می دارند سلطان را در قدیم طرازی بود که مردم بم آن را تهیه می کردند و با مرگ وی آن نیز از میان می رفت.

مقدسی (جغرافیادان و جهانگرد عرب)

در کتاب خود احسن التقاسیم (۳۷۵ هجری) اینگونه می نویسد: «باروی بم چهار دروازه دارد: دروازه نرماشیر، دروازه کوسکان، دروازه اسبیکان و دروازه کورجین بیشتر بازارها را در خارج شهر و چند تا هم در داخل شهر قرار دارد. در وسط شهر نهري جاریست که از کنار شهر گذشته به قلعه داخل می شود.

شریفه ادیسی در کتاب خود «نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق»

در مورد اهمیت و آبادانی بم در سنه ۵۴۸ هجری قمری چنین می نویسد:
 «بم شهر بزرگ و پر ثروتی است که از مراکز مهم تجارتی محسوب می شود و قراء و قصبات زیادی دارد تاک و نخل در این ناحیه فراوان و استحکامات ارگ آن از کلیه قلاع دیگر ایالت کرمان زیادتر قابل توجه است، اهالی به تجارت و کارهای صنعتی اشتغال دارند و از اقلام برجسته و صادراتی بم منسوجات آنست».

یاقوت در سنه ۶۲۳ هجری قمری در کتاب خود نزهة القلوب

شهر بم را چنین توصیف می کند: «بم - از اقلیم سیم است طولش از جزایر خالدا... گویند که کرم هفتواد در آنجا بترکید بدان سبب آنرا بم خوانند قلعه حصین دارد و هوایش از جیرفت خوش تر است و به گرمی مایلست».

از ماهان تا چابهار به کوشش محمد رسول دریا گشت:

بم در سابق شهری بوده است که الان هم معروف است به دارالاربعه. چهار شهر یکی دارزین و یکی چغوک آباد و یکی ریگان بوده است بم از قصبه های عظیم است. که تقریباً دو هزار خانوار دارد. دکاکین و کاروان سراهای متعدده و حمام و مساجد متکثره دارد. در اغلب از خانه های نهر آبی جاری است. نخیلاتش زیاد است. حاصل بیشتر باغات خرما و انار است. اناری دارد کیانی که خالی از تعریف نیست و سایر میوه ها هم از قبیل انگور و زردآلو و سیب و توت و غیره هم دارد. حاصلش گندم و جو و ماش و لوبیا و پنبه و برنج است. هوایش دو درجه گرمتر از هوای بیدران است.^(۱)

افضل الدین ابو حامد کرمانی از کتاب (عقد العلی الموقف الاعلی)

این کتاب که سنه (۵۸۴ هجری) به رشته تحریر در آمده، بم را چنین توصیف

۱ - محمد رسول دریا گشت، از ماهان تا چابهار به کوشش انتشارات کرمان شناسی

می نماید: «از بلاد کرمان شهر بم است. و از آنجا ابریشم خیزد و جامه ها مرتفع^(۱) و آنجا شهری است حصین و سوری متین و در میان کوهی منیع و به روی قلعه رفیع. از بسکه سوده جرم فلک سطح منظرش

بی موی گشته است برو فرق پاسبان

لابل که شکل انجم و راز ملائکه

دید و شنید بر شرفش مرد دیده بان

و بر شرقی شهر بم نرماشیر است ولایتی نزه و بقعه فسیح رقه، در روی فواکه سردسیر و گرمسیر و ابریشم بسیار و دخلهات متواتر و من وقتی در خدمت مجدالدین بن ناصح الدین از بم می آمدم و در ناحیت (دارزین) بر بام سرای ملک نشسته بودیم و در آن دیها متصل و مزارع متسق و انهار مطرد و نگاهی کردیم و پنداشتیم بر زمین آن ناحیت بساطی زمردین گسترده اند و به دُرّ مرجان مرصع کرده و آن انهار سلسبیل ذوق تسنیم مزاج بطون حیاتیست^(۲) و در صفا آب حیات. زین الدین خلف بن المتوج رحمة اله با ما بود گفت اتفاقست که فارس ولایتی بزرگ است و معمور و آن را نصف العالم می خوانند و من جمله آن ولایت دیده ام به فلان سوگند که در همه فارس ناحیتی چون این ناحیت ندیدم. با نزهات ریاض و صفاء حیاض و لطافت هوا و کثرت مثال. و از خصایص بم باد شمال دایمست و بر مثال شهر هری^(۳) و در تابستان آنجا توان بود و حاجت به رحلة الشتاء و الصیف نیاید^(۴)

توصیف بم^(۵)

- ۱- جامها (جامه ها) مرتفع: پارچه های قیمتی.
- ۲- جمع حبة تشدید یاء به معنی مار و اژدها
- ۳- به کسر اول نام شهری است از ولایت خراسان که به هرات مشهور است. (برهان قاطع)
- ۴- اشاره است به آیه لایلاف قریش ایلافهم رحلة الشتاء و الصیف
- ۵- محمد بن ابراهیم کتاب سلجوقیان و غز در کرمان به کوشش: باستانی پاریزی در باب گفتار در آمدن ملک ارسلان به در بردسیر و فرو گذاشتن اتابک ابیک از در بردسیر به جانب بم که قبل از توصیف بم چنین می نویسد: چون خبر به جیرفت رسید که روزگار از پس پرده فتنه، شعبده تازه بیرون آورد و کار مملکت از

افضل‌الدین ابوحامد احمد کرمانی گوید که مرارنجکی بود و در خدمت رکاب نتوانستم بود و مقام متعذر شد با رنجوری، در صحبت جمعی از دوستان به بم شدم. اول رمضان بود، سی روز بر فراش بماندم و طاقت انتعاش نداشتم. و ولایت بم حکایت از بهشت می‌کرد. خطه‌ای مشتمل بر الوان نعیم، و والیی عادل و کاری مستقیم. بلدة طيبة و رب غفور،^(۱) از سابق علی انصافی شامل و سیاستی کامل، زبانها نعمت حسن ایالت او را شاکر. چون مرا خفتی حاصل آمد، بعد از عید به خدمت سابق، به پادشاهی ذو شوکت مانست. فی الجمله مراعات فرمود و عطاها داد. و بزرگان و زیرکان بم، که عمرهاست که بنات افکار من می‌دیدند و سودای مشاهده می‌پخت، در اکرام من مبالغت نمودند و مرا باز خانه نمی‌گذاشتند، و انس دل من غریب به حسن معاشرت می‌جستند.

حمدالله مستوفی نزهة القلوب

«بم از اقلیم سیم است، گویند که کرم هفتواد در آنجا بترکید بدان سبب آن را بم خواندند. قلعه‌ی حصین دارد و هوایش از جیرفت خوشترست و به گرمی مایلست.

احمد علی خان وزیری - جغرافیای کرمان

بم، یکی از بلدان قدیم و معتبر کرمان بوده، اکنون هم آنجا را شهری می‌توان گفت چهل و دو فرسخ در شرق گواشیر واقع است، هوایش به گرمی مایل و سالم، مردمش را حاجت به رحله الشتاء و الصيف نیست پیوسته بادی از سمت شمال آنجا می‌وزد که دفع گرمی آنجا را می‌نماید. آبش بیشتر از قنوات است و در کمال عذوبت. طولش از جزایر خالادات ۹۲ درجه و عرضش از خط استوا ۲۹ درجه و ۴۰ دقیقه.

→ حالی به حالی گردید، ملک و اتابک ایبک را روی مقام جیرفت نماند؛ پیش از معهود خروج کردند و وزیر ظهیرالدین و کیا محمد بن المفّرّح خازن به جانب بم و خانه خویش توجه نمودند.
۱ - شهری پاکیزه و خداوندی بخشایشگر

کذا فی تقویم البلدان

دوره آن شهر یک میل و حصاری معمور دارد. بر طرف شرقی شهر کوهی است به ارتفاع ۲۰۰ ذرع، اگر چه با اصطربلاب و اسبابی دیگر ارتفاع نگرفتم لکن بر حسب تخمین باید همین قدرها باشد بر بالای آن دو سور محکم و بروج مرتفع ساخته آنجا را ارگ بم گویند.

یک طرف ارگ متصل به شهر است و از یک طرف به خارج مبنی بر خانه‌های متعدده و انبارها و طویله و باربند و یک چاه که عمق آن ۲۰۰ ذرع متجاوز است و اکنون آب دارد. در نهایت گوارندگی، در بم نامه که نام کتابی است و سید طاهرالدین بمی مصنف آن است می‌نگارد که چاه قلعه بم به حکم حضرت سلیمان علی نبینا و علیه السلام حفر شده، و نامه نگار عرض می‌کند که در هیچ تاریخی و سیری ندیدم که کرمان در تصرف گماشتگان آن حضرت باشد... در مورد بانی قلعه می‌نویسد: بانی آن قلعه به حقیقت معلوم نامه نگار نیست. این قدر مشخص است هفتواد که اوایل زمان اردشیر بابکان سر خود سری برداشت و ریاست کرمان را مستقلاً بدست کرد بدواً در این قلعه بود و قصه کرم هفتواد در تاریخ این کتاب عرض می‌شود اکنون یک دروازه ارگ به سمت خارج آن شهر است آن را دروازه «کت کرم» گویند... همواره این قلعه پناه سلاطین کرمان و مجلس اشرار و اهل طغیان بوده...^(۱)

«مرآت البلدان» صنیع الدوله

بم: به فتح باء و تشدید میم، شهر بزرگ خوبی است معروف در ایالت کرمان. مردمان با حذافت و اکثر اهالی آن نساج می‌باشند و پارچه‌های منسوج در بم معروف همه جا می‌باشد. آب این شهر از فناتی است که از زیر زمین بیرون می‌آید و فی الجمله شوری دارد و یک نهر جاری و بازارها و باغات خوب نیز دارد...

۱- احمد علی خان وزیر کرمانی. جغرافیای کرمان به کوشش دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی

درباره ارگ می نویسد:

خود آبادی بم قلعه‌ای است در بالای سنگ که در واقع قلعه خدای آفرین است در میان جلگه بم یک تخته سنگ اتفاق افتاده که اصل ارگ بم را در بالای آن کوه ساخته‌اند. در سرکوه چاهی حفر کرده که چهل گز طناب می خورد و آب شیرین گوارا دارد و چاه ارگ دویم که پائین تر است سی ذرع طناب می خورد و سیم که در پائین می باشد چاهی دارد که بیست و هفت ذرع ریسمن می خورد و با دلوهایی که چهل و پنج من به وزن تبریز آبگیر آن است اگر روزی هزار دلو از چاههای مزبور آب بکشند کسر و نقصان در آن پیدا نمی شود. دور شهر بم حصار محکمی از چینه بابروج می باشد و خندق پهن عمیقی دور آن است و دروازه بم منحصر به یک دروازه است پهنای دیوار قلعه بم از میان چهارده ذرع و روی مرد روی آن الحال ده ذرع پهن دارد چنان گلی دارد که با کلنگ نمی توان یک صبح تا شام باهر قدر قوت یک ذرع او را خراب کرد. در ارگ دویم بم آسیایی بادی در زمان مرحوم ابراهیم خان محمد قاسم خان ساخته است دور سنگ آسیا تخمیناً ده ذرع است و سه چاریک قطر دارد.

درباره انار بم می نویسد:

مخصوص اناری دارد شیرین که نهایت ممتاز و دانه‌ای یک چارک می شود. الی آخر^(۱)...

سفرنامه کرمان و بلوچستان

فیروز میرزا فرمانفرما

بم: منزل ششم، بم^(۲) است و از دارزین به بم پنج فرسخ به بم مانده جایی

۱ - مرآت البلدان

۲ - شهر بم امروز شهر کوچکی است که در این قسمت ایران از شهرهای آباد محسوب می شود و تجارت و زراعت نسبتاً مهمی دارد. این شهر از قدیم دارای اهمیتی بوده، و در اواخر زندیه به میدان مبارزه لطف علی خان زند با آقا محمد قاجار بوده، و نیز در سال ۱۲۵۶ آقا خان محلاتی مدتی این شهر را در تصرف داشته است.

است مشهور به بیدران، چمنهای این نقطه خوب است، دُرّاج هم در این چمن‌ها پیدا می‌شود. از قدیم شهر معتبری بوده و قنوات زیاد به سمت کوه داشته، به مرور شهر و قنوات مخروبه شده آثار خیلی مختصری باقی است. از کثرت آب قنوات مخروبه به اندک فاصله از محل‌های مختلف آب می‌جوشد بقدر پانزده سنگ بلکه متجاوز است و این آب شعبه شعبه می‌شود که اهالی بم نهر نهر کرده تقسیم نموده‌اند و به قصبه بم می‌برند، زراعت و باغات و نخیلات را مشروب می‌نماید بلکه در همه عمارات آنها گردش می‌کند و می‌گذرد مرکبات خوب عمل نمی‌آید و ترقی نمی‌کند.

و قصبه بم بواسطه حنا کاری هیچ نسبت به چهل و سه سال که دیده بود نداشت، آبادی و شهر خوبی شده و الان هم رو به آبادی است اندک زمانی نمی‌گذرد شهر بسیار معتبری می‌شود، در همه کوچه‌ها نهر آب جاری است بعکس کرمان که خانه و کوچه‌ها آب جاری ندارد. از نهر هایی که از بیداران به شهر بم می‌آید قرار دادم که از یک فرسخی خیابان بزرگی تا شهر بیندازند و دو طرف خیابان نهری حفر کنند درختهای نخل وزرده بید و گز و گنار بکارند که خیلی با صفا خواهد شد، این آب زیادی از صحرای خشک نرود از خیابان برود.

ارگ بم

ارگ بم: ^(۱) و شهر بم را هم سرکشی نموده، در ارگ ساخلوی دیوانی و قور خانه و توپخانه منظم، و شهر او که در زیر ارگ واقع است بکلی خراب می‌باشد که یک خانوار هم ساکن نیست و از محاصره چهل و سه سال قبل که آقاخان ^(۲) یاغی شده بود و یک سال تمام در محاصره بنده بود که بالاخره دستگیر نمود، از آن زد و خورد ها و شکست و فتح و زحمتهای وقوه و قدرت و جزیانی که به خاطر می‌آورد با

۱ - تاریخ بنای این ساختمان معلوم نیست ولی در کتب تاریخ بعد از اسلام بکرات از آن نام برده شده است.

۲ - برای بدست آوردن اطلاعات کامل از داستان یاغیگری آقا خان محلاتی نگاه کنید به تاریخ کرمان (سالاربه)

تالیف احمد علی خان وزیری، تهران ۱۳۴۰ (صفحات ۳۸۴-۴۰۰)

حالت شکسته حالیه بر حیرت می‌افزود وضع مهندسی قلعه محل تعجب است. اصل ارگ در سر تپه سنگی واقع شده که مشرف است بر عمارات و باغات و جلگه، سه قلعه در میان یکدیگر می‌باشند و شهرش هم در زیر ارگ واقع شده که دیوار و بدنه آن دو عراده توپ جفت می‌رود آنقدر پهن است و خندق معتبری دارد.

دیوار شهر هم در روی خاکریز بلندی گذاشته‌اند که در یورش بسیار به صعوبت می‌توان بالا رفت و خانه‌های این شهر کلاً رو به ارگ است و برای این بوده که اگر کسی خیالی در شهر کرده باشد فوراً از ارگ که مشرف است بزنند، دفع و رفع نمایند. سواره ممکن نیست برود لا بداً همه را پیاده رفته صدمه به پاهایم وارد آمد و مرض نقرس باز بروز کرد که چند روز است مبتلا می‌باشم. این قلعه که شهر قدیم است و مخروبه شده به نقد بی فایده و بی معنی است هرگاه بخواهند باغ نمایند قدری مخارج دارد مسطح شود آب از خارج خوب می‌گیرد بسیار جای با صفای خوب و با فایده می‌شود. ارگ و تالار و طویله را فقط برای ساخلوی سر حد آباد نگاه بدارند کافی و صرفه دولتی می‌شود ارگ خرابی کلی داشت حتی المقدور در تعمیرات کوشیده، و اکنون هم بنا و عمله مشغول می‌باشند.

داستان کرم هفتواد (نصرت تجربه کار)

ز شهر کجاران به دریای پارس که گوید ز بالا و پهنای پارس در آغاز ظهور اردشیر بابکان در حدود دریای فارس شهری به نام کجاران^(۱)، جمعیت این شهر زیاد بود و مردم فقیر آن مجبور بودند همواره کار کنند تا نانی فرا چنگ آرند. در یک سوی شهر کوهی بود که همه روزه جمعی از دختران شهر با پنبه و دوک به دامنه آن کوه می‌رفتند و به کار رشتن پنبه مشغول می‌شدند، بدین معنی که یک نوع مسابقه‌ای میان دختران بود و آنکه در آخر روز بیش از دیگران ریخته بود

۱ - وجود محله بسیار قدیمی «کوزران» در غرب ارگ بم که بی گمان محرف کجاران فردوسی یا کلان کار نامک اردشیر بابکان است وقوع داستان هفتواد در بم را محقق می‌سازد معروف این است که قلعه هفتواد همین قلعه بم است. در یک طرف قلعه بم محلی است معروف به «کُتِ کرم» که آنرا جایگاه کرم هفتواد.

برتری و سرافرازی داشت.

در این شهر مردی فقیر زندگی می‌کرد که چون دارای هفت پسر بود او را (هفتواد) می‌گفتند. این شخص علاوه بر هفت پسر دختری زیبا نیز داشت که همه روزه با دختران دیگر به پنبه ریزی می‌رفت. یک روز وقتی دختر هفتواد به ریشتن گاه می‌رفت، در راه سیبی یافت که باد از درخت افکنده بود، سیب را برگرفت و در دوکدان نهاد. هنگام نیمروز که سیب را دو نیمه کرد و در میان سیب کرمی یافت آنرا به فال نیک گرفت و با سرانگشت از سیب برداشت و نرم نرم در میان پنبه نهاد وقتی مسابقه پنبه ریزی شروع شد به دیگر دختران گفت که امروز به اقبال این کرم از شما همه بیش خواهم ریشت.

من امروز بر اختر کرم سیب به ریشتن نمایم شما را نهیب
همه دختران شاد و خندان شدند گشاده رخ و سیم دندان شدند
اتفاقاً چنان شد، و نه تنها آنروز بلکه روزهای دیگر هر قدر پنبه می‌آورد همه را می‌ریشت و به همین مناسبت از کرم سخت توجه می‌کرد اندک اندک خانواده هفتواد به کرم عقیده پیدا کردند و از اتفاق روز به روز کارشان بهتر می‌شد و رونقی و آب و رنگی بیش می‌یافت. روزی فرماندار شهر به بهانه‌ای می‌خواست هفتواد را جریمتی کند و چیزی از او بستاند، هفتواد و پسرانش بر او شوریدند مردم شهر هم یاری دادند و فرماندار را کشتند. بدین ترتیب، هفتواد سری و سروری یافت. قلعه‌ای استوار بر قله کوه بنا نهاد و لشکری با ساز و برگ فراهم آورد و چون این کامیابی‌ها را از دولت کرم می‌دانست از توجه و پرستاری آن جانور به هیچ وجه غافل نمی‌بود. در قلعه جایگاهی خاص برای کرم ساخت و خادمان و طبّاخان به خدمتش بگماشت.

چون شاهنشاه ایران اردشیر بابکان از طغیان هفتواد آگاهی یافت با سپاهی آزموده به دفع او آمد. هفتواد نیز رزم را آماده گشت. پسر بزرگ هفتواد که «شاهوی» نام داشت از راه دریا به پدر پیوست در این رزم و ستیز هفتواد پیروزی یافت و اردشیر شکست خورده به فارس برگشت زیرا در همین موقع در پایتخت فتنه‌ای

دیگر برخاسته بود که شاه اردشیر دفع آنرا لازمتر می شمرد. بعد از رفع غائله فارس دیگر بار اردشیر رزم هفتواد را مصمم گشت و چون آزموده بود که به اقبال کرم بر نمی تابد راه چاره را پویندن گرفت. پس بزی بازرگان در آمد و صندوقهایی از جواهر و سنگهای قیمتی و دیگر طرائف بر خری چند بار کرد و خود چند تن از پهلوانان چون خر بندگان جامه های گلیم پوشیدند و به شیرین زبانی اندک اندک به قلعه هفتواد راه یافتند. بر اهل قلعه و مخصوصا بر خدمتگزاران و پرستاران کرم سیم و زر بسیار دادند و وانمود کردند که این همه زر و سیم و درّ و گوهر را از دولت و اقبال کرم به جنگ آورده اند.

این بازرگانان دروغی بعنوان پرستش و نیایش خود را به دستگاه کرم نزدیکتر ساختند و با فریفتن پاسبانان و پرستاران، خوراک دادن جانور مقدس را عهده دار شدند و مجال یافتند غذایی را که از روی و ارزیز مسموم ساخته و با خود آورده بودند به کرم بخوراند. بدین چاره کرم تلف شد لشکریان اردشیر که در بیرون قلعه گوش به فرمان داشتند با نشانه هایی که نهاده بودند چون از تباهی کرم آگاهی یافتند به فرمان اردشیر به قلعه در شدند، قلعه تسخیر شد. اردشیر هفتواد و پسرش را بر دار کرد و بساط فرمانروایی او را در هم نور دید. مال و خواسته فراوان بدست آورد و بدین ترتیب غائله هفتواد را پایان بخشید.

بکرد اندر آن کشور آتشکده	بدو تازه شد مهرگان و سده
وز آن جایگه رفت پیروز شاد	بگسترد در کشور فارس داد
به کرمان فرستاد چندی سپاه	یکی مرد شایسته ی تاج و گاه
چنین است رسم جهان جهان	همی راز خویش از تو دارد نهان
نسازد، تو ناچار با او بساز	که روزی نشیب است و روزی فراز ^(۱)

نشریه فرهنگ بم

این نشریه در سال ۱۳۳۷ شمسی توسط (آقای علی اکبر سعیدی دبیر

فرهنگ بم) تالیف شد و مقالات زیر می تواند اطلاعاتی در خصوص تاریخ کرمان به خواننده بدهد: جغرافیای بم از شهر یارزاده، ارگ بم از سیف الدینی، نظری به تاریخ مختصر بم از ربابه سامی دخت، تاریخ بم از سید محمد هاشمی کرمانی است.

جلال آل احمد در کتاب کار نامه سه ساله

و اینک بم، خرمشهری منهای کارون. اما خیابانهایش تمیزتر و با همان نخلها به اضافه بوی بهار نارنج و کوچه باغهای مستقیم. ارگ بم که عین کندویی عظیم از گل - کنار شهر بر سر بلندی متروک افتاده. و عین شهری با حصارهای هنوز مرتب و خندق اطرافش و بازارها و کوچه ها و پیشخوان دکانها و کوچه های سر پوشیده و سراها و کاروانسراها و مدرسه بزرگ و مسجد جامعی و مقر حکومتی بر بلندترین نقطه.^(۱)

ارگ بم - حمید نوربخش

ارگ بم - همراه با تاریخ مختصری از تحول شهر نشینی و شهر سازی در ایران نوشته حمید نوربخش با همکاری عبد الرحمن گلابی، امیر کاظم تبریزی، عیسی حجت، علیرضا شادانلو، در سال ۱۳۵۵ به چاپ رسید که هم اکنون نایاب است.

مقاله دکتر باستانی پاریزی

این مقاله در کتاب «نوح هزار طوفان» دکتر باستانی پاریزی تحت عنوان مقاله ارگ بم به چاپ رسیده و این همان مقاله ای است که برای دائرة المعارف «ایرانیکا» نوشته و به خدمت استاد دکتر «یار شاطر» فرستاده است. این مقاله ی پر محتوا دوازده صفحه از کتاب فوق الذکر را در بر گرفته و منابع زیادی برای آن ذکر کرده است. تاریخ تحریرش (آذر ماه ۱۳۶۵/ دسامبر ۱۹۸۶ میلادی) می باشد.

جغرافیای شهر بم

جغرافیای شهر بم: جلد اول، تالیف محمد مهدی محلاتی، تهران، انتشارات اسلامی، سال ۱۳۶۷ هجری شمسی، چاپ اول.

این مجموعه که متشکل از هفت فصل به رشته تحریر درآمده، اولین موضوعات جغرافیایی به سبک جدید می‌باشند که در استان کرمان تحقق یافته است زیرا که بعد از چاپ و انتشار آن، جغرافیای کرمان مربوط به شهر کرمان، الماس کویر و کیمیای ناسوت مربوط به شهر بم نگاشته شدند، بنابر این جغرافیای استان کرمان در قرن جاری است، که مطالب آن به صورت تخصصی در ۲۶۰ صفحه با فصولی مرتبط و مکمل هم که در بهمن ماه ۱۳۶۵ تدوین یافته بود در آذرماه سال ۱۳۶۷ هجری شمسی چاپ و در سرتاسر کشور انتشار یافت.

فصل اول آن نگاهی گذرا به شهرستان بم در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

فصل دوم آن، به شناسایی اجمالی شهر بم پرداخته است.

فصل سوم تا فصل هفتم، به ساختار شهر بم اختصاص یافته، بطوری که فصل سوم و فصل چهارم، علل وجودی شهر بم و وجه تسمیه آن تشریح شده است.

فصل پنجم به توسعه شهر بم در ادوار تاریخی گذشته، فصل ششم، گسترش شهر در قرن جاری و فصل هفتم در نهایت به متابولیسم شهر بم پرداخته شده است.

امید بدان است که جلدهای دیگر آن هر چه سریعتر چاپ و در دسترس مشتاقان علم و فرهنگ قرار گیرد.

ارگ بم - عبد الرضا سالار بهزادی

این کتاب به فارسی و انگلیسی در ۴۶ صفحه با عکسهایی از مسعود زنده روح کرمانی به کوشش بتول ایزدپناه، چاپ و منتشر گردید. (بهار ۱۳۷۴)

ناشر: صنایع خودروسازی کرمان، خوشنویسی روی جلد بیژن بیژنی.

الماس کویر - زهرا اسعد پور بهزادی

این کتاب شرحی از وقایع تاریخی ارگ بم از هخامنشیان تا زندیه می باشد که چاپ اول آن سال ۱۳۷۰ شمسی و ناشر خود مولف و عکسهای داخل کتاب از مصطفی حضرتی، از این مؤلف کتابهای «کیمیای ناسوت» و «میلاد ققنوس» نیز به چاپ رسیده اند.

نیمرخى از ارگ بم - داوود يوسف زاده

این کتاب در زمستان ۱۳۷۶ چاپ گردید و مطالب آن عبارتند از: مطالبی راجع به ارگ و شهر بم، سیمای فرزندگان و تعدادی از شعرای متقدم و معاصر همراه با نمونه شعر و تصاویری که توسط حمید چترودی و عبدالخالق طاهری تهیه شده اند.

معادن

ایرانیان از دیرباز برای بهره برداری از معادن به حفر چاه و تونل و گالری می پرداختند و قسمتهای کم استقامت را به کمک چوب بست آماده کار می کردند. برای روشن کردن معادن از پیه سوز و چراغهای روغنی استفاده می شد. در ایران سنگ مس قبل از سنگهای دیگر مورد استفاده قرار گرفته است. طبق نظر محققین، استفاده از مس بوسیله چکش کاری مس ناتیف، اوایل هزاره پنجم ق. م شروع گردید و از اوایل هزاره چهارم مس ناتیف را ذوب کرده اند. تهیه آلیاژهای مس در نیمه دوم هزاره سوم حدود ۲۴۰۰ ق. م شروع گردیده است قدیمترین این کوره ها به نظر متخصصین، کوره «تل ابلیس» در حوالی «بردسیر» کرمان و دومی «تل آتشی» نزدیک بم است. ذوب سنگهای سرب در هزاره سوم و شاید کمی قبل از آن در ایران شروع شده است سرب در ایران زودتر از قلع شناخته شده است و قسمتی از مفرغهای بدست آمده دارای مقداری سرب و نیکل است. ذوب سنگهای آهن در ایران در هزاره اول قبل از میلاد شروع و به احتمال

قوی اولین بار کوره‌های ذوب در «دلفارد» نزدیک جیرفت شروع به کار نموده است. صاحبان معادن اکثراً برده‌داران و یا رؤسای قبایل بودند و بردگان و اسرا در شرایطی دشوار و طاقت‌فرسا برای آنها کار می‌کردند. کارهای سبک‌تر بوسیله بچه‌ها انجام می‌شد و آنها سنگهای استخراج شده را بوسیله زنبیلهایی که از ییاف و برگ خرما درست شده بود از زمین به بالا می‌آوردند^(۱)

«تلخیص از مهندس زاوش، معدن کاری و کان شناسی در ایران نشریه کانون مهندسين سال ۲۴ شماره ۳۸ ص ۴۴ به بعد.»

فصل پنجم:

ارگ بيم از دیدگاه سياحان

پاتینجر سیاح انگلیسی (۱۸۱۰ میلادی)

پاتینجر سیاح انگلیسی که بین سالهای ۱۲۳۸-۱۲۳۱ (هجری قمری) به ایران سفر نموده، شهر وارگ بم را از نزدیک مشاهده کرده و نتایج مشاهدات خود را این چنین در سفرنامه اش درج نموده است: شهر بم تا موقع اخراج افغانها همانطور که گفته شد، شهر سر حدی ایالت کرمان محسوب می‌گردد ظرف بیست سال اخیر چندین بار با کمک بلوچهای مجاور و به تلافی تاخت و تازهایی که نیروی پادشاهی به ناحیه نرمان شیر (نرماشیر) کرده است در صدد خرابی و انهدام آن برآمده‌اند و در نتیجه برای مبارزه با اقوام مهاجم و مدافعه در برابر آنها، قلاع و استحکامات این شهر را به قدری مستحکم کرده‌اند که شاید در تمام ایران از این حیث بی نظیر باشد. قلاع مزبور در محل مرتفع بنا شده و در حال حاضر تشکیل می‌شود از یک دیوار گلی بسیار بلند قطور و یک خندق خشک عمیق عریض و شش برج بزرگ در هر ضلع به استثنای برجهایی که در چهار گوشه قرار دارد و چند یارد مرتفع‌تر از سایرین است بنای قلعه تماماً از گِل مخلوط با کاه و مواد فیبری ساخته شده و بین دو قلعه مرکزی ضلع جنوبی، دروازه قلعه قرار دارد.

ارگ در بالاترین نقطه و محلی که شهر ساخته شده است واقع گردیده و با یک دیوار محکم و بلند و چهار برج از چهار گوشه احاطه و مستحکم و قلعه بندی شده است محوطه داخلی، تماماً قصر فرماندار را تشکیل می‌دهد و ساختمانهایش در اشغال فرماندار می‌باشد. بازار شهر، بزرگ و پر از انواع کالا است.

هنگامی که آنجا بودم گندم کم و نایاب ولی جو و خرما و لبنیات و انواع میوه

فراوان بود. باغهای این شهر به خاطر انواع محصول انار شهرت دارند و طعم ویژه و شیرینی آنها مسلماً و بدون تردید از تمام انواع اناری که در شیراز یا بغداد که می‌گویند بهترین و عالی ترین محصول انار دنیا را دارند بهتر است.

آثار خرابه‌های گسترده و متفرق و بقایای ساختمانهای مخروبه‌ای که گرداگرد این قلعه وجود دارد حاکی از بزرگی و عظمت قدیم شهر بم می‌باشد و بطوری که شایع است این شهر با عظمت و پر جلال یکی از مهمترین شهرهای ایران بوده است. افغانها که در سال ۱۷۱۹م (۱۱۴۰هـ) به قلمرو ایران تجاوز و تاخت و تاز نموده‌اند معمولاً به عنوان عاملین اصلی زیبا کردن شهر معروف شده‌اند ولی مؤسس شهر نبوده‌اند زیرا این شهر خیلی پیش از آنها وجود داشته است و در دوران تسلط غلجایی ها رو به ویرانی و خرابی نهاده است.

می‌گویند در گذشته بعضی از فواره‌های این شهر آب را تا ارتفاع بسیار زیاد و به مراتب بیشتر از آنچه که در حال حاضر به مدد علم هیدرولیک در ایران انجام می‌گردد به هوا می‌پرانیده است. هیچ منزلی را در این شهر کامل محسوب نمی‌کنند مگر آنکه دارای آب انبار مرمرین و فواره باشد. در حدود سی میلی قلعه، راهنمایم توجه مرا به باغی که چندین جریب وسعت داشت جلب کرد.

هنوز آثار دیوارهای آن برجاست و در این باغ هرگرفته خانه‌های زیبای تابستانی بنا شده بود.

او تایید می‌کرد که در دوران پرونق افغانها این باغ هر روز دوبار و مرتب توسط آب پاشی مصنوعی که از یک استخر و مخزن بزرگ که حالا پر از زیاله می‌باشد آب می‌گرفت، آبیاری می‌کردند. موقع شهر بم بدون تردید برای چنین زیبایی هاو تجملات مساعد می‌باشد زیرا شهر در وسط جلگه و در مجاورت جبال پوشیده از برف واقع است و قاعدتاً بایستی مخازن دائمی و پر برکت آب داشته باشد.^(۱)

سرپرسی سایکس - انگلیسی ۱۸۷۵ میلادی

بم شهر بزرگ و پر ثروتی است که از مراکز مهم تجارتی محسوب می‌شود و

قراء و قصبات زیادی دارد. تاک و نخل در این ناحیه فراوان و استحکامات ارگ آن از کلیه قلاع دیگر ایالت کرمان زیاده‌تر قابل توجه است. اهالی به تجارت و کارهای صنعتی اشتغال دارند و اقلام برجسته بم منسوجات آنست.

بم ۳۶۰۰^(۱) پا ارتفاع و سیزده هزار نفر جمعیت دارد. خاک این محل حاصلخیز و در میان ناحیه پرثروتی واقع شده است. مؤلف کتاب «ایران شرقی» در جلد اول کتاب خود می‌نویسد بم شبیه یکی از بلاد هندوستان است ولی من در صحت این گفته تأمل دارم و گویا سی سال قبل نخل خرما در بم و حوالی آن وجود نداشته و از این نظر نویسنده نامبرده شهر را به یکی از بلاد هند تشبیه کرده است. من و همراهان طبق دعوت مخصوص به قلعه بم رفتیم و از بالای ارگ به خوبی هویدا بود که آثار شهر قدیم هنوز باقی می‌باشد و دیوار مرتفع و خندق بزرگی دور تا دور شهر کشیده شده است برای ورود به قلعه باید از بازار کهنه‌ای که در حدود ششصد ذرع^(۲) طول آن است، و قلعه در قسمت شمالی آن واقع شده عبور نمود. از اینجا به آن طرف نیز نشیب و فرازهایی است که روی کوه واقع شده و هیچ‌گاه تسطیح نگردیده است. کسانی که به قلعه می‌روند باید از دروازه بزرگ و از پای دیوارهایی که ۴۰ پا ارتفاع آنهاست و از آجر ساخته شده و از معبری که روی صخره قرار گرفته و دیوارهای آن ۲۰ پا ارتفاع دارد عبور نمایند. دروازه دومی قلعه منتهی‌الیه همین معبر قرار گرفته و شخص پس از عبور از نشیب و فرازهای متعدد دیگری به توپخانه می‌رسد. در اینجا چند عراده توپ ته پر مشاهد می‌شود که تاریخ ساخت یکی از آنها ۱۲۵۴ هجری (۱۸۳۸ م) است. راه پست و بلند دیگری را طی نموده و به صفه وسیعی می‌رسید که چاهی در وسط آن حفر شده و عمق آن در حدود ۱۸۰ پا می‌باشد. عوام محل می‌گویند که این چاه را رستم به امر سلیمان بنا کرده است!!! از اینجا که گذشتید به بالای قلعه می‌رسید که «چهار فصل» نامیده می‌شود و محل نشیمن حاکم بم می‌باشد.^(۳)

۱ - پا، واحد بریتانیایی طول - فوت ۴۸ و ۳۰ سانتیمتر که بر مبنای یک کف پا می‌باشد
 ۲ - ذرع (ذراع) نام چندین واحد قدیم برای طول که جملگی مبتنی بر فاصله آرنج تا نوک انگشت وسطی بوده است.

۳ - سفر نامه ژنرال سر پرسی سایکس یا «ده هزار میل در ایران»، ترجمه حسین سعادت نوری

سفرنامه آنتونی اسمیت انگلیسی

ساعت ۲/۵ صبح بود که حرکت کردیم، ماهان را پشت سر گذاشتیم و از طریق جاده‌ای که به هند منتهی می‌شد، به طرف بم راندیم. بم آخرین شهر بزرگ ایران قبل از بلوچستان می‌باشد و به نوبه‌ی خود شهرست جالب و دیدنی. گفته می‌شود بهترین خرما ی منطقه در بم پرورش می‌یابد. هوای کرمان برای پرورش درخت خرما به اندازه کافی گرم نیست. ۵ ساعت طول کشید تا توانستیم از جاده‌ای ناهموار و کوهستانی عبور کنیم. از آن پس از تعداد کوهها به مرور کاسته شد تا به دشت وسیعتری و از آنجا به شهر بم رسیدیم. شهر که در جلگه‌ای قرار داشت، بیش از هر شهر دیگر ایران مخروبه می‌نمود؛ برج و باروی بلند و مستحکمی که قسمتی از آن ویران شده بود شهر را چون حلقه‌ای در میان داشت. اولین بار این استحکامات به منظور جلوگیری از یورش افغانها ساخته شده بود.

من و فیلیپ به قدم زدن در شهر پرداختیم. درختهای نخل با شاخه‌هایی پر از خرما از باغ سر بیرون کشیده بودند ولی خرما ی آنها زرد بوده و هنوز برای چیدن مناسب نبود؛ اواسط مهر زمان برداشت محصول خرما ی این منطقه است.

نزدیکی برج و باروی اطراف شهر، خرابه‌های تعداد زیادی ساختمان قدیمی و یخچالهای شهر که با مقاطع مخروطی خود تا عمق زیاد پایین می‌رفتند، به چشم می‌خورد. داخل این یخچالها، یخ و برفی که زمستانها از کوهستانها اطراف آورده می‌شود، ذخیره شده و در تابستان فروخته می‌شد.

به راستی که غروب آفتاب در ایران پدید آورنده بدیع ترین و زیباترین مناظر طبیعی جهان می‌باشد؛ به جرأت می‌توان ادعا نمود که شکوه و گیرایی غروب آفتاب ایران کلیه مناظر مشابه را در سراسر دنیا تحت الشعاع قرار می‌دهد. در برگشت از بم، واپسین اشعه‌های خورشید چنان رنگ آبی زیبایی به کوهستان داده بود که کوهها فقط با تغیر موزون رنگ آبیشان از یکدیگر قابل تمیز بودند. دیگر اثری از دره‌های عمیق که موقع آمدن دیده بودیم به چشم نمی‌خورد. مرز کوهها و دره‌ها را فقط خطوط مبهمی که بیشتر به طراحی ابتدایی یک شاهکار نقاشی می‌ماند از یکدیگر جدا کرده بودند. رؤیت طرف دیگر صخره‌ها و همه چیزهایی که اشعه

زیبای خورشید بر آنها تابشی نداشت، غیر ممکن بود. وقت آن رسیده بود که فقط طرحها و رنگها حیات و وجود داشته باشند.^(۱)

دکتر آلفونس گابریل اتریشی

دکتر «گابریل» به همراه همسرش خانم «آگنس - گابریل - کومر» سه بار به ایران سفر کرده است. در سال ۱۹۲۸ کویرهای ایران را زیر پا گذاشته و در سال ۱۹۳۵ حاصل مطالعات این سفر را تحت عنوان «عبور از صحاری ایران» منتشر نمود. این کتاب بوسیله نجد سمیعی به فارسی ترجمه و به وسیله انتشارات آستان قدس رضوی در سال ۱۳۷۱ چاپ گردیده است.

«ما در شروع سال ۱۹۲۸ از «بندرعباس» در ساحل «خلیج فارس» به کمک تسهیلاتی که قدرتمندان محلی برای ما فراهم آوردند به منطقه تقریباً ناشناخته کوهستانی «بشاگرد» نفوذ کردیم. با همه سرسختی و خصومتی که سکنه آنجا ایجاد کردند، توانستیم به عنوان اولین خارجی‌ان به «انگوران» مرکز آن ناحیه وارد شویم، ولی پیشروی به سمت شمال، به آن صورت که برنامه ریزی شده بود، میسر نشد و مجبور شدیم راه را به سوی غرب «رودبار» منحرف کنیم، پس از بازدید کوتاهی از باتلاق پر راز و رمز «جاسموریان» با قطار^(۲) به سوی کویر «لوت» در شمال شهر «بم» حرکت کردیم کوشش برای تحقیق بیشتر در این منطقه بی ثمر ماند، زیرا گرمای بیش از حد فصل ما را به مخاطره انداخت در عوض موفق شدیم در ادامه سفر از کرمان رد پای «مارکوپولو» ونیزی جسور را از طریق کویر «بهاباد» تعقیب کنیم.^(۳)

استراتیل زوئر استاد جغرافیای دانشگاه وین

زوئر اولین مسافری است که از ماشین در اکتشافات خود در دشت لوت استفاده کرده است. این استاد بین سالهای ۳۳-۱۹۳۱ به تحقیق پرداخت. سفر وی

۱ - ماهی سفید کور در ایران (سفر نامه آنتونی اسمیت) ترجمه محمود نبی زاده.

۲ - کاروان شتر را در بم و اطراف قطار گویند.

۳ - عبور از صحاری ایران.

بسیار خطرناک بود. زیرا به اتفاق خانمش با یک ماشین وارد لوت شد و به واسطه نقص فنی ماشین در وسط لوت متوقف گردید و راه را گم کرد و به زحمت توانست خود را به راه خبیص به ده سلم برساند و از آنجا به ده سلم رود. در حاشیه جنوبی لوت سعی کرد از بم وارد لوت زنگی احمد گردد ولی توفیقی نیافت و کوشش وی برای پیمودن حاشیه شرقی لوت از اسپی به سوی شمال بی نتیجه ماند، ولی به هر حال یادداشتهای آقای استراتیل زوئر بسیار پر مغز است.^(۱)

مقارن با سفرهای «هدین» در آغاز سده بیستم میلادی در ایران یک نفر روس بین کرمان و بندر عباس مسافرت کرد. او از کرمان به خبیص و از آنجا به گوک^(۲) و بم و جیرفت رفته است ولی نشریه وی بسیار نایاب است.^(۳)

پرفسور هاینس گوبه

پرفسور هاینس گوبه آلمانی در سال ۱۹۷۲ از شهر بم و ارگ آن بازدید و تحقیقات مفصلی راجع به ارگ بم نموده وی مطالعات قبلی راجع به شهر بم نیز داشته و نظریات جغرافی نویسان عرب علی الخصوص مقدسی و ابن حوقل را مدّ نظر قرار داده و مقاله ای جامع تحت عنوان ارگ بم در حدود ۱۶ صفحه همراه با نقشه شهر کهنه بم به رشته تحریر در آورده که به وسیله کرامت الله افسر ترجمه و در کتاب «نظری اجمالی به شهر نشینی و شهر سازی در ایران» به کوشش: محمد یوسف کیانی در سال ۱۳۶۵ چاپ و انتشار یافته. این مقاله ضمیمه «کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی» مجموعه مقالات انتشارات کرمان شناسی به مناسبت کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی به کوشش محمد رسول دریاگشت چاپ گردیده است.

پرفسور اهلرز

پرفسور اهلرز دوست و همکار پرفسور هاینس گوبه و استاد آقای دکتر

۱- گزارشهای جغرافیایی نگارش احمد مستوفی.

۲- گلبافت امروزی را می گفتند.

۳- گزارشهای جغرافیایی نگارش احمد مستوفی.

رهنمایی در دانشگاه هاید الونگ آلمان غربی بوده، که دکترای برنامه ریزی شهری را در آن دانشگاه دریافت نموده است. پرفسور اهلرزا کارت کتابی تحت عنوان «مبانی کشورشناسی جغرافیایی» نوشته و در حدود سال ۱۹۷۰ میلادی (۱۳۴۸ هجری شمسی) از بزم دیدن کرده است.

اوریک گازپر (یوگسلاوی)

در سال (۱۳۷۰ هجری شمسی) از طریق زاهدان به بزم رسید. شروع سفرش بیست و نهم ژوئن سال ۱۹۸۴ میلادی از یوگسلاوی بود که با پای پیاده به مدت هفت سال تا بزم طی طریق نمود و پس از یک شبانه روز اطراق در بزم و بازدید از ارگ به طرف کرمان ادامه راه را شروع و پس از چهار ماه وارد مرز ترکیه شد و شعارش این بود: خدا، عشق، محبت، و صلح، در دفتر خاطرات اوریک نوشته بود:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

با پیامی از عشق و محبت به بشریت. من برای صلح و کشف دنیا، ایجاد روابط دوستی، تحقیق در مورد تاریخ، فرهنگ (ملتها)، و سپس نوشتن یک کتاب در این زمینه و تلاش در جهت مبارزه، بر علیه نژاد پرستی، کشت و کشتار، مواد مخدر، اختلاف طبقاتی و جنگ حرکت کرده‌ام. من یک جهانگرد با پای پیاده هستم. جهان وطنی اهل یوگسلاوی.

بدنبال جهانی آزاد و رها از سلاحهای هسته‌ای و اتمی
 «آینده متعلق است به آنهایی که عشق می‌ورزند و گذشت می‌کنند»
 همه انسانها برادر من هستند.
 همه انسانها دوست من هستند.

دیویدست وینست سیاح انگلیسی

وی در سال ۱۳۷۱ شمسی (۱۹۹۲ میلادی) طی مسافرتی در ایران به مدت یک روز کامل از ارگ دیدن نمود و در همان سال کتابی تحت عنوان «ایران» در

انتشارات «لونی پلونت» به چاپ رساند. این کتاب حدود ۴۰۰ صفحه راجع به ایران با تصاویر و نقشه‌های مختلف است که می‌تواند راهنمای مفیدی باشد برای سیاحانی که از اماکن تاریخی توریستی کشورمان بازدید می‌کنند.

درباره بم می‌نویسد:

بم شهری است با باغهای ردیفی از کشت درخت خرما که خرمایش شهرت جهانی دارد و از همه مهمتر و جذابتر برای بازدید کنندگان قلعه قرون وسطایی^(۱) این شهر است که بر روی تپه سنگی در قسمت شمالی شهر واقع شده است.

ارگ بم:

اصل شهر بم قلعه ایست که احتمالاً بنای اولیه آن در زمان ساسانیان گذاشته شده است و بعضی قسمتهای آن که امروزه سالم هستند مربوط به قبل از صفویه است. شباهت خارق العاده‌ای با قلعه‌های قرون وسطایی اروپا دارد با این تفاوت که آن قلعه‌ها در اروپا از سنگ ساخته شده‌اند، اما ارگ بم از خشت و گِل. دیوارها و برج و باروهایی که این شهر را احاطه کرده‌اند هنوز بکر و دست نخورده هستند و امروزه بجز دروازه‌ای که در قسمت جنوبی این قلعه است هیچ مدخل ورودی دیگری ندارد. با ورود به قلعه و گذشتن از خرابه‌های باقی مانده از، خانه‌ها، مسجد، تکیه، سرباز خانه، کاروانسرا، متوجه می‌شوید که همگی از خشت و گِل ساخته شده‌اند. اما می‌توانید از پله‌ها بالا بروید. شیبی است که شما را به بالای برج و باروها هدایت می‌کند و شما می‌توانید از بالا چگونگی دفاع از شهر را به راحتی ببینید. قسمت حکومت نشین کاملاً بر فراز شهر مشرف است که شامل قصر حکومتی به اسم چهار فصل است. همچنین در سطوح پائین‌تر شما می‌توانید میدان سرباز خانه و اصطبل حکومتی را ببینید شما امکان رفتن به بالاترین نقطه را دارید. در قرون وسطی تجارت‌های پر رونق و مراکز هنرمندان توسط این قلعه تسخیر ناپذیر محافظت می‌شد.^(۲)

۱- قرون وسطی در اروپا از ۴۷۶ تا ۱۴۵۳ میلادی است، یعنی سالی که قسطنطنیه به دست ترکها فتح شد.

۲- ترجمه محمد علی دسترس راهنمای ارگ بم.

فصل ششم:

ارگ نامه

توصیف بم از زبان طرمّاح:

آلا ائجها الیل الذی طال اصبحی بیم و ما الا صباح فیک باروح
بلی ان للعینین فی الصبح راحة لطحهما طرفیهما کل مطرح

ای شبی که در بم دراز شدی روز شو.
و به بامداد برس گو اینکه روز در تو (بم) از شب دلگشایتر نیست،
آری برای چشمها در بامداد آسایشی است
زیرا می توان به هر سو نگاه کرد (و شب به واسطه تاریکی از این لذت محروم)

سه رباعی از استاد محمود شاهرخی بمی متخلص به جذبه شاعر معاصر ایران

زان روز که دور گشتم از خطه ی بم
قسمم همه محنت است و قوتم همه غم
چون ذره ام از وصال خورشید جدا
چون قطره ام، اوفتاده دور از دل یم

من عشق تو را ز دست ای بم! ندهم
با یاد تو دل به چنبر غم ندهم
ویرانه ی صفّه سرا بستانت
ای بم به هزار ملکت جم ندهم

ای خطه مبیناد کسی مرگ تو را
آفت مرساد باغ و گلبرگ تو را
ایزد داند به کوهی از زر ندهم
ای بم! خشتی زمسجد ارگ تو را

ابیاتی از نگارنده

هر ذره‌ی خاک ارگ رازی دارد
 هر کنگره‌اش ز فخر، نازی دارد
 گرباز کند زبان به صحبت، خشتی
 دانی که چه سوزی و چه سازی دارد!

ای ارگ بنام قد و بالای تورا
 و آن چهره‌ی دلربای زیبای تورا
 خشتان ستر و سنگ خارای تورا
 گلدسته‌ی مسجد و مصلای تورا

مجموعه کاملی که از خشت و گل است
 دروازه به دروازه به هم متصل است
 چون نیک نظر کنی به آن خواهی دید
 خاکش ز غبار چشم و آبش ز دل است

ای ارگ تو گنجینه اسرار بمی
 آئینه‌ی روزگار دوران جمی
 آثار تمدن نیاکان منی
 بر من بگشای رازای ارگ دمی

خطاب به ارگ تاریخی بم

دکتر علی اکبرخانمحمدی
(این شعر هنگام بازدید ارگ بم در اسفندماه ۱۳۷۴ و به مناسبت برپایی نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی در شهر بم سروده شده است).

ای خسته قرون	که روزی به رشته‌ای
زخمی روزگار	شمشیر فاتحان زمین را
آیا کدام شحنه پیری	به بند کرد
چنین مهیب	اما حقیقتی است
شلاق بی‌ترحم فصل روان خویش	که آن هفت پهلوان
بر پشت خاک تفتت‌ی تو	اینک درون قالب
آزموده است	آن هفت برج تو
یا کیست آن که	با زانوان خسته
از سلاله نامرد مردمان	به خاک آرمیده‌اند
آن کو بر ای ز هر خنده‌ی تاریخ	اکنون بر آستانه‌ی تاریخ
روزی که نه	ماییم و این سکوت
شبی	و هیاهوی یادها
چشمان بی‌فروغ هزاران	یادی بمانده از آن شهسوار زند
ستاره را	که روزی به روزگار
از آسمان سبز کویرت	ناخورده جام مهر
ربوده است	در این کوچه‌های تو
من از کدام درد تو گویم؟	ناباورانه طعم خیانت
که در قرون	به جان خرید
زخم هزار خنجر نامردمی	در گوش روزگار
به پهلوان نشسته، باز	چو ناباوران سرود:
اینسان بلند و راست	یا رب سندی ملک ز دست چو منی
برپای‌های سنگ و گِلَت	دادی به مخنتی، نه مردمی نه زنی
ایستاده‌ای	از گردش روزگار معلوم شد
شاید فسانه‌ایست	پیش تو چه دف زنی چه شمشیر
آن کرم هفتواد	زنی؟
و آن دختر خیال	

جنگل نخل

بیا لحظه‌ای سوی بم کن گذر
 بم از زیر و بمهای چرخ درشت
 ز اقصای بزمان و شهر بُرا
 به یاد آر آن ارگ پر هیمنه
 حنایش ز رنگ و زیبوی خلوص
 بم و سبزواران و شهداد ماست
 زمستان اگر بگذری زین دیار
 بیا شاهکار طبیعت نگر
 فکنده به رخسار لیموی زرد
 که رخسار این دختران نبات
 اگر فرصتی هست چندی بمان
 بمانده چو فیلی درشت استخوان
 بود جنگل نخل تا بیدران
 به یاد آر آن چاه گنج آوران
 گُند خیره رنگ گل ارغوان
 بهاری که هرگز ندارد خزان
 نبینی ز سبزه تهی بوستان
 رطب خیزد از خار خرما بنان
 کف نخل سر پنجه‌ای چتر سان
 مصون مآئد از دید نامحرمان

دکتر سید ابوالقاسم پورحسینی (واصل)

دیوان اشعار «شکوفه‌های اندیشه»

سرزمین چهره‌های سوخته

باد وحشی همچو تازی‌های پیر
 عنکبوت گرمکار آفتاب
 می‌خزد اندیشه زیر خارها
 کوهها این یوکیان^(۱) سوخته
 مجمری وارونه را ماند سپهر
 رسته در خلوارهی^(۲) این شعله زار
 شهر، پنداری خیالی بیش نیست
 یا که در سیمای گندم‌گون خاک
 هر قدم نخلی غیور، آوازه خوان
 و ز سرود آن طراوت یافته
 مانده آن سوتر، به روی سینه‌اش
 قلعه در قلعه، همه دهلیز و بند
 زیر هر طاق کهن پیچیده است
 می‌درخشد از ته دهلیزها
 در میان دشت لاله می‌زند
 هر طرف تازی ز آتش می‌تند
 در هیاهوی غبار و آفتاب
 خواب می‌بینند، خواب نخل و آب
 از درون سرخ، از برون خاکستری
 جادوئی سبز از دل ناباوری
 چون نگینی سبز بر دشت کویر
 چون غبارآلوده چشمانی اثیر
 چشم در چشم طبیعت دوخته
 سرزمین چهره‌های سوخته
 زخم خونین تن تاریخ ارگ
 ارگ نه، کندوی زنبوران مرگ
 بوی استبداد، بوی خون و خشم
 برق تیغ تفته در گودال چشم

استاد دادور متخلص به فرهاد - بم ۱۳۳۵ ش

۱ - بوک: سیخ آهنی که بر بالای تنور نهند و بریان را بر آن آویزند.

۲ - خل: خاکستر

آئینه زار طوطیان

شهر من شهر صداقت‌های باغ
 خواب‌زار ریگ‌های داغ داغ
 قصه‌ای دیرینه دارد در دلش
 با ملال آمیخته آب و گِلش
 شاهد این مدعاها ارگ اوست
 نیک بنگر دیدن دلبر نکوست
 قلعه‌ای بر سینه‌ی کوهی ستبر
 پنجه‌ها چون شیر، چشمانی چو ببر
 دیده آن مرد دلیر خان زند
 دخت نخلش گیسوان آویخته
 طره مشکین به شانه ریخته
 سوگل هر باغ چتر پرتقال
 لیمو و نارنگی اش آزد به حال
 جز حنای بم دگر رنگی مباد
 جز صفا زین خطه نیرنگی مباد
 مشتی از یاقوت گلگون در انار
 هرچه خواهی خاک می‌آرد به بار
 آری این ملک عجب شهر بم است
 این چنین شهری در این عالم کم است
 «روح الله سلطانی متخلص به دلجو»

تاریخ چرا همیشه، تاریک؟!

در زیر شعاع تند خورشید تفتیده تن کویر بم بود
تاریخ نویس پیر ایام نظاره گر امیر بم بود

در پای حصار بم چو شیری
تنها و قدم زنان اسیری

با مرغ هوا سر جدل داشت هر باد که می‌زید در دشت
هر دود به بام خانه‌ای بود پیچیده به خویش و ابر می‌گشت

تا گریه کنان رود به صحرا
با قصه این غریب تنها

آن طرفه غریب این حکایت کوهی ز متانت و شرف بود
تنها نه به فکر سروریه‌ها در هر قدمش دو صد هدف بود

گاهی هدف از شرف چنانست
کز فخر نه در خور بیانست

اکنون سر ظهر و تیغ گرماست فرصت پی میهمان‌نوازی
خان بم و این کرم، دریغا این شیوه گرفته شد به بازی

اینجا دگر از کرم نشان نیست
مهمان به پناه میزبان نیست

کان قلعه پناه سر بلند است
بختش به گمان که بر بلند است

با حيله فتاده بود در بند
از پاکدلی دلاور زند

پرورده‌ی دست پاک مردی
نادیده هنوز گرم و سردی

سر را به امید حق شناسان
افکنده به دام ناسپاسان

کندر پی خونبهای فرزند
نابخشودش و نهد بر او بند

زین زمره خسان بهر ز مانند
بد نام زمانه کوفیاند

از دفتر روزگار می پرس
از خامه‌ی آبدار می پرس

تا از بشر کشان سرانداز
شاعر به زمان حماسه پرداز

پنداشته بود آن جوانمرد
شیری که اسیر روبهان بود

آزاده یلی چو لطفعلی خان
در اوج صلابت و جوانی

ننگ ابدی بر آن خبیثی
قاتل به پناه او چو آید

با صدق و صفا چه کرد مگار
وینک من خون به دل چه گویم

تا دید که حيله‌ای به کار است	بگرفت عنان اسب در دست
گران بکشید شیهه‌ی شوق	سهراب زمان به روی زین جست
	مهمان کش بم کشید فریاد
	کاین شیر ژیان مباد آزاد
در قلعه‌ی بسته در، سواری	یک تن به هزار تن بجنگید
هر حمله که کرد دست و سرها	برخاک فکند و خود نلرزید
	مردان که بسادگی نمیرند
	گرزانکه امیر یا اسیرند
در هر طرفی که اسب می‌تاخت	صد روبهک گریز پا بود
تنها کس او در این غریبی	گران که نه اسب، اژدها بود
	می‌رفت و چنان نهنگ می‌رفت
	با دست و لگد به جنگ می‌رفت
از آنهمه دست، یک سرانگشت	در کار کرم به کار نامد
ببری به شقاوت چنان قوم	دنبال چنین شکار نامد
	گرگانِ گرسنه بسا هیاو
	بردند هجوم سوی آهو

مکاری از آن میان به شمشیر
 افکند ز پا چوبی زبان را
 از پشت به اسب حمله آورد
 حیوان نجیب صیحه‌ای کرد
 مهمان به لبش شرنگ دیگر
 بر دامن ننگ، ننگ دیگر
 هنگام شکست شهسواران
 تا مرگ سوار خود نبینند
 اسبان نجیب با وفایند
 یک گام جلوتر از زمانند
 رستم چو به قتلگاه می‌رفت
 بارخش درون چاه می‌رفت
 وین یکه سوار دشت بم نیز
 آن روز وفای مرکب از خلق
 جانبازی اسب خویش می‌دید
 با چشم شرف چه بیش می‌دید
 غران چو به خاک و خون در افتاد
 بر خاک سوار با سر افتاد
 از اسب فتاد، نی ز اصلش
 تنهاتر از او کدام مردی
 او ماند و دو بازوی توانا
 تاریخ ستم، نهاده برجا
 در ظلم که گفته این چنین باش؟
 ای شرم بشر، تو شرمگین باش

ناگاه به ضرب تیغ تیزی
در بین هزار دست و شمشیر

دست چپ او ز کار افتاد
یکدست به کار زار افتاد

با آنکه چو شیر حمله می کرد
مظلوم کشی به هر زمانی

یکدست ولی صدا ندارد
دردی است که انتها ندارد

یک لحظه کویر خشک بم را
تنها و غریب و بد سرانجام

در پرده‌ی ذهن خود گذارید
خود را چو اسیر بم شمارید

خورشید، کنون چو طشت خون بود
این صحنه‌ی شوم را زمانه

خون از سر و روی مرد می ریخت
بر سر در ارگ بم بیاویخت

خورشید، کنون چو طشت خون بود
این صحنه‌ی شوم را زمانه

آن دم که کشیده شد به تزویر
با کتف شکسته زیر زنجیر

مغرب به زمان خون به دل گفت	هنگام غروبِ عمرِ شاه است
تاریخ کشید نعره، کای خلق!	یکتا یل زند، بی پناه است
عفريت نهاد حق کشانرا	با اینهمه شوق دین و مذهب
دیوانِ فرشته سوزِ ایام	انسان، به چه معنی است، یارب
تا جوشش جاهلان، صف آرا	قداره کشان سپاه جهلند
بیدادگری به سروریه‌ها	در بازکنان راه جهلند
اکنون پی پیشکش به خواجه	خصمی که گرانترین بها داشت
در دست امیر بم اسیری	آمد که هزار رونما داشت
غافل که زمان نمانده بیکار	در بند کشیده را، شیریران
از مردم بم هنوز جمعی	بردند به قتلگاه کرمان
	فردا چو برآمد آفتابی
	در حالت خواب و نیم خوابی
	ناگاه که خواجه زد شیخون
	بر پیر و جوان ز دشت و هامون

از صفحه‌ی دهر شد فراموش	تا نیمه‌ی روز هر که جان داشت
گردید چراغ شهر خاموش	شاید که ز باد انتقامی
در خواجه هنوز این گمان بود	
کاین شهر پناه آن جوان بود	
کان شیر اسیر، رفته در بند	آندم چو خبر به خواجه آمد
تا دود کنند دوده‌ی زند	با آتش خشم شد شتابان
از بم به ظفر چنان گذشتند	
کز وادی مردگان گذشتند	
در شوق به سروری رسیدن	این نسل شریر آدمی بین
هر لحظه به برتری رسیدن	صد شهر به خون کشند و کوشند
در خدعه و ظلم قهرمانند	
گرگان که به جامه‌ی شبانند	
زد نعره براو، که چونی ای مرد	فاتح چو اسیر خویش را دید
ای خواجه‌ی شرمسارِ روزرد	گفتا که اسیر سرخ رویم
فریاد کشید خان قاجار	
چون ببر ز قله‌ای نگونسار	

جلاد! در آر چشمهایش
می‌گفت که دست را نگهدار
چشمی که نگاه مهربان داشت
جلاد زمان اگر زیان داشت

خون در رگ ظلم چونکه زد جوش
رویین تن زند، رفت از هوش
در پیچ گلو چوناله‌ی نی
شرمنده زمین ز هیبت وی

این میوه‌ی فتح و بار خشم است
از بس که ظفر دریده چشم است
جای دو چراغ روشن چشم
بس خون که ز دیده وطن ریخت

مردی که نداشت هم نبردی
اکسئون کفنش حصیر سردی
چشمان حریصِ خواجه، آن روز
شایسته‌ی تخت من از امروز

می‌گفت که حق به دستِ زور است
«دریای بلور» و «کوه نور» است
آنگه ز شکسته بازوانی
برکند «گهر» چنانکه دانی

چشمان گهر نگاه سهراب
و آنگاه دو قطعه سنگ خاموش

از کاسه برون به جام زر بود
مقبولِ دلی سیه نظر بود

دیگر چه حکایت و حدیثی!
در فتح، شیریر بسی گذشتی

از پایاه گذار دودمانی
در ضعف، اسیر ناتوانی

در حسرت انتقام، عمری
در چشم زنان مرد پرور

هر لحظه کشیده است آهی
مردانه نه بر سرش کلاهی

آن اهل کتاب و زهد و تفسیر
شد کور جوان و پیر کرمان

این چشم دریدن، از که آموخت
ز آن خواجه که این شراره افروخت

هر فهم، که با ستم در آمیخت
دیواره ارجها، فرو ریخت

مغموم و ز شهد عشق محروم
هنگام ظفر چگونه معصوم

یکسال فزون نرفت از این ظلم	کان خلق گُش سیاه فرجام
در خواب خوشی به بستر کبر	چون بره به زیر تیغ ایام
	مغرور سر از تنش جدا ماند
	در خیمه‌ی ظلم، بی صدا ماند
آویخته پرده‌ی مکافات	در کارگه جهان خداوند
آگه ز درون پرده، کس نیست	نقاش زمان، به حال لبخند
	بازار جهان که دلربا بود
	در هر قدمش چه پندها بود
این خاکِ مدوّر زمین نام	هر نقطه، هزار ارگ بم داشت
هر سنگ به دشت و کوه و جنگل	در خویش، طنین صد ستم داشت
	وین نکته‌ی بم حکایتی بود
	بر حرصِ بشر، کنایتی بود
ویرانه‌ی ارگ بم به ناگاه	گم شد به کناره‌ی کویری
شد نوحه گرش، شبانه، جغدی	بر مرگ امیری و اسیری
	اکنون که جزا چو موی باریک
	تاریخ چرا همیشه تاریک!؟

من رفتم و دیدم و چه دیدم
تاریخ زبان بلندِ ظلمی

فریاد زمان به قصر متروک
مملوک در آن سرای مفلوک

آن‌انکه ره ظفر گرفتند
هر روز یکی به نوبت آید

ای کاش دم دگر ببینند
رازی که چه مختصر ببیند

روزی که تو هم به مسند آئی
از خواجه‌ی روزگار می‌پرس

از یساد مبرامیر بم را
هر لحظه، جزای صد ستم را

در شام سکوت بم شنیدم
یک ناله، ز یک پرنده‌ی شوم

یک ناله که تا ابد نوان بود
کو نیز خرابه آشیان بود

دیدم به شبی سیاه و غم ریز
از جمله پرندگان شب خیز

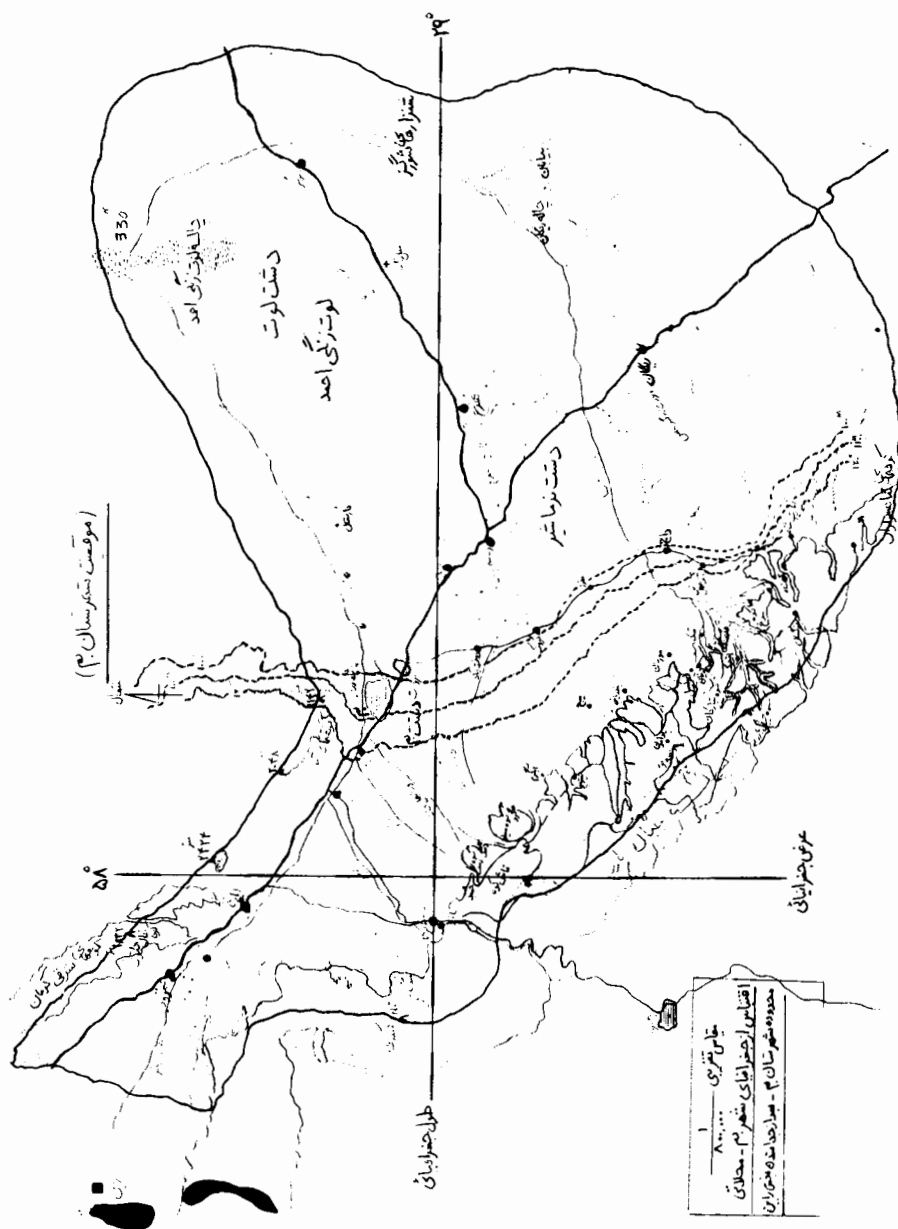
جغدی بپرید و ضجّه برداشت کسای بُرده زیاد این و آن را
 بگذر زیم و بین چه خاموش دروازه شهر مردگان را
 جغد دگری دهان چو وا کرد
 تاریخ نویس را صدا کرد

معینی کرمانشاهی - خورشید شب چاپ چهارم
 کرمان ۱۳۵۰/۵/۱۷

فهرست منابع

- ۱- فرمانداری، گذری بر فعالیتهای شهرستان بم، ۱۳۷۴ شمسی.
- ۲- دکتر طبکاری، راهنمای ارگ بم.
- ۳- احمدعلی خان وزیری، تاریخ کرمان، به اهتمام دکتر باستانی پاریزی.
- ۴- احمدعلی خان وزیری، جغرافیای کرمان، به اهتمام دکتر باستانی پاریزی.
- ۵- دکتر باستانی پاریزی، پیغمبر دزدان.
- ۶- دکتر باستانی پاریزی، نوح هزار طوفان.
- ۷- محمد بن ابراهیم، سلجوقیان و غز در کرمان، به کوشش دکتر باستانی پاریزی.
- ۸- حمید نوریخس، ارگ بم.
- ۹- حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، انتشارات دنیای کتاب، چاپ دوم.
- ۱۰- حمدالله مستوفی، نزهةالقلوب، به اهتمام دکتر محمد دبیر سیاقی.
- ۱۱- شاهنامه فردوسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم.
- ۱۲- اعتمادالسلطنه، مرآةالبلدان.
- ۱۳- علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا.
- ۱۴- دکتر غلامحسین مصاحب، دائرةالمعارف.
- ۱۵- دکتر محمد معین، فرهنگ معین.
- ۱۶- محمدحسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین.
- ۱۷- یعقوبی، البلدان.
- ۱۸- تشریه فرهنگ بم، ۱۳۳۷ شمسی.
- ۱۹- محمد مهدی محلاتی، جغرافیای بم.
- ۲۰- اصطخری، المسالك و ممالك.

- ۲۱- مقدسی، احسن التقاسیم.
- ۲۲- ابن حوقل، صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار.
- ۲۳- افضل الدین ابوحامد کرمانی، عقدالعلی للموقف الاعلی، به اهتمام علی محمد عامری نائینی.
- ۲۴- مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، جلد اول.
- ۲۵- نصرت تجربه کار (مجله مردم شناسی)، مقاله داستان هفتواد، انتشارات اداره کل هنرهای زیبای کشور.
- ۲۶- سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس (ده هزار میل در ایران)، ترجمه حسین سعادت نوری، چاپ اول.
- ۲۷- فیروز میرزا فرمانفرما، سفری به کرمان و بلوچستان.
- ۲۸- بهروز دانشور، راه و رباط، انتشارات روزنه - چاپ سوم - بهار ۱۳۷۶.
- ۲۹- پناهی سمنانی، آغا محمدخان.
- ۳۰- ژان گور، خواجه تاجدار، ترجمه ذبیح الله منصوری.
- ۳۱- احمد مستوفی، گزارشهای جغرافیایی (شماره ۱).
- ۳۲- روزنامه ندای بم - صاحب امتیاز و مدیر مسئول فتح الله اسدی.
- ۳۳- ناصرالدین منشی کرمانی، سمطالعی للحضرة العلیا.
- ۳۴- از ماهان تا چابهار، به کوشش محمدرسل دریاگشت.
- ۳۵- زهرا اسعد پوربهزادی، الماس کویر.
- ۳۶- سفرنامه آنتونی اسمیت، ترجمه محمود نبی زاده.
- ۳۷- دکتر آلفونس گابریل، عبور از صحاری ایران، ترجمه فرامرز نجد سمیعی.
- ۳۸- کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی، به کوشش محمد رسول دریاگشت، کرمان شناسی.
- ۳۹- دیوید ست وینست انگلیسی، لونی پؤلنت.
- ۴۰- جلال آل احمد، کارنامه سه ساله.
- ۴۱- صفه، نشریه علمی و پژوهشی معماری و شهرسازی.
- ۴۲- تذکره شعرای بم، انتشارات اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان بم.
- ۴۳- معینی کرمانشاهی، مجموعه اشعار خورشید شب، انتشارات سنائی.
- ۴۴- نصرت الله مشکواتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران.
- ۴۵- سفرنامه ناصر خسرو - به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی.
- ۴۶- دکتر سید ابوالقاسم پورحسینی (واصل کرمانی)، شکوفه های اندیشه.
- ۴۷- داوود یوسف زاده، نیمرخی از ارگ بم.
- ۴۸- رحمت الله منشی زاده، جهانگردی.



شمال

جنوب

شهر اراک

مطهر حافظ آباد

پارک ارگ

مطهر دولاب

از ۵۰۰ متر حصار اصلی، تعداد ۳۸ برج آن وسیع، مرتفع و دارای اطاق نعلبانی می باشد

شمش شدن میر و ورودی و خروجی - اقتباس از جغرافیای شهر بم، تألیف محلاتی

مقیاس = ۱/۴۰۰۰

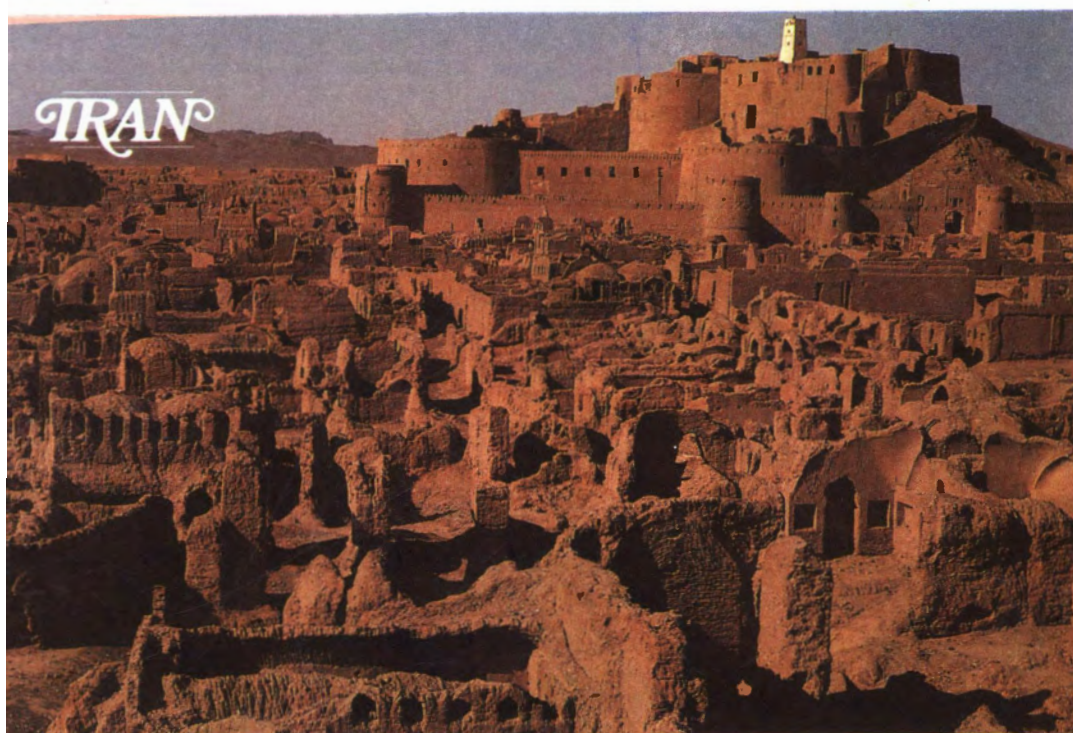
کتاب‌هایی که مرکز کرمان‌شناسی تاکنون منتشر نموده است.

- | | |
|-------------------------------------|---|
| ۱- جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری کرمان | ۲۸- دیوان استاد علینقی بهمنیار |
| ۲- کتابشناسی خواجه | ۲۹- ترجیع‌بند خواجه |
| ۳- کرمان در قلمرو تحقیقات ایرانی | ۳۰- خلوت سجاده‌های سرخ |
| ۴- روضه‌الانوار خواجهی کرمانی | ۳۱- مجموعه مقالات اولین سمینار |
| ۵- کلیات ادیب قاسمی کرمانی | ۳۲- راهنمای کرمان |
| ۶- گزیده غزلیات خواجه | ۳۳- جغرافیا و کارکردهای بازار کرمان |
| ۷- فرهنگ لغات و اصطلاحات مردم کرمان | ۳۴- مجموعه مقالات اولین سمینار کرمان‌شناسی |
| ۸- واژه‌نامه گویش بردسیر | ۳۵- آکنه یا غرور جوانی |
| ۹- از ماهان تا چابهار | ۳۶- بررسی گویش جیرفت و کهنوج |
| ۱۰- امثال فارسی در گویش کرمان | ۳۷- سیری در جغرافیای تاریخی زرنده و کوهبنان |
| ۱۱- دیوان اشعار خواجهی کرمان | ۳۸- مجموعه اشعار حدیث تنهایی |
| ۱۲- دیوان عماد فقیه کرمانی | ۳۹- مجموعه اشعار برادران دانشور |
| ۱۳- تاریخ جیرفت و کهنوج | ۴۰- موزه‌های بازیافته |
| ۱۴- مجموعه مقالات دومین سمینار | ۴۱- کرمان در یک نگاه |
| ۱۵- تاریخچه محله و مسجد خواجه‌خضر | ۴۲- سیرجان در آئینه زمان |
| ۱۶- بررسی زبان‌شناختی گویش زرنده | ۴۳- پاک تن (آداب شستشوی در آئین زرتشت) |
| ۱۷- راور شهری در حاشیه کویر | ۴۴- تمدنهای نخستین |
| ۱۸- شور عشق استاد صنعتی | ۴۵- نخلبند شعرا |
| ۱۹- دیوان همایون | ۴۶- هزار مثل جیرفتی |
| ۲۰- آلبوم کرمان | ۴۷- فرهنگ عامیانه گلباف |
| ۲۱- کلیات شاه نعمت‌الله‌ولی | ۴۸- کرمان و انقلاب اسلامی به روایت تصویر |
| ۲۲- بیاد گل سرخ | ۴۹- خاطرات آفتابی |
| ۲۳- امید به زندگی | ۵۰- سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی |
| ۲۴- کرمان در آئینه تاریخ | ۵۱- یاس‌ها و داس‌ها |
| ۲۵- تحفه کرمان | ۵۲- شاهین کویر |
| ۲۶- بی‌عشق هرگز | ۵۳- هفتیاد |
| ۲۷- تاریخ سیرجان | ۵۴- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان |

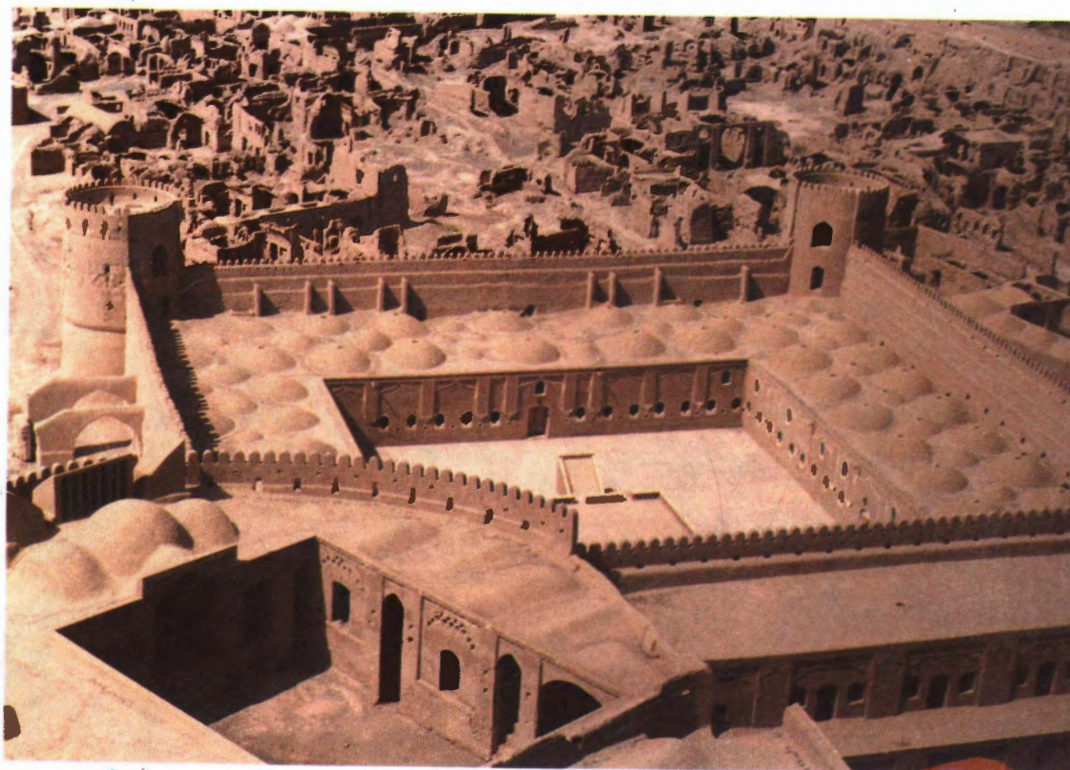
جهت کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با شماره تلفن‌های ۰۳۴۱-۲۶۷۴۳۷ و ۰۳۴۱-۲۳۵۰۸۱ تماس حاصل فرمائید.
آدرس: کرمان، خیابان شهید رجائی، کتابخانه ملی، مرکز کرمان‌شناسی.



نهایی از حاکم‌نشین لرگه بم که در حاشیه شمالی قلعه بم و بر ستیخ کوهی استوار تعبیه یافته است. بطوری که ضمن قرار گرفتن در لبه، سه حصار مرتفع و مجزا از هم؛ پناهای اصلی حاکم‌نشین که شامل برج اصلی دیده‌بانی خانه حاکم، ساختمان چهارفصل، حمام اختصاصی حاکم و چاه آب آن می‌باشد، از سمت جنوب، جنوب غربی و غرب آنها را احاطه کرده‌اند. (در نه‌ای فوق سه حصار مزبور، به طرز آشکاری قابل رؤیت می‌باشند).



دهی بنشین چه لرگه بم نظر کن
دل لزیاد عزیزان پر شرر کن
به عبرت بنگر این ویرانه‌ها را
سر لزی سودای این دنیا به در کن



نمایی از خانه فرمانده نظامی (سرکرده قشون) و ساختمان اصطبل، واقع در بخش حاکم که یکی پس از دیگری و متعاقب هم بنا شده‌اند و نیز تصویری گویا از خانه‌های مسکونی مجاور اصطبل و در واقع در بخش عامه‌نشین که به طور کلی دچار فرسایش و تخریب شده‌اند.



منظره‌ای زیبا از لرگه بچ، قبل از اجرای برنامه‌ی وسیع پروژه‌ی فنی، که بچ در قالب مرمت، حفظ و نگهداری بناهای لرگه بچ که از لویایل سالهای دهه هفتاد با سرعت چشمگیری آغاز شده است.



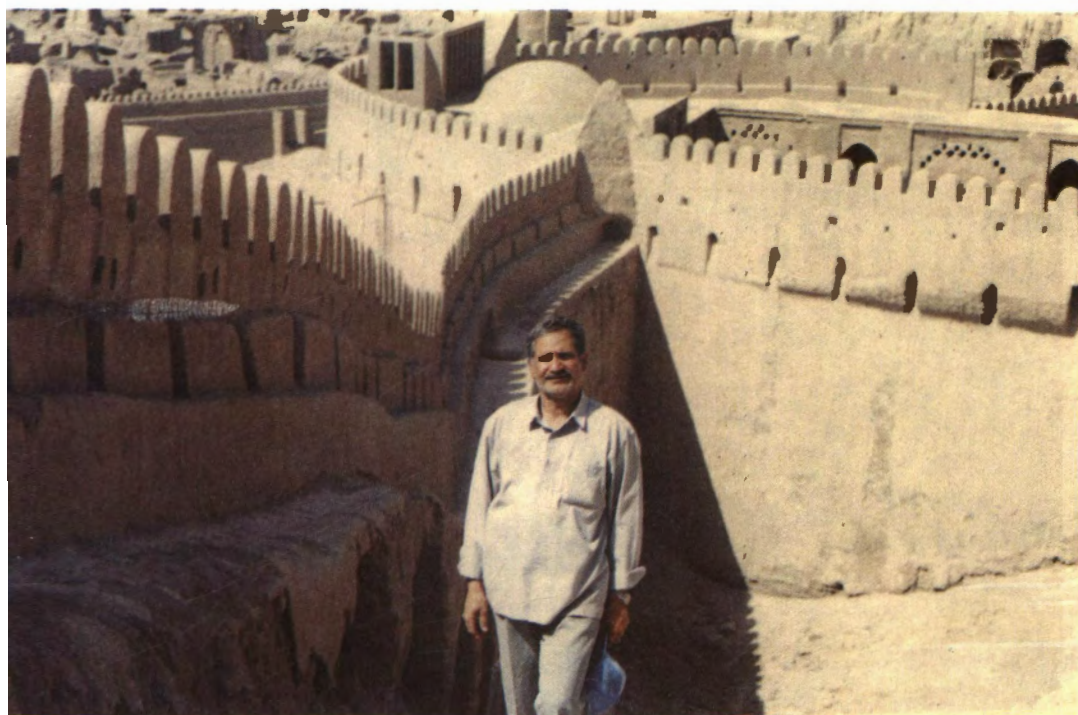
منظره‌ای جالب از داخل حاکم‌نشین به شهر و باغات سرسبز بهم، از زیر طاق راهروی ارتباطی حاکم‌نشین
به محل دروازه کت گرم را از جدله‌ای داخلی حصار که جلوی دروازه قدیمی را مسدود ساخته است.



نمای قلعه حکومتی لژ پاپلیهای عامه نشین متصل به حصار دوم



درولزه دوم، یا درولزه حاکم نشین که امکان صعود به بالای کوه را میسر ساخته است. در دوران اخیر به بازسازی کامل آن مبادرت گشته است و اطاقهای نگهبانی و استراحت محافظین آن، واقع در دو طرف دالان ورودی و طبقه فوقانی به چایخانه سنتی اختصاص یافته است.



نگارنده در پای حصار فوق‌الذکر، حصاری که به منزله‌ی قسمتی از حصار سوم حاکم‌نشین است و جهت کامل شدن حصار سوم، از سمت شرقی به حصار اصلی و مردگرد بالای دروازه کت کیرم و از سمت غربی به دیواره‌ی شرقی برج جنوب شرقی سربازخانه، الحاق یافته است.



نمای کلی ارگ بم در پرتو روشنایی نور شبانه



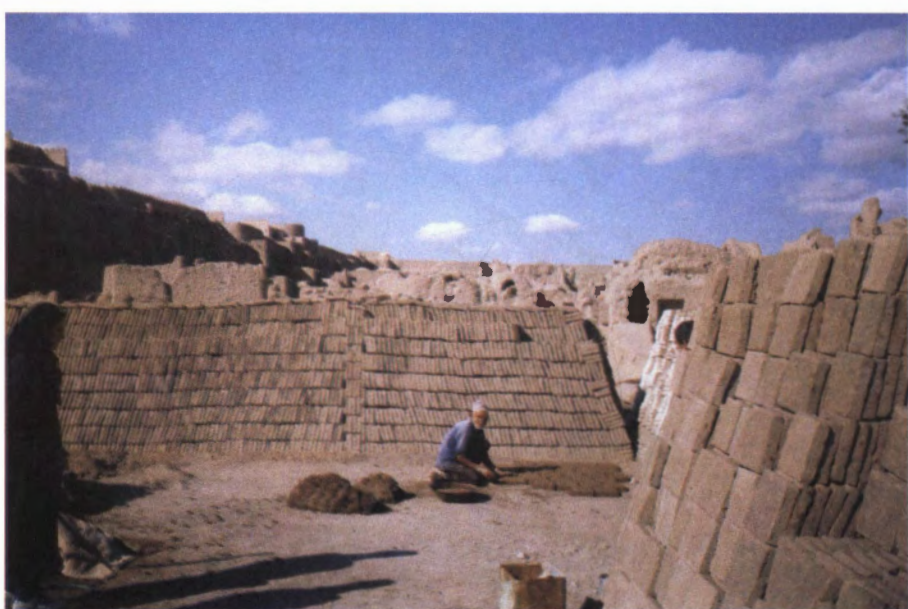
تصویر بازار اصلی و چهار سوق آن



تورموتور سواران خارجی در مقابل دروازه اصلی



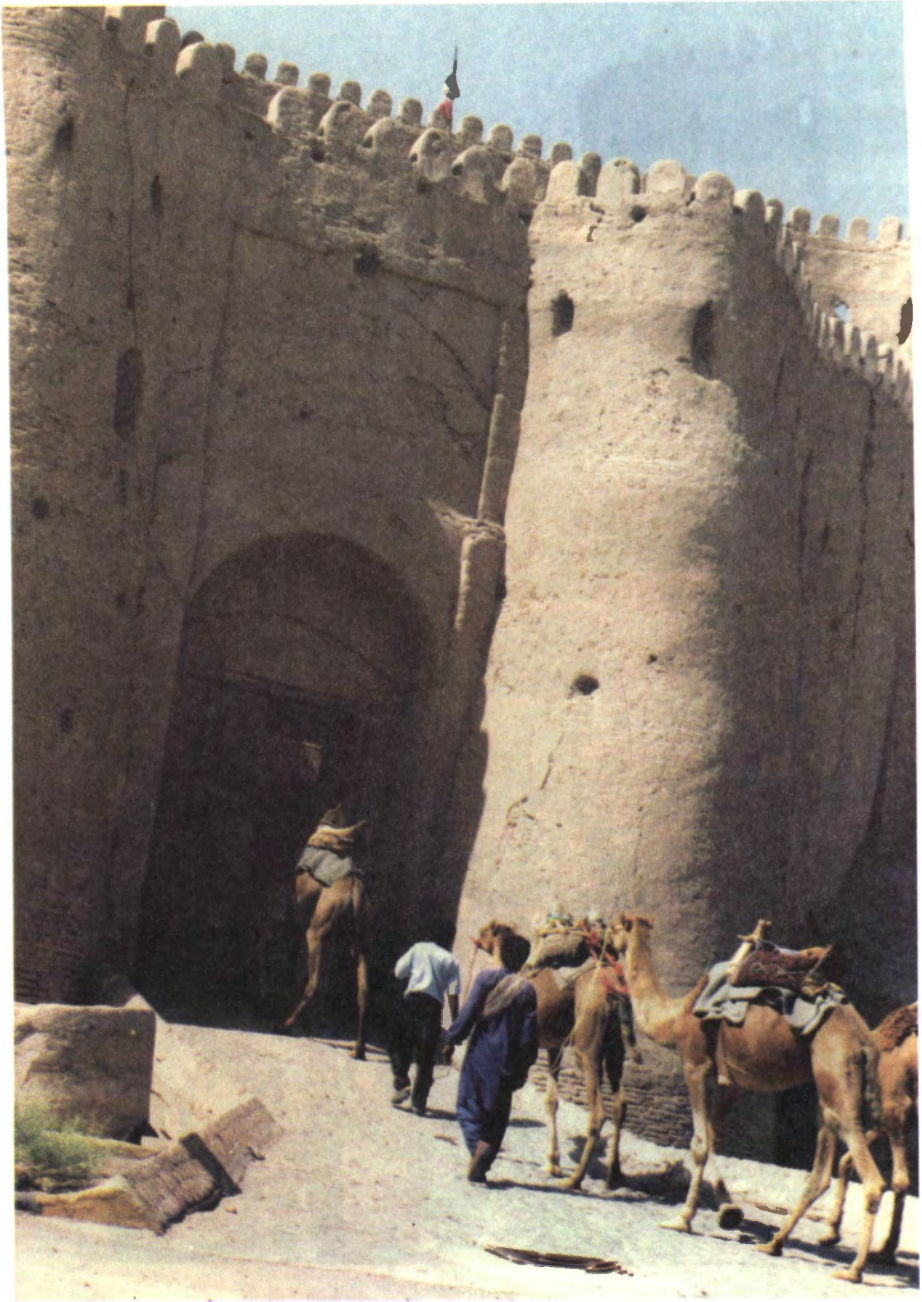
نمای کلی عامه نشین و نخلهای سر سبز شهر از بلندای ارگ



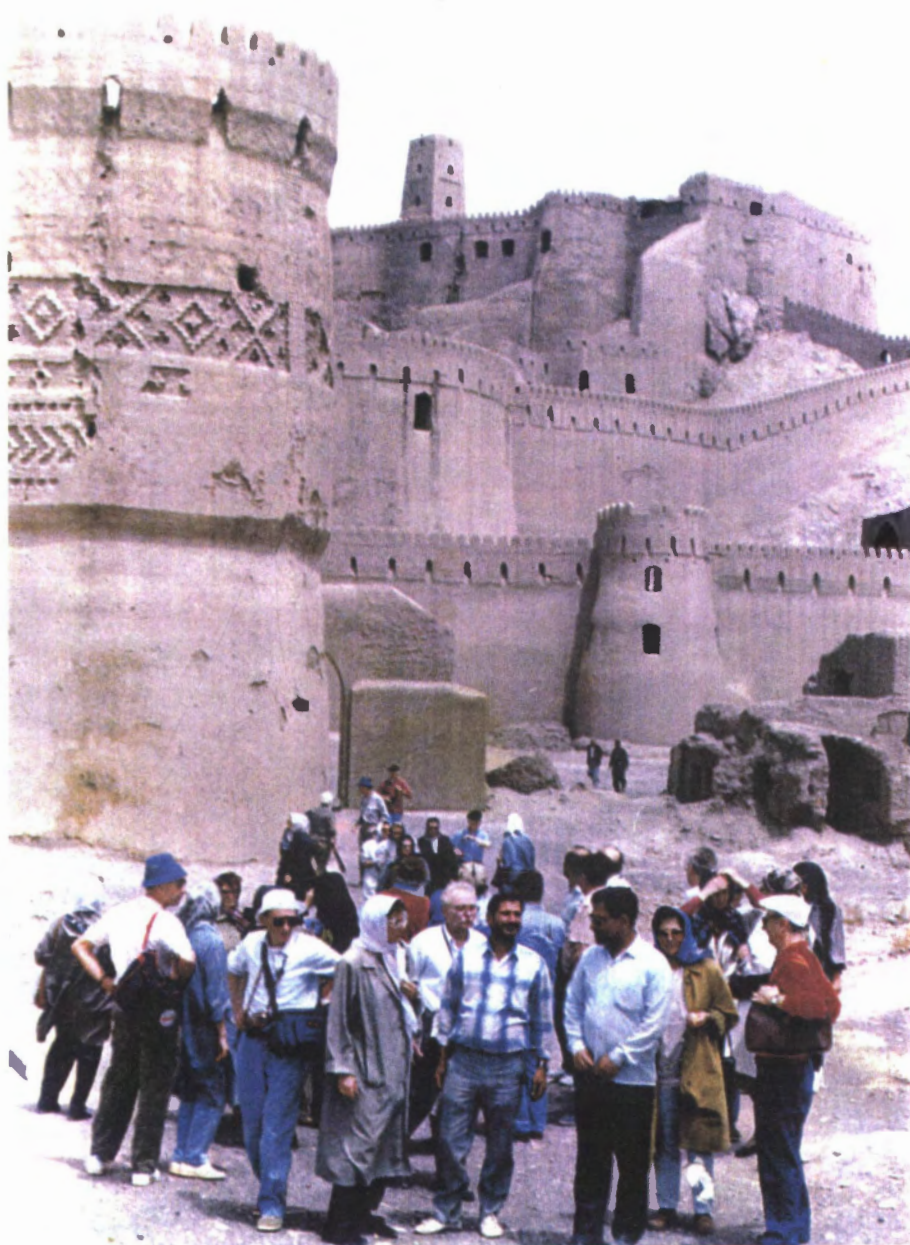
استاد علی خشت مال استاد کار ۸۰ ساله



ارگ بم در انبوه نخلهای همیشه بهار



کاروان شتر سواری جاده ابریشم در ایام نوروز



جلوه های توریستی ارگ بم در سالهای اخیر

لیست کتب منتشره مرکز کرمان شناسی

عنوان کتاب	قیمت	شماره کتاب	تاریخ انتشار	موضوع	تعداد کپی	قیمت
۱- جغرافیا و برنامه ریزی شهری کرمان	۱۰۰۰۰ ریال	۲۲- یعقوب لیث	شومیز ۱۵۰۰۰ ریال	۲۳- خلیف بنده	۱۷۰۰۰ ریال	۱۷۰۰۰ ریال
۲- کتابشناسی خواجه	۱۲۰۰۰ ریال	۲۳- شوباد	۸۰۰۰ ریال	۲۴- موزهای بازیافتی	۸۰۰۰ ریال	۸۰۰۰ ریال
۳- کرمان در ظلم و تحققات ایرانی	۶۵۰۰۰ ریال	۲۵- سیرجان در یک نگاه	۸۰۰۰ ریال	۲۶- سیرجان در آئینه زمان	۱۵۰۰۰ ریال	۱۵۰۰۰ ریال
۴- روضه الانوار خواجهی کرمانی	۱۰۰۰۰ ریال	۲۷- پاک تن آداب شستشو در آئین زرتشت	۳۵۰۰۰ ریال	۲۸- تمدنهای نخستین	۳۵۰۰۰ ریال	۳۵۰۰۰ ریال
۵- کلیات ادب قاسمی کرمانی	۷۰۰۰۰ ریال	۲۹- خلیف بنده	۳۵۰۰۰ ریال	۳۰- مزار مثل جیرفتی	۳۵۰۰۰ ریال	۳۵۰۰۰ ریال
۶- گزیده غزلیات خواجه (قطع کوچک)	۵۰۰۰۰ ریال	۳۱- فرهنگ عامیانه گلباف	۱۸۵۰۰ ریال	۳۲- خاطرات آقایی	۱۸۵۰۰ ریال	۱۸۵۰۰ ریال
۷- واژه نامه گویش برده سیر	۳۰۰۰۰ ریال	۳۳- سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی	۳۳۵۰۰ ریال	۳۴- سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی	۳۳۵۰۰ ریال	۳۳۵۰۰ ریال
۸- دیوان اشعار خواجهی کرمان	۲۰۰۰۰ ریال	۳۵- یاس ها و داس ها	۲۰۰۰۰ ریال	۳۶- شاهین کویو	۲۰۰۰۰ ریال	۲۰۰۰۰ ریال
۹- دیوان عماد فقیه کرمانی	۸۵۰۰۰ ریال	۳۷- صفیاد	۳۲۵۰۰ ریال	۳۸- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۰- تاریخ جیرفت و کهنوج	۸۵۰۰۰ ریال	۳۹- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۴۰- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۱- مجموعه مقالات دومین سمینار	۱۰۰۰۰ ریال	۴۱- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۴۲- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۲- تاریخچه محله و مسجد خواجه خضر	۱۲۰۰۰ ریال	۴۳- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۴۴- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۳- بررسی زبان شناختی گویش زرت	۱۲۰۰۰ ریال	۴۵- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۴۶- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۴- راور شهری در حاشیه کویز	۱۲۰۰۰ ریال	۴۷- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۴۸- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۵- شور عشق استاد صنعتی	۷۵۰۰۰ ریال	۴۹- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۵۰- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۶- دیوان همانیون	۱۸۰۰۰ ریال	۵۱- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۵۲- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۷- الیوم کرمان	۲۵۰۰۰ ریال	۵۳- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۵۴- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۸- بنیاد گل سرخ	۹۲۰۰۰ ریال	۵۵- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۵۶- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۱۹- امید به زندگی	۵۰۰۰۰ ریال	۵۷- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۵۸- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۰- کرمان در آئینه تاریخ	۲۸۰۰۰ ریال	۵۹- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۶۰- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۱- تحفه کرمان	۸۵۰۰۰ ریال	۶۱- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۶۲- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۲- می عشق هرگز	۲۰۰۰۰ ریال	۶۳- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۶۴- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۳- تاریخ سیرجان	۱۱۰۰۰ ریال	۶۵- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۶۶- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۴- تاریخچه بند خواجه	۱۵۰۰۰ ریال	۶۷- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۶۸- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۵- خطرات سجادهای سرخ	۴۰۰۰۰ ریال	۶۹- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۷۰- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۶- حدیث تنهایی ۱۲۰۰۰ ریال	۱۵۰۰۰ ریال	۷۱- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۷۲- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۷- جغرافیا و کارکرد بازار کرمان	۱۸۰۰۰ ریال	۷۳- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۷۴- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۸- بررسی گویش جیرفت و کهنوج	۱۷۵۰۰ ریال	۷۵- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۷۶- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۲۹- آکنه یا غرور جوانی	۹۵۰۰۰ ریال	۷۷- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۷۸- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۳۰- سیری در جغرافیای تاریخی زرت و کوهستان	۱۱۰۰۰ ریال	۷۹- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۸۰- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال
۳۱- در شهر قصه عجیب نیست	۸۰۰۰۰ ریال	۸۱- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۸۲- تاریخ، تمدن و فرهنگ سیرجان	۳۲۵۰۰ ریال	۳۲۵۰۰ ریال

جهت کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با شماره تلفن ۲۲۵۰۸۱ و ۲۲۶۲۲۷-۲۲۴ تماس حاصل فرمائید.
آدرس: کرمان، خیابان شهید رجایی، کتابخانه ملی، مرکز کرمان شناسی

شماره ۱۱/۵۲۹۶

تاریخ ۸۱/۳/۲۶

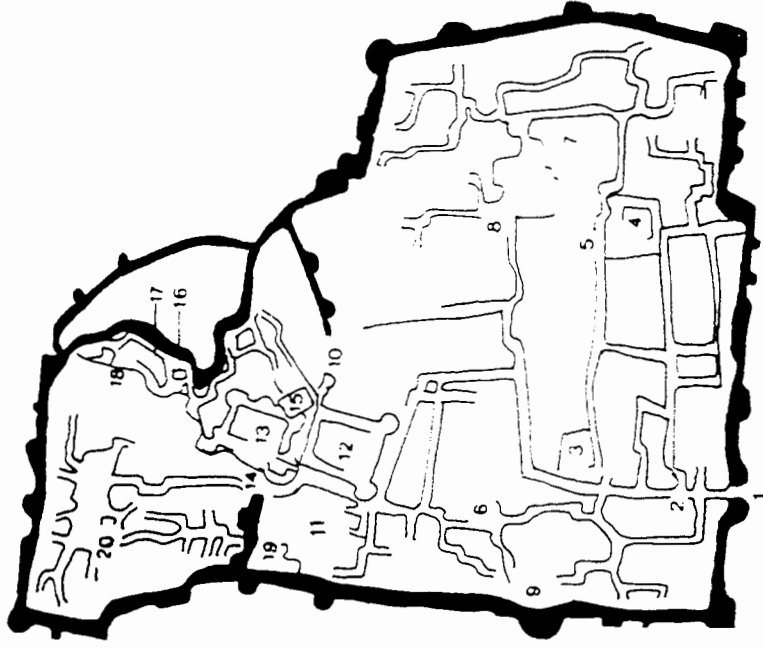
جناب آقای محمود توحیدی

عشق و علاقه جنابعالی در معرفی زیباترین اثر تاریخی جهان که سالهاست هزاران راز و رمز را از گذشته‌های دور نفس می‌زند و جلوه گر ناب‌ترین گفته‌های این دیار دیرین است ستودنی است.

با تقدیر از آن همه تحقیق و نیز این کتاب ارزنده که اثری بدیع در احوال آثار کهن این سرزمین باستانی است، برایتان آرزوی بهروزی و موفقیت روزفزون دارم. اندیشه و قلمتان پرتوان باد.

سیدجواد جعفری

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان



Arg Nameh

1_Main Gate

2_Bazar

3_Bazar sq.

4_Main Mosque

5_Mirza Naeim's Complex

6_Small Mosque

7_Carvansarai

8_Gymnasium

9_Bathroom

10_Second Gate

11_School

12_Stables

13_Garrison

14_Wind Mill

15_Commander's House

16_Governor's Residence

17_Chahar_Fasl Building

18_Main Well

19_Old Fortification Wall

20_Konari Mahaleh

Elevation plan of Bam Citadel

This citadel may be the oldest part of the Arg. Here could be the forming core of the Arg of Bam. It dates back several centuries before Islam. It has gradually been reconstructed and extended along the history.

Large rocks used in the foundation of the walls of the citadel, plus some architectural styles used in four-season building and inside the towers back up the evidence.

In order to accurately find out about Arg history, some archeological and architectural studies are being done on the remnants of the buildings. It should be said that most of the buildings date back to post-Islamic era. From early Islamic periods to the middle of the thirteenth century A.H. when the Arg commenced to be deserted.

Arg Bam has been registered as an Iranian national heritage under Number 519. It has been under repair and reconstruction from 1351 A.H.S. Extensive studies were carried on practically from 1372 A.H.S. In the year 1374 A.H.S. the first great conference on architecture and urban planning was held in the Arg as one of the major cultural and historical centers of the country.

HOSEIN TAYARY

In the east side of the Arg, there is a holy place of pilgrimage attributed to the twelfth Imam (May god hastens his reappearance). The place, respected by people, draws many a pilgrims to itself on a daily basis. Opposite to the mosque and in the north side of the alley, there stands Mirza Naeem's religious school which was built in the middle of Qajar reign by one of Bam's clergymen called Haj Seyed Mohammad whose tomb is located in the corner of the same school named after his son; Mirza Naeem.

Potable water of the Arg was obtained from wells dug inside the houses. Additionally, there was a Qanat (underground aqueduct) known as " Nahre Shahr"

(stream of the city) which supplied the required water. Qanat water entered the Arg through a gooseneck siphon which passed underneath the trench and the wall round the Arg. It would enter the public bath of the Arg at the first place. Then, It would leave the Arg after passing through different localities, religious school and cathedral mosque.

At the north side, the passage leading to the ruler residence is covered and is known as the Jews' passage. At the north side of the residential quarter and opposite to Jews' passage at the foot of the hill, one could see the only gate to the ruler residence.

The ruler residence is surrounded by three walls one, inside the other. The lowest wall is located at the southern side of the hill wherein one could see military stable and guards' facilities.

In the north side of the stable and on the slope of the hill, another wall embodies the barrack, house of military commander plus other military facilities. Inside one of the great towers attached to this wall, there are traces of a windmill built in the beginning of Qajar reign.

On top of the highest hill, there is a citadel surrounded by high walls, wherein one could visit; ruler's house, private bath, four-season building, sentry's main tower and other governmental remnants. There is a deep well in the citadel for the supply of the water. The well has been dug all inside rocks. There are two other wells dug all inside rocks in the barrack and the stable.

citadel. The trench would be full of water in the time of war to defend the invaders. Walls and towers have been reconstructed and mended several times in different eras. There is only one entrance gate to the whole Arg through the outer wall of the south side.

Public residence quarter:

The residence of the public comprises of seven localities of different sizes. All municipal facilities of a typical traditional Iranian city could be found here such as: bazaar, circles/squares, cathedral mosque, religious school, caravansaries, water reservoir, public bath, Zourkhaneh, (House of Strength), arcs, local markets and different vocational shops.

The bazaar of Arg starts after the main gate, with all shops at the two sides and a cross-bazaar in mid-way. The bazaar stretches to the circle of tekiyeh.

Circle of tekiyeh as the main square of the Arg, was the business transaction place of the people in ordinary times, while it would turn into a mourning place for the cause of the martyrdom of Hazrat Imam Hossein during the month of Moharram wherein all mourning rituals and religious theaters were held.

There was only one main passage from south towards the ruler residence. There were several other north-south passages parallel to the main one as well as some east-west passages connecting different localities of the Arg to each other.

Arg Cathedrak Mosque is located on a east-west passage that would start from tekiyeh. The mosque is one of the oldest Iranian mosque built during the first centuries of Islamic era. It has undergone reconstruction and repair during Seljuqs, Safavids, Zands and Qajars dynasties. One could observe the date; 1164 A .H. on the tile mounted on the mosque portico in north west side.

In the beginning , the mosque used to have a primitive design in the form of a single arc. Later on , it was extended to a mosque with three porticos.

Based on evidences, the life of the city of Bam dates back to several centuries before the advent of Islam and continues to enjoy abundant welfare and prosperity until 6th century AH. There were other big cities in the area apart from bam such as; Narmasheer, Reegan, Darzeen and Nessa which gradually vanished due to hardships.

Bam used to possess important textile industries, producing silk and cotton fabrics well-known throughout Islamic countries.

Arg of Bam;

The term Arg means a very strong citadel. The citadel was located in the

North-east corner of the old city of Bam. Visitors can still observe partial traces of the old wall which used to surround the city and is known as " Shahrbast". This wall is still situated in the north side of the Arg along with other facilities such as ice-house, city gate (Espikan) etc.

As a magnificent and matchless complex of clay adobe, Arg of Bam is one of the largest and the most important historical monuments of Iran with an area of about 200,000 square meters distinctly divided into two parts; the ruler quarter and the public quarter. The ruler quarter is constructed on the highest hilltop in the area with a height of 50 meters. The public quarter or residential part of the Arg is situated at the south and west side of the hill where some of the people of Bam used to live and work until 180 years ago. Later on the Arg became deserted, therefore as a specimen of an intact traditional Iranian township it has preserved all its architectural specification and hence one could easily recognize the application of each building. That is why the place has always been under the focus of attention of researchers and lovers of cultural heritage and history.

Among particular features of the Arg, one can mention four citadels, one inside the other to create such a gigantic architectural complex. The ruler quarter is thus protected by four walls in its south side.

The first wall which is the main wall as well, is the largest urban element round the public section of the Arg. In some parts, the wall is up to 18 meters high and over 6 meters wide. Every 30-40 meters distance, there are guard towers. There is a trench all around the outer wall of the

In the Name of God

Translation of 5 page article on the city of Bam. Typed on the letterheads of;

Iranian Cultural Heritage Organization, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Islamic Republic of Iran.

Date: Khordad 23rd , 1381

Ordered by Mr. Javeed of Kermanology Center as an appendix to ARGNAMEH book on the history of Bam Citadel.

BAM

The city of Bam is located 190 km southeast of Kerman. It lays on a plain situated between Barez mountain ranges and mount Kabudy on the southwestern rim of the Lut desert. Its latitude is 29 degrees 52 minutes northward, while its longitude is 58 degrees 27 minutes eastward. Bam's Altitude is 1050 masl. The area of the whole province is 17755 Km2 with a population exceeding 20,000 persons while the population of Bam; the central city of the province is about 78,000 people.

Climatically, Bam possesses the arid, dry atmosphere of the desert, yet due to snow-covered, high mountains encircling the area, abundant, rich Qanats (underground water aqueducts) and aquifers help develop the agriculture of the region.

The oldest traces of civilization found in Bam are located around Beedroon hills 10 Kms away from Bam westward. Remains of "Talle Atashy" (firey hill) in Darestan are situated 30 kms northeast of Bam. According to archeological studies, the above date back 2 to 4 millennia B.C. therefore, people have started to live in this area for at least 6000 years.

The city of Bam used to enjoy high strategic importance, because it was situated in the path of an important international trade route which connected civilizations of Mesopotamia and West to civilizations of Sistan and Sihnd valley in India. This route was an important branch of famous silk route which due to its transactions with India in the business of spice, was known as "spice route".

